



پرولترهای جهان متحد شوید!

مسائل بین‌المللی

۴

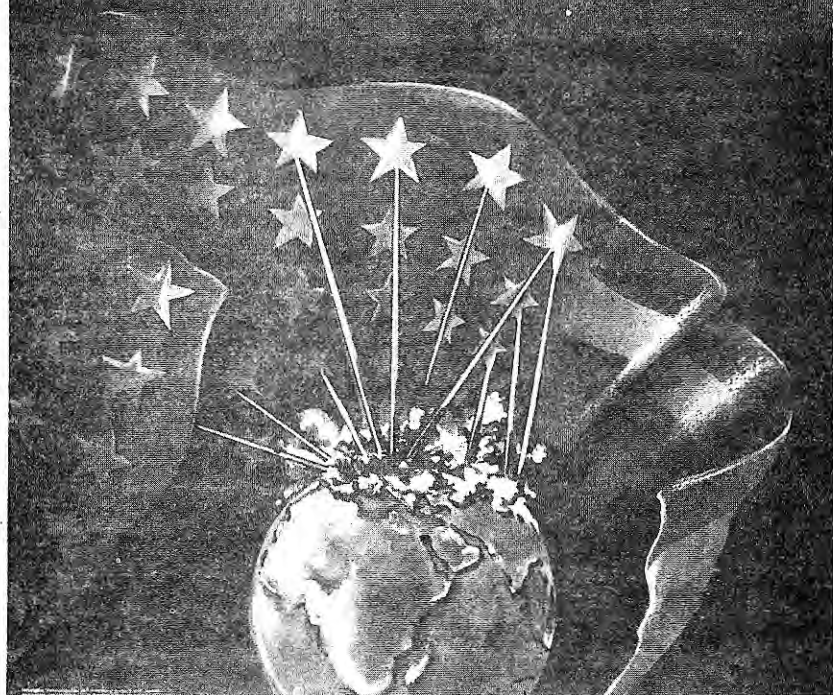
مهر - آبان

سال ۱۳۶۴

„Krieg der Sterne“ Niemals!

Raketen und
Weltraum-Waffen stoppen!

DKP



پوستر از حزب کمونیست آلمان

«جنگ ستارگان» - نه!

راه را بر موشکها و سلاح های کیهانی ببندیم!

فهرست مقالات این شماره :

صفحه	عنوان	نویسندگان مقاله ها
۱۲ - ۳	بیدادگری خونبار آنتی کمونیسم در ایران	علی خاوری
۲۳ - ۱۳	فرید ریش انگلس و مبارزه ایدئولوژیک معاصر	هاینریش گمکف
۳۴ - ۲۴	مداخله مسلحانه به بهانه خطررواهی	ریگبرتویاد یلیاروش
۴۴ - ۳۵	دروغ پردازی درباره "تجاوزکاری" کمونیسم	آندره آس فانتیس
۴۷ - ۴۵	اجلاسیه مشورتی دبیران کمیته های مرکزی احزاب برادر کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی	-
۵۷ - ۴۸	انتخابات و وضع سیاسی در هندوستان	نارای یانا کالیانا کریشنان
	علیه تضییق و فشار پیگیرد :	-
	موج ترور را متوقف سازید !	
۶۰ - ۵۸	به ترور در اندونزی پایان دهید !	
۶۵ - ۶۱	کنترل بهره برداری از انرژی هسته ای امکان پذیر است	هانس بلیکن
۶۹ - ۶۶	خبرهای کوتاه	-

بیدادگری خونبار آنتی کمونیسم در ایران

علی خاوری

دبیر اول کمیته مرکزی حزب
توده ایران

بیش از دو سال از یورش سبمانه ارتجاع داخلی بر حزب توده ایران که با همکاری دستگاههای جاسوسی کشورهای امپریالیستی تدارک دیده شده بود میگذرد. این یورش از طرف ارگانهای سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران دقیقاً طراحی شده بود. پی آمدهای این حادثه شوم برای انقلاب شکوهمند ایران و مردم زحمتکش کشور ما، دیگر جای هیچگونه سئوالی و ابهامی در انگیزه سازماندهندگان و اجرا کنندگان این خیانت بزرگ، بمتاف ملی و مردمی میهن ما باقی نگذاشته است.

بسرغم مصالح ملی

در نخستین اطلاعیه ای که کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت این یورش منتشر کرد گفته میشود: "یادآوری این واقعیت بجاست که تاریخ چهل سال واند حزب توده ایران نشان داده است که بلا استثنا هر هجوم گسترده امپریالیسم بر منافع و مصالح ملت ایران، استقلال و آزادی و دموکراسی کشور با حمله سرتاسری آن علیه انقلابیون واقعی آغاز شده است. حزب توده ایران طی حیات سیاسی خود بارها بخاطر مواضع اصولی خود در دفاع از استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی مورد هجوم سبمانه گردانندگان سیاستهای استقلال شکن و ایران برپادده، سیاست های خفقان و استبداد و ضد ملی ضد کارگری و ضد دموکراتیک قرار گرفته است. هزاران نفر از اعضا و رهبران حزب یاد رزیر شکجه و یسادر میدانهای اعدام و یاد رکتشارهای دسته جمعی بقتل رسیده اند، بیش از ۲۰ هزار سال حزب پیکارگر سالهای زندان استبداد سلطنتی و سپس رژیم استبدادی ج ۱۰ را بر شانه ها مستبر خود میکشد. این درسی است که انقلابهای نافرجام در سراسر جهان بهممه پویندگان راه استقلال و آزادی و پیشرفت

اجتماعی میآموزد که حمله به احزاب کمونیست و کارگری همیشه سرآغاز صبح و شکست انقلابها بوده است تاریخ معاصر میهن ما خوب بخاطر دارد که بلافاصله پس از پورش سبحانه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و غیرقانونی کردن حزب بود که مذاکرات پنهانی بین ایران و انگلیس برای تداوم و تشدید استشار و وزارت نفت ایران آغاز گردید. در آن هنگام نیز مانند امروز حزب مزاحم غارتگری امپریالیستها باید از میان بگذرد میشد تا برنامه های ضد ملی امپریالیست ها در ستیاریان داخلی آنها بتواند اجرا شود.

در کودتای امریکائی - دربار علییه دولت ملی مصدق با زور اصلی دفاع از نهضت ملی ایران، حزب توده ایران مورد پورش وسیع قرار گرفت و صد هائفر از بهترین فرزندان میهن ما و اعضا حزب توده ایران اعدام و هزاران نفر زندانها کشیده شدند. این بار نیز هدف وابسته کردن ایران به سیاستهای امپریالیستی و بازگرداندن ثروت های بیکران نفت به جیب انحصارهای چند ملیتی امپریالیستی و ادامه استفاده از ایران بمثابه کشوری کارآزاد برای استثمارگران نبود. همه این اقدامات ضد ملی و ضد دموکراتیک زیر عنوان مبارزه با خطر کمونیسم و خطر شوروی انجام شد و میشد. پس از کودتای امریکائی مرداد ۱۳۳۲ سقوط دولت ملی ایران در کتف مصدق لیدر جبهه ملی و نخست وزیر قانونی کشور زندانسی و محاکمه کشیده شد. او که بازی ناپاکی را که دولت های امپریالیستی امریکا و انگلیس با نهضت ملی ایران تحت پوشش مبارزه با خطر کمونیسم و خطر شوروی کرده بودند بخری شناخته بود در زندان چنین نوشت: "در حسن نیت دولت بزرگ (مصدق ایالات متحده امریکا و انگلستان را در نظر داشت. ع. ح.) باید تردید کرد و زیرا کمونیسم رایجانه کرده اند برای اینکه ۴۰ سال دیگر از مادن نفت ماسوه استفاده کنند" (۱).

شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی طی دو سال اخیر در کشور ما دامنه بی سابقه و خطرناکی یافته است و این خود گواه چرخش شدید حکام جمهوری اسلامی بر است و تسلیم بلا شرط واقعی آنان در برابر بورژوازی بزرگ ایران است.

از نخستین روزهای پس از سرنگونی رژیم شاهنشاهی، امپریالیست ها رژیم تازه ایران را به این راه میکشاندند. در واقع فقط ز. پیزینسکی مشاور سابق رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا بود که به وزیر امور خارجه توصیه میکرد لازم است جو سو، ظن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد مورد بهره برداری قرار داد. رئیس جمهوری گفته است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی خصوصاً از طرف اتحاد شوروی به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد. تضعیف کنونی روابط میان هردو کشور که ناشی از سیاست شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی تهران است

آب به آسیاب و شکنگن میریزد . امریکاسمی دارد نتیجه پیشرفت رویداد هاد را ایران بود امپریالیست ها تمام شد بود جهت تملیلات سیاسی واید ثولوزیک آنها باشد . مشی محافل حاکمه کشور مستقیماً بسا سیاست صلح و دوستی و احترام به حق حاکمیت ملی که اتحاد شوروی نسبت بمصیبن ما در پیش گرفته مضایراست .

باتوجه به تجارب گذشته وکونی بااطمینان میتوان گفت سیاست شوروی ستیزی وکمونیسم ستیزی بحق حاکمیت ملی وپیشرفت ایران زبان زمین ، بر اقتصاد کشور تأثیر منفی میکند ومنتشد یسد وابستگی میهن ما به کشورهای سرمایه داری منجر میگردد . این سیاست بمیزان قابل توجهی به نزدیکی رهبران کونی تهران با منفورترین محافل امپریالیستی که " جنگ صلیبی " علیه کمونیسم اعلان کرده اند وضمن آن تلاش میکنند استقلال و آزادی تمام کشورها وخلق هارا پایمال نمایند ، کمک میکند . مختصراً علی را که موجب پیدایش چنین چرخش شدیدی بر است در مواضع حکام جمهوری اسلامی شده است بررسی کنیم .

پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ روحانیون با استفاده از اینکه حزب ما وسایر نیروهای مترقی در نتیجه اقدامات سرکوبگرانه و بیگردد رژیم شاه شدیدا تضعیف شده بودند ، عملاً حاکمیت سیاسی را به انحصار خود در آوردند . حزب توده ایران و طبقه کارگر بطور کلی در وضع بخرنجی قرار گرفتند . گروهی از روحانیون رهبری کشور را بدست گرفتند که منافع محدود طبقاتی و قشری - صنفی و نیز علاقه آنان بسا اسلامی کردن همه جانبه جامعه با امید وخواستهای مردمیکه برای انجام انقلاب ملی - دموکراتیک بسا خاصه بودند در تضاد بود .

در جریان انقلاب مواضع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان بطور جدی تضعیف نشد ، آنها با برخورداری از پشتیبانی کشورهای امپریالیستی توطئه پشت توطئه میآفریدند تا جمهوری نوپا را سرنگون سازند و بارهبران آنرا وادار سازند از برخی از گامهای مثبتی که تحت فشار توده ها برداشته بودند صرف نظر نمایند .

حزب ما بنوبه خود میدانست که ضعیف ترین حلقه انقلاب رهبری جمهوری اسلامی ایران است زیرا این رهبری بملت محدودیت طبقاتی خود از اتکا به توده های انقلابی که بیانگر منافع اکثریت ایرانیان بودند ، امتناع میورزید و بدین ترتیب شرایط ضرور برای ایجاد دولت خلقی واقعی بدست نیامد . در عین حال تعمیق چرخش بر است از طرف محافل حاکمه جمهوری اسلامی از ترس آنان در مقابل اراده مردم به درگونی های بنیادی ناشی میگردد و همین پدیده به تلاش هائی منجر میشود که از رشد فعالیت عناصر و اقله انقلابی بهر قیمتی که شده مانعت بعمل میآید . بورژوازی تجاری نیز که نفوذ اقتصادی و متناسب با آن نفوذ سیاسی خود را بطرز چشمگیری افزایش داده بود ، آنان را بدین سمت سوق میداد

بمقید ه حزب مایگانه راهخروج ازوضع خطرناکی که در نتیجه سیاست محافل حاکمه بوجود آمده بود ه تشکیل
جبهه واحد از تمام نیروهای وفادار به انقلاب بود .

ولی رهبران جدید ایران پیشمرانه بودند ه هائی که مردم داد ه بودند ه پشت کرده ه بشیونای
جنون آمیزه سرکوب نیروهای دموکراتیک و مشرقی پرداختند ه ضربه اصلی ارتجاع متوجه حزب توده ه ایران
بود ه حزبی که طی تمام تاریخ خود نقش قابل ملاحظه ای در زندگی سیاسی و معنوی جامعه ایفاه
کرده ه است ه حزبی که منادی اندیشه ها مارکسیسم - لنینیسم بود ه وهست و میکوشد آنها را در
انطباق با شرایط بفرنج و ویژه کشورگسترش دهد و تکامل بخشد ه حزبی که انتشار اندیشه های پیشرو
اجتماعی و پر خورده علمی به فلسفه و جامعه شناسی از خدمات برجسته آنست ه حزبی که در بین اعضاء آن
تعداد زیادی دانشندان ه نویسندگان و شعرا وجود دارد و سهم بزرگی در پیشرفت دانش و فرهنگ
خود ویژه ملی ادا کرده و میکند .

در فعالیت های حزب توده ه ایران عشق شد ید بهمین با انترناسیونالیسم پرولتری بطرز
دیالکتیکی با هم تلفیق میگردد ه حزب ما از منافع زحمتکشان و محرومین قاطعانه دفاع کرده و میکند ه تحت
رهبری حزب توده ه ایران بود که بزرگترین اتحادیه کارگری در ایران ایجاد گردید و نخستین اعصاب
کارگران نفت تحقق پذیرفت ه حزب توده ه ایران دائماً بر ارتباط میان مبارزات در عرصه حیات سیاست
داخلی با مبارزه خلق های سیار با خا طر صلح و کاهش تشنج و مقابله با ارتجاعی که میکوشد اراده ه خود را
بر جوامع بشری تحمیل کند ه تأکید مینماید .

حزب توده ه ایران پیشگام مبارزات استقلال ملی بوده ه است ه فعالیت آن یکی از شرایط
اساسی بثمر نشستن انقلاب ضد سلطنتی بهمین ۱۳۵۷ بود و مهر و نشان خود را بر جریان و خصلت جنبش
توده ها باقی گذارد ه اکنون نیز بدون آنکه در زیر ضرباتی کبر آن وارد آمده ه بزانود رأید مساعی خود را
در جهت ایجاد جبهه واحد خلق ه جبهه ای که بتواند از آرمان های انقلاب در برابر حملات ارتجاع داخلی
دفاع کند ه متمرکز ساخته و توطئه های ضد ایرانی و دسایس امپریالیستی را بطور خستگی ناپذیر فاش میکند .
علاوه بر " گماهان " ناهمه ه آنچه که ارتجاع را به " تصفیه حساب " علیه حزب برانگیخت
این بود که پس از استتکاف حکمرانان جمهوری اسلامی از تأمین خواستهای اقشار محروم جامعه پیشنهاد
مشخص علمی حزب برای ایجاد تغییرات بنیادی در جامعه جاذبه بزرگی در بین توده های محروم کسب
کرده ه بود .

موضع روشن و دقیق حزب ماکه از انجام اصلاحات ارضی ه مصادره املاک بزرگ مالکان ه
برقراری انحصار دولتی بر بازار گانی خارجی دفاع میکرد و مبارزه آن در راه قانون کار عادلانه با موعظه های
تو خالی و جملهدردازی های عوام فریبانه مذهبی حکام جمهوری اسلامی بشدت در تضاد بود .

هر قدر آنها عملاً کمتر به رفاه و آسایش مردم می‌اندیشیدند، به موظفان و اوفادایان آنان افزودند و بعد معای حکام جمهوری اسلامی مرتباً نکل می‌شد و موظفان همی دعت کنند و گریک به ترحم بر می‌شود و رعایت اعتدال برای ثروتمندان فارتگرود عوت به صبر و تحمل و ترجیح دادن " معنویات بر مادیات " و " آخرت بر دنیا " برای تود نهایی محروم جای و تده های زرین اولیه را می‌گیرند و تا جائیکه خانه ای رئیس جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد " انقلاب فاصله میان طبقات و قشرها را برداشته است ؟ " رهبران جمهوری اسلامی با اینگونه اظهارات هر چه بیشتر خود را در مقابل مردم افشا می‌کردند. حزب توده و ایران ماهرانه ماهیت در زمین و تده نهایی محافظ حاکمیت برای بهبود وضع اجتماعی - اقتصادی اهالی را بر ملا می‌ساخت و ظل وضع بحرانی و عقب ماندگی اجتماعی - اقتصادی کشور را تشریح می‌نمود. باین ترتیب تود معای و زحمتی کشور پیروزه طبقه کارگر امید خود را به تده معای و مخاللی حکام جمهوری اسلامی از دست می‌دهد.

چنانکه می‌دانیم پرومعه و در کردن فعالیت حزب توده و ایران با فاصله پس از انقلاب توسط حکام انحصارگرای جمهوری اسلامی شروع شد و بود رهبران جمهوری با درک این واقعیت که افزایش جاذبه برنامه‌های اجتماعی - اقتصادی حزب توده و ایران محدود و تده آنان را نتنگ ترمیم کند با سرخستی بیشتر به مانع تراشی در راه فعالیت کونینستی پرداختند. به بهانه های ساختگی و تحریرکها و محدودیت ها علیه مراکز سازمان ها و مطبوعات حزب افزایش می‌یافت و بازداشت اعضای حزب در نقاط مختلف کشور با حمایت و هدایت مسئولان امر اجرا می‌شد. گروههای چماتی بدست از افراد متعصب و تده بنام " حزب الهی " معرفی این برنامه بودند و بدون اینکه مقامی مسئولیت این قبیل اقدامات قانون شکنانه را بپذیرد و بگیرد.

ارتجاع کبخوبی میدانست مطبوعات حزب چه نقش مهمی در امر دفاع از انقلاب ایفا می‌کند و یکسال پیش از حمله سراسری به حزب و ارگان مرکزی مطبوعات آن یعنی " نامه مردم " (۱) را توقیف کرد. دفتر مرکزی حزب از دو سال قبل از پرورش توسط " حزب الله " اشغال و تاراج شد و کتابخانه ذقیمت آن بفارت رفت. بیش از ۳۰۰ نفر از اعضا و کادوهای حزب را در زندان وزیر شکنجه و بدون کوچکترین ارتباطی با جهان خارج برای پرونده سازی علیه حزب زیر فشار قرار دادند.

همزمان با آتش گسترد و تدارک و اجرای حمله بر حزب و دیگر سازمانهای مترقی کشور وزیر پوش آن کوشش زیادی برای بازگرداندن املاک و ثروت‌های کلان سرمایه داران وابسته و بزرگ زمینداران وابسته و ضد انقلابی بعمل می‌آید. شورای نگهبان قانون اساسی که از ترجیح ترین عناصر برای کنترل و نظارت بر

۱ - از سال ۱۳۵۸ ارگان مطبوعاتی حزب توده ایران " نامه مردم " نامید و میشود و نام این روزنامه پیش از آن " مردم " بود.

امرقانینگی اوری ایجاد شده است و در واقع با وجود خود به استبداد قرون وسطائی محتوا و شکل مشخص میدهد. هر نوع قانونی را که بنوعی از منافع زحمتکشان و هر چند بسیار ضعیف دفاع میکند و رد مینماید. دوری به حزب برای ارتجاع داخلی لازم بود تا اولاً ناراضائی شدید و عمومی را از مسائل بحسران حادث اجتماعی و اقتصادی از سایر اصناف آن منحرف سازد و ایجاد رعب و وحشت کند و بقایای دموکراسی را که افشاگر حیصه‌های خافخانه نسبت به انقلاب بود بر باد دهد و بدین ترتیب خود را از موج روز افزون خشم مردم در امان نگهدارد.

حکام جمهوری اسلامی انشائی مبنی سیاست ارتجاعی خارجی جمهوری اسلامی را از طرف حزب توده ایران "گناه" که برهه بشمار می‌آوردند. آنها نسبت به جمهوری دموکراتیک افغانستان موضع خصمانه‌ای اتخاذ کرده و در سیاست‌های غلط خارجی از جمله جنگ ویرانگری با عراق که دیگر تنها انگیزه صدور شیوه حکومتی اسلام نوع فقاهتی را در خارج از ایران دایره است و با فاشیسم می‌کند.

در چنین شرایطی حزب نه تنها برای ارتجاع و سرمایه داران بزرگ داخلی غیر قابل تحمل گردیده بود بلکه برای انجام نقش‌های اپرالیستی و پیوسته امپریالیسم امریکادار ایران نیز به سدّی جدی تبدیل شده بود. این مجموعه و در آخرین تحلیل و موجب دوری مستقیم رژیم علیه حزب با همه افسوس‌ناک فیزیکی و روانی بحقیقت گسترده و سرتاسری گردید.

طبقات دوزخ زندان

سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی و پیوسته انتلیجنس سرویس انگلستان و سیا و موساد با تلاش مشترکی دست به دست می‌آوردند (سازمان اطلاعات جانشین ساواک دوران شاه) برای سرهم بندی کردن "اسناد و مدارک" علیه حزب کوشش‌های فراوانی کردند. ولی از آنجا که چنین "اسناد و مدارکی" واقعیت خارجی نداشته و تدارک نیاز زهری به "اقرار" و "اعتراف" متهمین لازم آمد.

طی مدتی که از زمان داشت رفتاری با وسایر مبارزان انقلابی و مترقی در زندان‌های رژیم اسلامی میگردید باندازه کافی اطلاعات و شواهدی بخارج از زندان‌ها راه یافته است که محقق جنایتی را که سرکوبگران جمهوری اسلامی انجام داده اند روشن کند. در جمع بست خصیلت و شیوه این شکنجه‌ها باید بگوئیم که در اینها ترکیبی از تجربه شکنجه‌های قرون وسطائی محاکم فتنه‌شوقاقد یا شیوه‌های فاشیستی در منشأن گشتاپوی آلمان و ساد بست‌های امریکائی در فیتنام و اشغالگران اسرائیلی در اراضی اشغالی اعراب اعمال میشود.

هدف در زخم‌مان شکنستن روح و جسم قربانیان و تسلیم بی‌قید و شرط آنان به اراده و خواست

شکجهگران است. زندانیان اغلب زندانیان را کاملاً از امکان دیدن و شنیدن و تماس با محیط خارج محروم ساخته و ماهها چشم های زندانی را می بندند و آنها را از نور و روشنائی محروم میکنند. گهگاه چشم آنها را باز میکنند تا بماتان نتیجه و اثر این تجربه را نشان دهند. هر بار قربانیان این فجایع احساس میکنند که بمیزان بیشتری قدرت بینائی خود را از دست میدهند و در آستانه نابینائی قرار گرفته اند.

زندانیان را به انواع وسائل تحقیر میکنند و با شلاق های سمی میزنند و ناخن آنها را میکشند و بزیر ناخن آنها سوزن فرو میکنند و استخوانشان را می شکند و آنها را برهنه روی بخاری الکتریکی مینشانند پوست آنها را می کند و خونشان را تا حد بییهوشی می کشند و آنها را معلق آویزان میکنند و سپس شلاق میزنند و قسمت های حساس بدنشان را تحت تأثیر جریان الکتریک قرار میدهند. موارد بسیاری تجاوز به زندانیان دیده شده است. دُخیمان بمنظور ایجاد اختلال در فعالیت جسمی زندانیان از مواد شیمیائی استفاده میکنند و بمنظور ترساندن زندانیان رفقایشان را در برابر چشمشان اعدام و تیرباران میکنند. اغلب صحنهها میمصوحی اعدام ترتیب میدهند.

این فهرست فاجعه آمیز را میتوان با زهم ادامه داد. تمام این فجایع به خواست و اراده کسانی انجام میگردد که خود را " فنادیان عدالت " و مبارزان " پیروزی ایمان بر کفر " می نامند.

بآنکه در قانون اساسی کشور تصریح شده است که کسب اقرار و اعتراف به کمک زجر و شکنجه مردود است و رژیم بهیچوجه ارتکاب به این عمل در جمهوری اسلامی را پنهان نمیسازد. رجائی خراسانی نماینده رژیم در سازمان ملل متحد صراحتاً اعلام داشت که دولت ایران مدعی مراعات حقوق بشر نیست و اعلامیه حقوق بشر و دیگر اسناد نظیر آن برای حکام ایران معیار تصمیم گیری نمی باشد. رجائی خراسانی با صراحت بشیرمانه ای افزود: " خواهش داریم ما را برای چیزی که برسمیت نمی شناسیم مورد انتقاد قرار ندهند. " بعقیده و رهنمائی رئیس مجلس از آنجا که اسلام تنبیه و مجازات بدنی را قبول دارد و شیوه های بازجویی که در مورد زندانیان اعمال میگردد و نمیتواند شکجه نامیده شود. بر این پایه است که " ابرار کار " شکجهگران در زندان مرکزی اوین و دیگر زندانهای ایران که بیش از ۱۰۰ هزار نفر زندانی سیاسی را دروازه چشم جهانیان به صلابه کشیده اند و عبارتند از آتش، آهن و درفش و شلاق و کابل های سمی و چاقو و غیره میباشد.

این فهرست گویا ترمیشود اگر بیاد بیاوریم: امیر انتظام نماینده دولت موقت بازرگان (که پس از سرنگونی رژیم سلطنت تشکیل گردید) بموقع خود دستگاه دولت را به استفاده از آلات و ابزار ویژه ای که ساواک در اختیار دارد و میلیارد هاد لارد در دوران شاه برای خرید آنها بصرف رسیده و فورا خواند (۱).

د فروردین ۱۳۵۸ روزنامه " مردم " نوشت: " سازمان امنیت جدید کار خود را با فعالیت

ضد کمونیستی آغاز کرده است (۱) • باین ترتیب از نخستین ماههای پس از انقلاب بخش حرفه ای ضد کمونیست ساواک • با همه امکانات و ابزار و وسائل آن • از جمله متخصصین اصلی تربیت شده آن در امریکا و اسرائیل که شیوههای مدرک و سند بازی و گرفتگی "اعتراف" را آموخته بودند در ساواجااد غسام و در خدمت دفاع از سیاست های جمهوری اسلامی و در جنبه سرمایه بهارزه علیه کمونیسم پرداختند •

بیهود نیست کبد نیال یورش به حزب توده ایران اعتماد محافل سیاسی و اقتصادی غسرب نسبت به رژیم تازه ایران افزایش یافت • این نکته از جمله در جریان دیدار سران هفت کشور بزرگ سرمایه داری در ویلیامسبورگ (سال ۱۹۸۳) بازتاب یافت • در آنجا چرخش بر است سیاست رهبران جمهوری اسلامی مورد پشتیبانی کامل و استقبال قرار گرفت • پس از نمایان این دیدار بسیاری از بازگاران غریب که از ایران بعنوان رژیم در حال احتضار نام میبردند • به کشور ما بچشم سود آورترین بازار خاور میانه مینگرند •

دوما • بعد پس از یورش به حزب این خبر در مطبوعات امریکا انتشار یافت که برغم تحریم فروش همه نوع اسلحه به ایران • طبق اطلاع وزارت امور خارجه صد ها میلیون دلار اسلحه امریکائی به ایران فرستاده شده است (۲) •

مکانیسم تهمت و افتراء

حزب توده ایران طی سالیان دراز علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی مبارزه کرده است • دشمنان بخوبی میدانستند حزب ما را که بطور یگیرا از آزادی و استقلال و حقوق زحمتکشان دفاع کرده • شکنجه و زندان یزاند رنخواهد آورد • آنان بیم و هراس خود را از نیروی جاد و بمواضع روشن و دقیق حزب توده ایران پنهان نمیکردند • این ترس و وحشت بطور مثال از سخنان آیت الله جنتی • عضو شورای نگهبان قانون اساسی که کمتر از یک هفته پس از حمله به حزب به زبان آورده • نمایان میگردد • او عملاً مجبور شد بنضرو و نطق حزب در ایران اعتراف نماید : " آنچه اینجا ارتش و اهمیت دارد این است که اینها مدتها کار فکری و فرهنگی کرده بودند • در این مملکت مدتها خط فکری بوجود آورده بودند • اینجا یک عده بنام دلسوزی برای مردم فقیر و بیچاره این خط را معرفی میکردند و بعهده ای که از دست ستمکاران بمتنگ آمد • بودند و از روی عقیده • و بسیاری معتقد بودند که اگر بخواهیم از کارگرو کشاو روزه اضمیف و بیثواب حمایت کنیم • باید در این سنگر بنشینیم و سنگرد یگری وجود ندارد " (از خطبه نماز جمعه هار د یه هشت ۱۳۶۳) • در عین حال جنتی مانند دیگر حکام جمهوری اسلامی میکوشد حلقه اساسی و اصلی اختلاف

۱ - " مردم " ۲۲ فروردین ۱۳۵۸ •

۲ - " تأیید " ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۳ •

با این خط فکری را اختلاف نظر بین دو مکتب فلسفی متضاد معرفی کند . در عین اینکه عمده امضمون طبقاتی فعالیت حزب را که هدفش برقراری عدالت اجتماعی است تحریف مینماید .

عوامل رفیعیان حرفه ای به حیات خود علمیه بین پرستان واقعی شکل و رنگ مذهبی میدهند . ولی اینک در ریتورشد آگاهی سیاسی مردم طی سالهای انقلاب ، تجربه مبارزه ای که گرد آمده و ورشد فکری لایزال برای درک تضادها و اختلاف نظرهای بفرنج سیاسی واید لولوزیک ، ارتجاع د دیگر قادیونست علیه حزب مانند گذشته تنها به استفاده از زیاکاری و نیرنگ هائی که در زیر پوشش مذهبی پنهان ساخته اکتفا کند . بهمین سبب است که گروهی از روحانیون مرتجع علاوه بر اتهامات " سنتی " علیه حزب توده ایران ، از نوع الحاد و بی دینی " جاسوسی " رانیز بدان ها افزودند .

هم در این زمینه است که حزب مارا به " وابستگی " به جنبش کمونیستی و کارگری جهانی متهم میسازند . در مورد این اتهام در بیانیه کمیته برون مرزی حزب توده ایران (اردیبهشت سال ۱۳۶۲) ضمن افشای دروغهائی که از مرکز تبلیغاتی ایران بخش میشود خاطر نشان شده است : " افسانه هدایت سیاست حزب از طرف مسکو و مدخله احزاب دیگر را موز حزب توده ایران هیچ " افتخار " جدیدی برای مبتکران آن در جمهوری اسلامی ایران و گردانندگان این خیمه شب بازی بیارنی آورد . این " افتخار " متعلق به اسلاف شکمجه گران امروزی هیتلر و موسولینی و امثال آنهاست . وجود مشابه سیاست حزب ما با احزاب و سازمانهای برادری معنای وابستگی و دنباله روی حزب نبوده و نیست . ما نمیتوانیم برای اثبات با اصطلاح استقلال خود با سیاست صلح و دوستی کشورهای سوسیالیستی و احزاب برادری با کمک برادرانه آنها به جنبش های آزاد پیشملی و از جمله حمایت آنها از انقلاب میهنمان مخالفت کنیم . تا امپریالیسم جهانی و اعمال داخلی آن اجازه مستقل نامیدن ما را صادر نکند " .

رفقای زندانی ما را عملاً از هر حق محروم کرده اند . در خیمان پیشمرانه اعلام کرده اند که بیدینان حق دفاع دارند . رژیم با محروم کردن زندانیان سیاسی از امکان استفاده از وکیل مدافع و با سرهم بندی کردن با اصطلاح محاکمه در پشت درهای بسته سخنپردازی مفتضحانه " اعترافات " تلویزیونی رانیز ترتیب داد . این " اعترافات " بکمک شکمجه های قرون وسطایی ، اعمال فشارهای روانی و استفاده وسیع از مواد شیمیائی برای درهم شکستن مقاومت و سلب اراده از آنان گرفته شده است . در عین حال ترتیب دهندگان صحنه پردازی مفتضحانه محاکمات کوشیدند به " قوه قضائیه " " بنام عدالت اسلامی " صورت ظاهر با اصطلاح " استقلال " از قوه مجریه بدهند . با اینهمه سخنان گردانندگان رژیم از " مدارک و اسناد " ، " اقرار و اعترافات " متهمان پنا بر مثل معروف تنها به قاضی رقتن و خوشحال برگشتن است . در واقع هم رژیم تنها به قاضی رفته است ، زیرا از رفیقانیان خود هرگونه امکان و حتی را برای افشای آکا ذیب منتسبه پنا مان سلب کرده است .

بررسی و تحلیل فیلم های تلویزیونی "اعتراف قربانیانی که توان اندیشیدن و قضاوت از آنها گرفته شده است" و خودگواه استفاده از آخرین "دستاورد های" داروسازی کشورهای سرمایه داری است. متخصصین پزشکی و روانپزشکی با بررسی دقیق این فیلم ها با تفاق آراء برای عقید مهمتند که خلصت حرکات اضای صورت زندانیان و وضع سخن گفتن آنان تردیدی باقی نماند که علیه آنها مواد شیمیائی که روی اعصاب و روحیه آنان تأثیر میگذارد، بکار گرفته شد و موضوع غیر انسانی شکیجه شده اند.

بطوریکه در نامه اعتراض آمیز دراسیون سند یکاهای کارکنان بهداشت و سیستم خدمات فرانسه که به سفارت ایران در پاریس ارسال شده، گفته شده است: "میلیون ها فرانسوی شاهد "اعترافاتی" بودند که بکک فشارهای جسمی و روانی گرفته شده است. کاملاً روشن است که زندانیان تحت تأثیر مسدود کردن افروانی مواد شیمیائی بوده اند که شخصیت آنان را درهم شکسته است. . . ."

بسیاری از سازمانهای مترقی و از جمله کمیته حقوقد انان دموکرات فرانسه، ۱۹۶۶ تن از حقوق دانان آلمان غربی و دیگران اظهار آما دگی کردند که نمایندگان خود را در ترکیب گروهی از پزشکان و حقوقدانان و روزنامه نگاران به ایران بفرستند تا با وضع زندانیان سیاسی و از جمله اعضای حزب مسوده ایران آشنا شوند. ولی حکام جمهوری اسلامی از بیم اینکه خبری از بی قانونی که در زندانهای ایران حکمفرماست بخارج درز کند، این پیشنهاد را رد کردند.

گردانندگان رژیم برای باصطلاح "اسلایی کردن" کشور بر پایه احیای نظم و نسق زندگی قرون وسطائی از مراعات قواعد و موازین انساندوستی و اخلاقی امتناع میورزند. لاجوردی دادستان سابق دادگاههای "انقلاب" تهران و رئیس سابق زندان اوین در یکی از مصاحبه های خود آشکارا گفت برای شکوفائی اسلام در این سرزمین حد اقل میتوان تایک میلیون نفر را به هلاکت رساند. آیت الله خمینی، رهبر جمهوری اسلامی در مقام رهبری روحانیت، حاکم و نماینده ایدئولوژی کل رژیم طسی صحبت در جمعی از مسئولان کشور و "میهمانان خارجی" که اکثر اجنایت پیشگان روحانی نهای افغانی بودند که دستشان تا مرفق به خون هموطنان بیگناهشان آغشته است صراحتاً قتل و شکنجه و حبس را نسبت به کسانی که بقول او مصلح نیستند روا میداند و میگوید: "۰۰۰ شماره قرآن عمل کنید. قرآن با اشخاصی که سلفند، معتقدند، ایمان به خدا دارند به برادری رفتار میکند، با اشخاصی که برخلاف این هستند آنها را میگوید، بکشید، بزنید، حبس کنید."

چگونه ممکن است این قبیل موضعگیریهارا با نظریات و اقدامات انکویرسیسیون (دستگاه تفتیش عقاید) دوران های تاریخ قرون وسطای اروپا که در گراندهانی را که کلیسا ملحد و بیبدین بشمار میآورد شکنجه و نابود میکرد، مشابه و یکسان ندانست. اینک در پایان قرن بیستم، حکام جمهوری اسلامی ایران نیز به اتکا، سرنیزه و دلا رهای عاید شده از نفت همینطور عمل میکنند. بقیه در صفحه ۵۷

فریدریش انگلس و مبارزه آیدئولوژیک معاصر

هاینریش گمکف

پروفسور، معاون رئیس دانشکده
مارکسیسم - لنینیسم جنب گمته
مرکزی حزب سوسیالیست متحد
آلمان

جنبش کمونیستی و کارگری جهانی امسال یاد بود روزهای تاریخی را که بانام فریدریش انگلس ارتباط دارند برگزار میکند : ۲۸ نوامبر صد و شصت و پنجمین سالگرد تولد او و ۵ اوت نودمین سالگرد درگذشت انگلس است .

انگلس در وصیت نامه خود اظهار تمایل کرد که مراسم تدفین او در جمع کوچکی برگزار گردد . به همین سبب کسانی که روز هم اوت سال ۱۸۹۵ در مراسم مجلس ختم او در مرکز لندن گرد آمدند نزدیک به ۸۰ نفر بودند ، ولی آنها نمایندگان ارتش پرولتاریای انقلابی جهانی بودند که در آن هنگام دیگر تعدادش به یک میلیون نفر میرسید . آ . پیل و و . لیبکنشت ، و . زاسولویچ و پ . لافارگ . ا . مارکس - اولینگ و آ . آنسل سوسیالیست های انگلیسی ، هلندی ، لهستانی و ارمنی از جمله آنها بودند .

احساسات و تأثر همگان را در سخنرانی کوتاهی لیبکنشت ابراز داشت . او گفت : " از هنگامی که کارل مارکس را از دست دادیم تا کنون چنین ضربه ای بر ما وارد نیامده بود . با درگذشت فریدریش انگلس مارکس برای بار دوم فوت کرد . . . تعداد کسانی که بر ما را انگلس گرد آمده اند زیاد نیست . ولی ، اگر تمام کسانی که این فکرشان با ما است به اینجا آمده بودند میلیونها و میلیونها میشد و تمام لندن نمیتوانست آنها را در خود جا دهد " (۱) . در سخنان لیبکنشت مخالفه ای ناشی از حسن نیت نبود . صد ها مقاله در مطبوعات کارگری جهانی ، ده ها میتینگ سوگواری در بسیاری از کشور

1 - Ihre Namen leben durch die Jahrhunderte fort. Kondolenzten und Nekrologie zum Tode von Karl Marx und Friedrich Engels. Berlin 1983, S. 332.

میکرد. مارکس مرتباً از او کمک میگرفت. انگلس که معلومات اقتصادی عمیق و تجربه عملی فراوانی داشت
در این رشته دانش همپارویا و نابغه مارکس بود.

بی پایگی تلاش و کوشش برای تجزیه و تقسیم
جهان بینی علمی

نویسندگان آثار سیاسی و اجتماعی مخالف با مارکسیسم و اصطلاح دانشمندان گوناگون
طی چند دهه تلاش میکنند تضاد بین مارکس و انگلس و جهان بینی آنها سرهم بند می کنند. میکوشند
اهمیت عام احکام اساسی مارکسیسم را مشکوک قلمداد کرده و وحدت و یکپارچگی آنرا برهم زنند.
تمایل به کاستن از ارزش انگلس بمنزله تئوریسینی مستقل و معرفی آن بمثابة "عامه فهم سازنده بزرگ"
یا حتی "وولگاریزاتور" (عامیانه کننده) اندیشه های مارکس در اینجا نقش ویژه ای ایفاء میکند.
در بهترین حالت در باره انگلس مانند عامه فهم سازنده با استعداد و مبلغ کمونیسم علمی اظهار
نظر میکنند.

در چنین قضاوت هایی نه فقط نقش تاریخی که انگلس در تهیه و تدوین جهان بینی پرولتاریا
و تشکل جنبش انقلابی کارگری جهانی ایفاء کرد انکار میشود، بلکه زیرچشم "احیای مارکسیسم
واقعی و اصیل" احکام جدائی ناپذیری از تئوری ماکه آنها را در حقیقت به انگلس مدیون هستیم
حذف میگردد. مارکسیسمی که گویا بوسیله انگلس "عامه فهم" شده در نقطه مقابل "مارکسیسم
اصیل" قرار داده میشود که خود چیز دیگری غیر از تحریف شده نظریات مارکس جوان که در زوئی پیاپی
برای جامعه بشری خلاصه شده نیست. دانشمندان مارکسیست بی اساسی هرگونه تلاشی
را برای تجزیه و تقسیم نظریات تئوریک مارکس و انگلس با ابالاتر قرار دادن یکی نسبت به دیگری رد میکنند.
از بررسی تمام آنچه که بنیادگذاران مارکسیسم بوجود آورده اند این نتیجه بدست می آید که خلایق
آنها تفکیک ناپذیر است. اهمیت انگلس بمنزله دانشمند و انقلابی را فقط در وحدت جدائی ناپذیر
فعالیت تئوریک و پراتیک او با فعالیت مارکس و بالعکس میتوان رد کرد.

بر ما معلوم است که خود انگلس سهم خویش را در تهیه و تدوین و پیشرفت جهان بینی پرولتاریا
چگونه ارزشیابی میکرد. بسیاری این سخنان او را بخاطر دارند که میگفت او در تمام زندگی، در
مقایسه با مارکس، "ویل دوم" را میزد است (۱). جای دیگری از روی تواضع نوشت: "مارکس
نابغه بود، ما (در متن آلمانی سپس کلمه "andern" یعنی "بقیه" مابقی) آمده است.
مترجم (۰) در بهترین حالت افراد با استعدادی هستیم" (۲). ولی برای مراعات عدالت تاریخی

۱ - ک. مارکس و ف. انگلس. مجموعه آثار (بزبان روسی)، جلد ۳۶، صفحه ۱۸۸

۲ - همانجا - جلد ۳۱، صفحه ۳۰۳.

در اینجا باید به انگلس اعتراض کرد. او در ردیف بقیه نبود. او یکی از بنیادگذاران و ایجادگران کمونیسم علمی و همکار مارکس در دهه‌های سرنوشت ساز خلافتشان بود. او متفکری از همان ردیف و در همان سطح بود که مارکس قرار داشت. او خلق و خوی دیگری داشت ولی بهمان اندازه شخصیتی نابغه بود. این سخنان لنین را با خاطریا ویریم که گفت: "نام مارکس و انگلس را بمنزله نام بنیادگذاران سوسیالیسم معاصر بد رستی در کنار یکدیگر قرار میدهند" (۱).

جهان بینی علمی که بوسیله مارکس و انگلس پایه گذاری شد و رسالت تاریخی طبقه کارگر را آشکار میکند در زندگی معنوی جامعه بشری انقلابی بوجود آورد. تأثیر مارکسیسم تمیین کننده مضمون عمده تمام درگیریها در عرصه ایدئولوژی در سالهای بعد است. مارکسیسم مژده رسان پیدایش ژرف ترین تحولات در مناسبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک گردید. از زمان انتشار "مانیفست حزب کمونیست" جهان بینی علمی طبقه کارگر در راه پیروزیهای بی نظیری به پیش می‌رود. در برتو فعالیت احزاب کمونیست و کارگری اندیشه‌های مارکس و انگلس و ادامه دهند کار آنان لنین در فکرون هن توده‌ها جایگزین گردیدند و در مبارزه علیه استثمار، ستم و جنگ، در راه صلح، عدالت اجتماعی، آزادی و انسان دوستی واقعی بنیروی مادی مبدل شدند. توده‌های مردم همواره نیروی محرک پیشرفت تاریخی بوده‌اند، ولی از لحظه پیدایش مارکسیسم مبارز آنها کیفیت تازه‌ای کسب کرده است. آنها برای نخستین بار آفرینندگان آگاه تاریخ خود شدند. زندگی هر روز بر این گواهی میدهد که اندیشه‌های مارکس و انگلس و لنین در دوران ما همگاملاً مبره و بقوت خود باقی هستند، اگرچه آفرینندگان آنها چند نسل پیش از ما زیسته و مبارزه کرده‌اند. این را دشمنان ترقی، مخالفان مارکسیست‌ها و ضد کمونیست‌ها هم بشیوه خود و بطور عجیبی تأیید میکنند. درهما سال آنها تلاش کردند مارکسیسم را بمنزله آموزشی "بی‌شمر"، "کهنه" و حتی "مرده" از حساب خارج کنند. ولی اینک با آنها به "جنگ صلیبی" علیه سوسیالیسم موجود و ایدئولوژی آن، علیه مارکسیسمی که گویا "مرده" فرامی‌خوانند. پیشوای آتموی اقیانوس آنها با فضل فروشی بی مایه‌ای اعلام کرد که قصد دارد مارکسیسم را "به‌زواله‌دان تاریخ افکند" (۲). اینک چهل سال پس از پیروزی برق‌شیمس هیتلری بجاست یادآور شویم که آنتی کمونیسم کسور مبلغان آنرا در گذشته بچسبه سرنوشتی دچار کرد.

مشی ایالات متحده آمریکا و ناتو در جهت رویارویی با کشورهای سوسیالیستی و مسابقه تسلیحاتی با افزایش چشمگیر جریانه‌های محافظه‌کارانه در ایدئولوژی بورژوازی همراه است. این پدیده در

تحریف‌های مارکسیسم و انتقاد بورژوازی آن هجارتاب مییابد. در این انتقاد هم مانند مجموعه اید وولوژی بورژوازی معاصر چرخش شدیدی بسوی فلسفه عدم اصالت عقل، تبلیغ اوها م اجتماعی و تبعیت بدون قید و شرط از منافع ارتجاعی ترین محافل سرمایه انحصاری شدیدی نمایان گردید. این گرایش در عدم پذیرش بی اساس و پرخاشجویانه مارکسیسم، در تلاش برای بی اعتبار ساختن آن، قلمداد کردن مارکسیسم بمنزله آموزشی از قماش جریان های مذهبی و تئوری حاکمیت در کوشش مارکس شناسان و مقدم بر همه تئوری‌تبعیست ها (طرفداران اصالت علوم تجربی)، در جهت تصویر و تجسم تئوری مارکس وانگلس بصنایه تئوری غیرعلمی و در تلاش های بی بند و بار بمنظوری ارج و اعتبار ساختن خود ایجاد گران آن بروز میکند. ما شاهد جریانی هستیم که بموقع خود انگلس ضمن جریبحث باتاریک اندیشان دوران خود مورد توجه قرار داد. اوضمن معرفی و تشریح تاریخ نویسی بورژوازی نوشت: " بورژوازی همه چیز را و بنا بر این تاریخ راهم به کالایدل میکند. باقتضای خود سرشت آن و شرایط موجود پیتش تحریف و جعل هر کالائی از ویژگی های آنست: بهمین سبب تاریخ راهم تحریف کرد. چنانکه میدانیم آن اثر تاریخی گرانیهاتر از شیایی میشود که تحریف تاریخ در آن هرچه بیشتر یا سخنگوی منافع بورژوازی است " (۱) .

تحریف کنندگان مارکسیسم که جناح محافظه کار را تشکیل میدهند با شدت ویژه ای روی قانونمندی های عینی پیشرفت اجتماعی که مارکس وانگلس کشف کرده اند آتش میکشایند. در ضمن در توصیف آخرین جامعه استتماری که از لحاظ تاریخی عمرش را بجایان رسانده و معا یا آنرا (اگر بطور کلی آنها را قبول داشته باشند) ناشی از نقص سرشت و طبیعت آدمی میدانند، مبالغه میکنند. منسقدین محافظه کار مارکسیسم، " ناهود کنندگان مارکس " از موضع مفایر با عقل (عدم اصالت عقل) و نفی نقش توده های مردم در تاریخ عمل میکنند.

بطوریکه میدانیم نقش انگلس در این است که او همراه با مارکس برای نخستین بار پیشرفت جامعه بشری بر پایه درک دیالکتیکی - ماتریالیستی تاریخ را بطور علمی روشن ساخت و بدین ترتیب اصالتاندریشه (اید آلیسم) و مذهب و هنرنوع عدم اصالت عقل را از جهان بینی طبقه کارگر دور کرد. برغم اینها، اعلام مارکسیسم بمنزله مذهب خالص یا آموزش دینی و پیامبری برای بشریت، یعنی کاری که فاید وولوگ های محافظه کار انجام میدهند، به یک سخن، نظریه ای پوچ و بی معنی نیست. در ضمن باید گفت چنین برخوردی هم چیز تازه ای نیست. صاحبان این نظریه پیشکسوتانی در سیمای تئوری‌تبعیست ها و طرفداران کانت در سالهای ۲۰ (نئوکانتیسم) آثار

اندیشه های بنیادگذاران کمونیسم علمی است .

بطوریکه پراتیک نشان میدهد جامعه سوسیالیستی بهره‌بری حزب مارکسیستی - لنینیستی تمام امکانات را برای ساختمان سوسیالیستی، موفقیت آمیزد شرایط اقتصادی و سیاست خارجی بفرنج ترسالیهای . را داراست . در جریان پیشرفت سوسیالیسم نیروهای خلاقه فوق العاده زیاد توده ها آشکارا بروز میکنند و اهمیت عام وصحت اندیشه های مارکس وانگلس نمایان میگردد . استواری هرچه بیشتر میهن سوسیالیستی بمنزله بخشی از جامعه کشورهای سوسیالیستی ، در عین حال بمثابة مهمترین سهم مادر مبارزه در راه صلح است که در عرصه بین المللی جریان دارد .

اندیشه های یاری رساننده به حفظ صلح

از میان بسیاری از اندیشه های تئوریک و اقدامات عملی انقلابی انگلس که از تاثیرشان در پیشرفت جهان کاسته نشده و نخواهد شد میخوایم وصایای او در باره مبارزه در راه صلح ، این مسئله عمده دوران ما را یاد آور شوم . بویژه که اینک چندین سال است این مسئله در مرکز تحریف بین المللی مارکسیسم قرار دارد . از جمله این نظریه راه مارکس وانگلس نسبت میدهند که گویا هنر و جنگی صرف نظر از اصل درگیری و هدف فواید وسیله قاطعی برای آنست که انقلاب پرولتری سراسر جهان را در برگیرد . بطوریکه ر. فریدنتال در زندگینامه ای که برای مارکس ترتیب داده اظهار نظر میکند ، بنیادگذاران کمونیسم علمی تا آخرین روز زندگی خود گویا امیدوار نبودند که در روسیه ، فرانسه ، لهستان یا در جای دیگری " جنگ و هرج و مرج آغاز میشود . . . در آن هنگام فرصت مناسب برای پرولتاریا فراهم میسرید " (۱) . در همتان دیگران " ناهود کنندگان " مارکس همین ساز را سر میدهند تا کمونیسم علمی را لجن مال کنند و هم آنها کمونیسم علمی را " استراتژی نابودی " یا " آموزش پرولتاریا " جنگ " (۲) اعلام میکنند و انتقاد از مارکسیسم را با دروغ امپریالیستی در باره " خطر شرق " و استناد به دکترین " توتالیتاریسم " تقویت مینمایند . این قبیل تحریف ها وسیله ای برای توجیه مشی ایالات متحده امریکا در افزایش تسلیحات خود و آنتی کمونیسم و آنتی سوویتسم عهد عتیق است . مارکس شناسان از بی اطلاعی مردم سایر کشورها از زندگی و فعالیت مارکس وانگلس سوء استناد میکنند . اینگونه اظهارات در زمینه واقعات تاریخی دروغ از آب در میآید و گاهی در وقتی تراشیده و خراشیده و گاهی هم توأم با مکر و حیله . بطوریکه میدانیم ، جنگ مولود مارکسیسم است

1 - Richard Friedenthal. Karl Marx. Sein Leben und seine Zeit. München-Zürich, 1981, S. 597-598.

2 - Karl Marx und das politische System der DDR, 1982, S. 148.

گه ویتتر روحانی ژرژویت (یسوی) و یو . بوخنسکی ازاهالی دومینیکان (داشته‌اند .
 ژ . ایلینشتین ، ر . فریدنتال ، ل . کولا کمسکی ، ک . لُوح ، ر . پترس ، ا . تویویچ ، ا . ولف
 منقدان محافظه کار کونی مارکسیسم بر جسای پای پیشکسوتان خود گام مینهند و تلاش میکنند باثبات
 رسانند که گویا مارکسیسم از همان آغاز یک تئوری غیر علمی بود . ولی در واقع همین علمیت مارکسیسم
 لنینسیم ، منطق وحدت و یکپارچگی درونی آن ، وحدت تئوری و پراتیک که از ویژگیهای آنست ،
 اتکا به برسنجش پروسه‌هایی که در جهان روی میدهد و پدید میآید ، دینامیک خلاق و انسانی و مستی
 به این آموزش بزرگ قدرت و توان می‌بخشند و افراد هر چه بیشتری را در تمام بخش‌های جهان بدان
 جلب میکنند .

تئوری که مارکس و انگلس در طول همکاری که دهها سال بدرازا کشید وضع کردند و لنین آنرا
 تکامل بخشید دارای نقش منیع لایزال اندیشه‌های خلاق است که امکان میدهد مسائل تئوریک
 و پراتیکی را که زمان مطرح میکند حل کنیم . بطور مثال برنامه حزب سوسیالیست متحد آلمان که
 در سال ۱۹۷۶ بتصویب رسید برای گواهی میدهد . این برنامه نشان میدهد که چگونه حزب ما
 همانند احزاب برادر بسیاری از کشورهای سوسیالیستی ، اصول و احکام اساسی کمونیسم علمی را در
 جریان ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته مورد استفاده قرار میدهد . این بویژه ———
 استراتژی اقتصادی مربوط میشود .

مارکس در " انتقاد اقتصاد سیاسی " که تبادل نظری پربار با انگلس نوشته برای نکتته
 تأکید میکند که " ماشین‌های گرانقیمت " نه بخاطر خود آنها ، بلکه بمنظور افزایش ثمر بخشی اقتصادی
 مورد بهره برداری قرار میگیرند . (اگر از ماشین‌های گران قیمت برای اینکه حجم کمی فرآورده
 بدهند استفاده میشود ، در آن صورت آنها بمنزله نیروی تولیدی عمل نمیکردند و بهای کالاها خیلی
 بیش از آنچه بدون شرکت ماشین تولید میگردد گران میشد " (۱) . مارکس اینطور نتیجه میگیرد
 که ثمر اساسی استفاده از ماشین‌های گرانقیمت (و اینک این قبیل ماشین‌ها در درجه اول رُبوت
 ها و میکروالکترونیک تجربی و علمی است) در صورتی حاصل میشود که حجم فرآورده هابه نسبت
 افزایش تعداد ماشین‌هایی که مورد بهره برداری قرار میگیرد افزایش یابد و کارزنده‌ای که مورد استفاده
 قرار میگرفت کاهش پیدا کند . استراتژی اقتصادی حزب سوسیالیست متحد آلمان که هدفش تبدیل
 " گسترش شدید تجدید تولید . . . به اساس تعیین کننده رشد اقتصاد ملی ما " است (۲) متکی بر

۱ - ک . مارکس و ف . انگلس . مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۶ بخش دوم ، صفحات

سوسیالیسم موجود نیست . علل آنرا باید در مالکیت خصوصی ، پروسائل تولید و وجود طبقات استثمارگر ناشی از آن جستجو کرد . جنگهای جهانی را در واقع سرمایه داری بوجود آورد . اکنون هم خطر نابودی هسته ای جامعه بشری از امپریالیسم امریکاناشی میشود .

انگلس بنیادگذار دانش جنگ مارکسیستی - لنینیستی هم که بخاطر مملو مات عمیق جنگی تئوریکش ، پس از سال ۱۸۷۰ در جمع دوستان به شوخی او را " زنال " خطاب میکردند ، مانند مارکس ، از مخالفین سرسخت جنگهای بود که طبقات استثمارگر آغاز میکردند . او مبارزی آتشی - در راه صلح و خلع سلاح بود و از آینده صلح آمیز خلقها طرفداری میکرد . این امر نتیجه منطقی حکم مربوط به ارتباط قانونمندان میان سرمایه داری و تمایل به جنگ از یکسو و سوسیالیسم و علاقه به صلح از سوی دیگر بود که او همراه دوستش تدوین کرده بود .

مارکس و انگلس در همان " مانیفست حزب کمونیست " این سطور کلاسیک را فرمول بندی کردند :
" بهمان نسبت که استثمارگر فرد وسیله فرد دیگری نابود گردد ، استثمارگر ملت بوسیله ملت دیگر هم نابود خواهد شد .

با زمان رفتن تضاد آتشی ناپذیر طبقات درون یک ملت مناسبات خصمانه ملتها میماند
یکدیگر هم از بین خواهد رفت " (۱) .

بدین ترتیب برای نخستین بار این اصل بطرز علمی مستدل گردید که مبارزه در راه صلح و در راه حق زندگی که سرآغاز تمام حقوق انسانی است ، بخش جدایی ناپذیر رسالت تاریخی طبقه کارگر یعنی مبارزه در راه سوسیالیسم است . هیچیک از حملات و جعلیات دیروزی و امروزی " صلحیداران " قادر نیست این اصل را زنده ای تغییر دهد .

طی دههای بعدی ، بویژه در دوران فعالیت انترناسیونال اول ، انگلس که در تماس نزدیک با مارکس کار میکرد ، مرتباً به این مسئله باز میگشت که پرولتار را چگونه باید میتواند علیه خطر جنگ مبارزه کند . از اواسط سالهای ۸۰ این اعتقاد در اوقات گرفت که عد متوازن پیشرفت اقتصادی کشورهای مختلف سرمایه داری و مسابقه تسلیحاتی هر چه شدیدتر کشورهای اروپائی (که امپراطوری آلمان میان آنها در مقام اول قرار داشت) خطر درگیری جنگ در اروپا و علاوه بر آن خطر جنگ جهانی را فراهم میآورد . انگلس با نگرانی ویژه ای این پروسه را دنبال میکرد . او در نامه ها و مقاله های سالهای ۹۰ ، از این عقیده دفاع میکرد که در جنگی که فرامیرسید هیچ سوسیالیستی ، صرفنظر از تعلقات ملی خود ، نمیتواند برای هیچیک از کشورهای اروپائی پیروزی آرزو کند . انگلس بر این عقیده بود که با حفظ صلح امر سوسیالیسم تأمین میشود . بهمین سبب هم سوسیالیست های تمام کشورها

مبارزه عبارت از جنبشی است که طبقه کارگرداران مشترک و مبارزی پیشرو باشد. در عین حال این جنبش تنها جنبشی است که میتواند گسترده ترین محافل را در برگیرد. حزب سوسیالیست متحد آلمان و سایر احزاب برادر در استراتژی کونی خود در مبارزه در راه صلح و بطوریکه برای این اصل را رهنمود خود قرار میدهند و هدفشان اتحاد کاملاً گسترده و استوار طرفداران صلح است. حتی در دوران که انگلس میزیست و فعالیت میکرد چنین استراتژی ممکن و ضروری بود. او نوشت "وظیفه گردآوری و تحویل عده کثیری سرباز و پرداختن بخش اساسی مالیات ها تقریباً تمام و کمال بعهده خودهای مردم است" (۱). اکنون هم این مسئله مطرح میشود زیرا اصلاح هسته ای و سایر وسائل نابودی جمعی که در اختیار نیروهای تجار و کار اهریالیسم است خلع سلاح را به مسئله مرگ و زندگی برای تمام جامعه بشری مبدل میکند. در عین حال بطوریکه تجربه نشان میدهد اکنون در برتوت وجود اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و جنبشی جهانی در راه صلح شرایط برای مبارزه موفقیت آمیز در راه کاهش تشنج، خلع سلاح و تأمین صلح بسیار مساعدتر است.

این نیز که انگلس از خلع سلاح در مرحله مرحله پشتیبانی میکرد خود مسئله بزم روز است. برخلاف تصورات واهی صلح گسترانه و خواست سکارستی "همه چیز یا هیچ چیز" او پیشنهاد میکرد در مبارزه برای خلع سلاح، کام بگام، هدفهای تازه قابل دسترس مطرح شود. علت چیست که ضمن مطالبه خلع سلاح همگانی و کامل قید کردن جزئی به جزئی و وظایفی که انجام شدنی است به این اندازه حائز اهمیت است؟ بدین سبب که با اتکا به موفقیت های جزئی که بدست آمده میتواند تعداد هر چه بیشتری از افراد را به مبارزه علیه مسابقه تسلیحاتی و خطر جنگ جلب کرد و شجاعت و نیرو را بمان آنها به امکان نشان را تقویت نمود. اصلی که انگلس پیشنهاد کرده اکنون قطب نمای راهگشا برای جامعه کشورهای سوسیالیستی و تمانیروهای صلحدوست است.

علاوه بر اینها انگلس برای این نکته تأکید میکرد که مبارزه علیه مسابقه تسلیحاتی که يك وظیفه بین المللی است مسئولیت ویژه ای را به جنبش کارگری انقلابی آلمان محول میکند. در اینجا نیز پراتیک اجتماعی هم نشان داد که کوصایای او هنوز هم بقوت خود باقی است. او خاطر نشان میساخت که وظیفه تاریخی زحمتکش آلمان این است که "در امر خلع سلاح پیشقدم باشند، همانطوریکه چنین اقدامی بحق بعهده کشوری است که صلح شدن را آغاز کرده است" (۲). در اینجا بهیچوجه نمیتوان سوگندی را که ضد فاشیست های آلمان در سال ۱۹۴۵ یاد کردند در ورطه اوهونکر بوفاداری بدان همواره تأکید میکند بخاطر

۱ - ک. مارکس و ف. انگلس. مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۲۲، صفحه ۳۸۷.
 ۲ - همانجا، جلد ۲۲، صفحه ۴۱۴.

نیارد: "از آلمان نو ۶ سوسیالیستی ماهیچوقت جنگ آغاز نخواهد شد" (۱) •
 مقاله انگلس زبرضوان "آپارویا میتواند خلع سلاح بشود" از آغاز تا به آخر اصلی را اعلام
 میدارد که تاریخ آنرا تأیید کرده است: با جنگ باید پیش از آنکه آغاز گردد مبارزه کرد •
 از علمیت ودینامیسم جهان بینی دیالکتیکی - ماتریالیستی ما این خصلت جالب آن نافیسی
 میگردد که در واقع ۶ هر کونیستی ویا هر کسی که بدین پیشد اوری بهمارکسیسم رجوع میکند بوجود آن یقین
 حاصل مینماید • هر قدر هم انسان با دقت توجه آثار مارکس وانگلس را خوانده باشد ۶ هر بار که بد آنها ^{حجم} مریا
 کند چیز تازه ای در آن کشف میکند ۶ اندیشه هائی را مییابد که قبلاً ۶ بهنگام مطالعه متوجه آنها نشده
 و به افکاری برخوردار میکند که بلاواسطه بادوران معاصر هم آهنگ است • این را چگونه میتوان تشریح نمود ؟
 دیالکتیک ماتریالیستی بمنزله متغیری ومدی که مارکس وانگلس مشترکاً تدوین کردند و در آثار آنها ما هر آنکه
 بکار برده شده سرچشمه چنین "اعجازی" است • ماتریالیسم دیالکتیک است که خواننده را بر میانگیزد
 و علاوه بر این وامیدارد همراه با بنیانگذاران آن دیالکتیکی و بطریقی خلاق و در ارتباط با پراتیک بیندیشد
 و اندیشه های آنان را گسترش و تکامل بخشد • در واقع جهانی که مدام در حال تغییر است با مسائل
 مختلفی که نوبت مطرح میکند مراجعه به کلاسیکهای مارکسیسم - لنینیسم را برای گرفتن درس و رهنمود
 تا این اندازه ضرور ۶ مفید و شادی بخش میکند • شور و مشورت مداوم و خلاق با میراث تئوریکی که مارکس ۶
 انگلس ولنین برای ما بجا نهاده اند ضامن موفقیت های ما در مبارزه در راه صلح و سوسیالیسم است •

مداخله مسلحانه به بهانه خطر واهی

ریگورتویا د بلیاروش

د بیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست
هند وراس

ك

د رتاریخ کشورهای امریکای مرکزی و حوضه کارائیب وضعی مانند امروز چین، متشنج و خطرناک به ندرت پیش آمده است. آنچه د ریبرامون کوبا و نیکاراگوئه و د سالوادور، هند وراس و جمهوریهایی د یگره یگزرد جزء استراتژی کذاتی د رگیریهایی محلی بشمار آورده میشود. این رویدادها د ر د رجها اول آنجا پدید میآیند که مبارزه توده های مردم د ر راه آزادی و پیشرفت مستقل با واکنش بسیار شدید محافظ، امپریالیستی والیگارشی محلی روبرو میگردد. درست در این قبیل "نقاط عصبی" ارتجاع داخلی و خارجی جنگهای ضد انقلابی راهبامید حفظ و گسترش همه جانبه سلطه خود پیام میکنند.

امپریالیسم که ابتکار را بمقیاس جهانی از دست داد تلاش میکند تلافی باخت اجتماعی خود را د آورد. به همین سبب د ر باره منطقه ماو "نقطه های داغ" همانندان، اگر بمنزله نواحی سخن گفته شود که د ر آنها تضاد اساسی معاصر میان نیروهای ترقی و ارتجاع به حادترین شکلستی (اگرچه د اغلب موارد هم بشکل با واسطه) بروز میکند بجاودرست خواهد بود.

د رگیریهایی محلی د ر امریکای مرکزی د آرای ویژگیهای خود هستند. اول اینکه آنها بلا واسطه نزدیک به دژ امپریالیسم، د منطقه ای بروز کرده اند که محافظ حاکمه ایالات متحده امریکا از د ر باره آنتراتیول و بیرونی خود بشمار آورده اند و همین هم د ر آنها حمله های بویژه حاد هیستری ضد کمونیستی راهبری انگیزد. دوم اینکه وضع د ر اینجایی اندازه وخیم است و میتواند به د رگیری منطقه ای و حتی جهانی مبدل شود. سوم اینکه تعمیق هرچه بیشتر بحران ساختاری د کشورهای ما و اعتلای جنبش آزاد پیمیش امکانات عینی برای از هم گسیختگی حلقه های تازه ای از زنجیر ظلم و ستم فراهم میآورند.

رود روی بیمهراس از
شکست های آینده

هرگاه به سخنان نمایندگان دستگاه اداری ایالات متحده امریکا و مقدم بر همه بنده سخنرانی رئیس جمهوری ایالات متحده در پارلمان انگلستان در ژوئن سال ۱۹۸۲ (کوه "جنگ صلیبی" تازه ای علیه کمونیسم طی آن اعلان شد) توجه کنیم مشاهده پیدایش خشونت بسیار در روشی سیاسی داخلی و خارجی امپریالیسم دشوار نخواهد بود. ما با بیماریزده طلبیدن جامعه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی، با "محکم تر کردن پیچ و مهره ها" و سرکوب آشکار جنبش های مرفقی در کشورهای سرمایه داری، مبارزه علیه نیروهای دموکراسی ملی در کشورهای نواستقلال و چرخش بیشتری بر است در سیاست ایالات متحده امریکا در امریکای لاتین روی میرو هستیم (۱). تمام اینها، طبیعتاً نیازمند استدلال و اثبات ایدئولوژیک متناسبی بودند. لذا بهیچ های کهنه پاره و شعارهای مبتذل آنتی کمونیسم آشکار بهیرون آورده شدند. در این راه از تمام وسائل استفاده میشود و از سرهم کردن لاطائلات و دروغ هم ایثانی ندارند. اتحاد شوروی "امپراطوری شر" اعلام میشود و سوسیالیسم موجود "تصادفی تاریخی" که محکوم به نابودی است؛ موفقیت های نیروهای مرفقی را "دسائس کمونیستها" مینامند و انواع "گناهان" کوچک و بزرگ، حتی تحریکات زشت سیاسیو قصد بجان پاپ را به آنها نسبت میدهند. میکوشند به افکار رهسویی اینطور تلقین کنند که ایالات متحده دارای "نقش منجی" است که رسالتش گویانجات تعدن از "دهشت های کمونیسم" است.

هدف اساسی "جنگ روانی" که از لحاظ دامنه اش بیسابقه است، ایجاد چنان جو ایدئولوژیکی است که سیاست تروریسم دولتی و شانناژ اقتصادی را که واشنگتن دنبال میکند؛ بسی ثبات کردن وضع کشورها، از بین بردن رژیمهای "نامطلوب"، تجا و ز مسلحانه (چنانکه در گرنادا اتفاق افتاد و ممکن است در نیکاراگوئه و سالوادور هم روی دهد) همه را تریئه و توجیه نمایند. ششماه پیش از روی کار آمدن دستگاه اداری کنونی که بیانگرمنافع محافظ ارتجاعی سرمایه امریکای شمالی و مجتمع نظامی - صنعتی آن است، گروهی از کارشناسان "سانتا-فه" برنامه ای را بنام "سیاست تازه ویژه کشورهای امریکائی برای سالهای ۸۰" تهیه و تدوین کردند. این سند محرمانه که بعد ها در یک سلسله از نشریات مرفقی بچاپ رسید نه فقط شکل مدرن "دکترین"

۱ - مشروح ترد رباره تحولات سیاست امپریالیسم امریکای شمالی رجوع کنید به نوشته های رهبران حزب کمونیست ایالات متحده امریکا در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" سال ۱۹۸۱ شماره ۱۱ صفحه ۱۸-۱۵، سال ۱۹۸۲ شماره ۱ صفحه ۱۶-۱۱ و شماره ۴ صفحه ۲۱-۱۷.

کذائی مونرو، بلکه عصاره دعاوی سیطره‌جویانه ایست که برپایه احکام تخییرناپذیر ضد کمونیستی
بشدت درهم آمیخته شده است (۱) .

نویسندگان این سند با مراجعه به گذشته‌ها " دکترین مونرو " را " سنگ زیرینای تاریخی "
سیاست ایالات متحده آمریکا در امریکا لاتین نامیدند . گوئی از این نکته بی‌خبر بودند که دکترین
" همسایه‌خوب " طی صد و پنجاه سال، برای یکبار هم شده باشد، از طرف ایالات متحده برای دفاع
امریکا لاتین در برابر تجا و زات کشورهای اروپائی مورد استفاده قرار نگرفت و در نظر مردم در همان
قرن گذشته ارج و اعتبار خود را از دست داد . این " دکترین " فقط پرده ساتری برای توسعه طلبی
های سرمایه تازمب و روان رسید مانتهنگام ایالات متحده بود که بیش از نیمی از اراضی مکزیک و کوسا و
پورتوریکو را که تازه از بر سلطه استعماری اسپانیارهایی یافته بود و بعد ها برزخ پاناما را تصرف کرده و
حوضه کارائیب را به " دریاچه داخلی ایالات متحده " میدل کرده بود . .

بعقیده " متفکرین " سانتا - فه ، این حوضه در دوران ماهه " دریاچه مارکسیستی -
لنینیستی " میدل میشود و کشورهای داخل در آنرا گویا فعالیت های لجام گسیخته و مهار نشدنی
کویا که از پشتیبانی اتحاد شوروی برخوردار است تهدید میکند . آنها بطور هیجان انگیزی اظهار
میدارند " اساس کار تهیه و تدوین یک سیاست واحد و جهانی است . وقت آن رسیده است که بنام
آزادی ، شایستگی و منافع ملی زنگهای خطر را بصدادرا آوریم ، در مقابل یک راه وجود دارد : یا صلح
بشیوه شوروی (Pax Sovietica) ، یا نشان دادن قدرت امریکا بمقیاس جهانی . هنگام
تصمیم گیری است و تاخیر بردار نیست " (۲) .

نویسندگان سند شتابزده میخواستند این اندیشه را تلقین کنند که گویا جنگ از جامعه
بشری جدائی ناپذیر است و سراسر امریکا ، از جمله بخشی که خ . مارتی آنرا " امریکا ما " (۳)
نامید دارای ارزش های معنوی و منن واحدی است و از آنها باید دفاع کرد (۴) .

۱ - مشروح ترد رباره سند سانتا - فه رجوع کنید به ر . آریسندی : " مسائل بین المللی " شماره ۴
سال ۱۳۶۰ " بارد یگریک دیوانگی بمقیاس جهانی " صفحه ۱۵ - ۳ .

2 - Documento secreto de la politica Reagan para América Latina
" Soberanía " Managua. 1981, Nr 1.

۳ - مقصود مقاله برنامه‌گونه خوسه مارتی با عنوان " امریکا ما " است که در سال ۱۸۹۱ نوشته شد
و پایه و اساسی برای ایدئولوژی ضد استعماری و ضد امپریالیستی در منطقه گریده دید .

4 - J. Carrión. Ideología imperialista en América Latina. -

" Estrategia " 1982 Nr 44, pp. 43-44.

زندگی نشان داد که سیاست تازه " ایالات متحده آمریکا در ارتباط با امریکا، لا تین همان
 می است که در ساقاها - ف " مستدل گردیده است " سه سال پیش ، هنگامیکه بحران مالی -
 سرسید و آژانتهین از طرف بریتانیای کبیر مورد تجاوز قرار گرفت ، ایالات متحده به بیش سرمایه ترین
 وجهی به متحد " سنتی " خود پخاطر " مصالح عالیه " خیانت کرد ، هم " دکترین مونرو " هم قرارداد
 های نظامی - سیاسی درباره دفاع از نیمکره غربی را لگد مال کرد . سپس به گرتادا ، بعلمت اینکه
 مردمش جمارت بخرج داده و راه استقلال را در پیش گرفتند خائنه حمله ور شد . حالا هم در
 امریکا مرکزی با آتش بازی میکند .

سیاستمداران ارتجاعی اندیش امریکا لا تین هم اینک درک میکنند که هر یک از کشورهای
 منطقه میتوانند مورد تجاوز امریکا شمالی قرار گیرند ، حتی در حالیکه هیچ ارتباطی با اکثریت
 سوسیالیستی پیشرفت نداشته باشد فقط درصد بدست آوردن استقلال کامل برآید . " کتاب
 های سفیدی " که در آغاز سال ۱۹۸۱ و سال ۱۹۸۵ در واشنگتن سرهمبندی شده تا " اشتراک "
 اتحاد شوروی ، کوبا و نیکاراگوئه در رویدادهای سالوادور با شایعات رسانند و میانیه ها و اسناد گوناگون
 رسمی و غیر رسمی سالهای اخیر ایالات متحده امریکا رو به معرفت چیز دیگری غیر از تلاش برای تأمین
 تبلیغاتی مداخله مسلحانه و بلوف هایی که برای اهالی امریکا لا تین رویدادهای دراماتیکی را
 در پی دارند ، نیست .

ما با رها با آنتی کومنیسم پیکار جو بر خورد کرده ایم . تشدید فعالیت آن در حال حاضر
 بمیزان زیادی ناشی از وضع ایدئولوژیک در امریکا لا تین است . پس از روی کار آمدن ریگان مبارزه
 سراسری با " مداخله " کذایی شوروی - کوبا در امور داخلی کشورهای منطقه و با " تروریسم -
 کومنیستی " و " تجاوز " از صوفی به وسواس جنون آمیز دستگاه اداری واشنگتن مبدل گردیده و از سوی دیگر
 بهانه ای برای اعمال فشار در کشورهای است که دارای رژیمهای دیکتاتوری و مطلقه راستگرا هستند
 ویا در آنها زیر لاف " دموکراتیک " خود گامگی الیگارش و نظامیان محلی ادامه دارد .

بطور مثال ، در هند وراس میکوشند وحشیگری و سببیت رژیم رابا جارجونجال در ساره
 " خطر ساندینیستی " و مداخلات نظامی که ارتش خلقی نیکاراگوئه گویا در اراضی ما انجام میدهد
 استتار نمایند . ترور ضد انقلابی که تا سطح سیاست دولت ارتقا داده شده است تأیید دیگری
 بر این سخن است که " تمدن و ادگری نظام بورژوازی ماهیت حقیقی و شوم خود را
 هنگامی نشان میدهند که بردگان و مستعبدگان آن نظام علیه اربابان عصیان میکنند . در آن هنگام
 این تمدن و این دادگری غیر از وحشیگری و انتقامجویی برهه و عریان چیز دیگری نیست " (۱) .

اتحاد شوروی و تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی و کشورهای نواستقلال هیچکس را تهدید نمیکنند. در سال ۱۹۳۲ م. کالیفرنیا هم‌را یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست هند وراس که به وسیله ارتجاع هند وراس بزندان افکنده شده بود از سلول خود نوشت " اتحاد شوروی در امور ما مداخله نمیکنند. ولی خلقهای امریکای لاتین از نمونه آن الهام گرفته اند و دیدگان خود را ببدان دوخته اند ". این سخنان هنوز هم بقوت خود باقی هستند، مفهوم تازه ای پیدا کرده اند و با طویل پیوج راراد میکنند. زیرا دست آورد های موجود در تمام عرصه های زندگی در کشورهای سوسیالیستی و از جمله در کوبا و موفقیت های جنبش کارگری بین المللی و انقلابهای ملی - دموکراتیک اینک بیش از گذشته اهمیت دارند و در مبارزه علیه امپریالیسم و الیگارشی الهام میبخشند.

وسائل ارتباط جمعی ارتجاعی در امریکای لاتین در مبارزه تبلیغاتی برداشته علیه کمونیسم که از ایالات متحده امریکا الهام میگیرند فعلاً نه شرکت میکنند و تلاش دارند اتهامات تکراری و تصورات ضد انقلابی ضد شوروی را در فکرونه مردم جایگزین سازند. مادرکارهای تبلیغاتی و تهیه جیجی خود مصرانه و پیگیر این اندیشه را دنبال میکنند که انقلاب در کوبا و نیکاراگوئه و مقاومت مسلحانه مردم سالواد و رازخارج آورد نشده، بلکه نتیجه بحران ساختاری تشدید یافته و مبارزه عادلانه علیه رژیمهای استبدادی و غارت امپریالیستی است. ماهمچنین تأکید میکنیم که هجوم کمونیستی آنتی کمونیسم نه بر قدرت بلکه بر ضعف دشمن طبقاتی و ترس آن از شکست های آینده گواهی میدهد.

بازیهای خطرناک با آتش

امپریالیسم امریکا با تمام نیرو میکوشد " حق " هژمونی نظامی - سیاسی و اجتماعی - اقتصادی را که خود سرانه برای خویش قائل شده به تحقق بخشد. با از دست دادن بسیاری از مواضع خود در سایر مناطق تمام قاره ما را " منطقه امنیت " بویژه مهبی اعلام کرده، امریکای مرکزی و حوضه کارائیب را ناحیه " منافع حیاتی بلاواسطه " خود و هند وراس را " مرز چهارم " خویش بشمار میآورد. کاخ سفید بفرم انتقاد شدیدی از طرف اتباع ترقیخواه ایالات متحده، هرچه در توان دارد برای افزایش کمک اقتصادی و نظامی به پرزیدنت های گوش فرمان و بدون توجه به هزینه و مسائل به نظامیانی که نیروهای مسلح کشورهای امریکای مرکزی را به " گوشت دم توپ " برای دست یافتن به هدفهای توسعه طلبانه ضد انقلابی و اشنگتن میدل کرده اند، انجام میدهد. در این قبیل برنامه های استراتژیک نقش ننگینی هم به ارتش هند وراس واگذار میشود.

هند وراس در مرکز متشنج ترین منطقه قاره امریکا واقع شده و با سه کشوری هم‌مرز است که خلق های آنها مدتهاست سلاح در دست برای مبارزه بهاخته اند. بهمین سبب کشور ما در نظر

د دستگاه اداری ایالات متحده اهمیت "ژئوپولیتیک" ویژه ای کسب کرده است .
 در اسناد حزب کمونیست هند وراس بارها یادآوری شده است که در هند وراس اختلاف
 لیبرال ها و نژادپایان حاکمیت را در دست دارند . این تجسم نمونه و انظریه "دموکراسی محدود"
 تدوین شده بوسیله امپریالیست ها در عمل است . این نوع از انواع دیکتاتوری ارتش هند وراس رابه
 ژاندارم امریکای مرکزی ، اشغالگرسرزمین های خود و ضامن حضورنظامی ایالات متحده میدل
 میکند . خطربرای تمام منطقه ما از اینجا سرچشمه میگردد (۱) .

نیروی بالقوه ارتش هند وراس بسرعت افزایش مییابد . نیروی هوایی باتکنیک نظامی مدرن
 تقویت میشود . فرودگاههایی ساخته میشود که برای فرود آمدن و پرواز هواپیماهای سنگین مجهز
 هستند . نیروی دریایی با بنرودناوهای مدرن تکمیل گردیده است . از سال ۱۹۸۲ به بعد
 سروکله تعداد زیادی مستشاران نظامی و واحد های تعلیماتی از فورتن براگاد و کارولینای شمالی
 و از پایگاه فرماندهی بخش جنوبی ایالات متحده امریکای ریانا ما پیدا شده است . در مراکز کوه
 پنتاگون بوجود آورده واحد های مأموریت ویژه برای سرکوب مبارزات مردم در امریکای مرکزی آموزش
 می بینند . نزدیک نگو سیگالپاد رسرود هوله ایستگاه عظیم رادار اشعاع عمل . ۴ کیلومتر ساخته
 شده است که بوسیله پنجاه متخصص امریکای شمالی اداره میشود و واحد های نظامی هند وراس را
 محافظت میکند .

تعداد کارمندان سفارت ایالات متحده امریکا بسیار زیاد شده ، شبکه سیایمیزان چشمگیری
 گسترش یافته است و انواع گوناگون کارشناسان متخصص در عملیات "ضد خصیان" که از اتباع امریکای
 شمالی ، شیلی و اسرائیل میباشند بطور قابل ملاحظه ای فعالیت خود را تشدید کرده اند . تعداد
 هرچه بیشتری "بره سبزها" وارد کشور میشوند . برای چندمین بار است که در اراضی هند وراس
 نزدیک به مرزهای نیکاراگوئه و سالوادورمانورهای زیرناهمای رمزی "بیگ پابین" ، "یونیورسال-
 تریک" و غیره انجام میگردد . در این مانورها علاوه بر نمایندگان "ارتشهای متفق" نژادپایان و تکنیک
 جنگی امریکا هم شرکت میکنند . هزاران تن از اشرار سوموساکه جان سالم بدر برده اند در هند وراس
 پناهگاه امن وامانی یافته اند . آنها به نیکاراگوئه حمله ورمیشوند ولبه میهن ساندینوه جنایات
 بزرگی دستمیزنند . گاهی اتفاق میافتد که ارتش هند وراس هم به سرزمین سالوادور دست اندازی
 میکند .

1 - El proceso revolucionario hondureño en el momento actual.
 Intervenciones del Secretario General del Partido Comunista
 de Honduras, c. Rigoberto Padilla Rush, 1983. هیئت تحریریه

نه پرزیدنت ر. سوآ سوگورد ووا ونه سا بر شخصیت های بزرگ حزب لیبرال قاد رنیستند از مسغولیت تاریخی به سبب سیاست جنایتکارانه خود و خیانت بنیات صلحجویانه اعضای حزب و تمام کسانیکه در سال ۱۹۸۱ به لزوم تفسیر و تحول رأی دادند شانه خالی کنند .

انصران عالیرتبه ای که در بیم و هراس از نینتساگون . بسر میبرند و یاد آر زوی و اهسی " یک تفرج جنگی " ساده و آسان گوئی پر د آورده اند ، کشور ما را به جنگ علیه نیکاراگوئه میکشاند ، جنگی که بی آمد های آنرا برای سرنوشت تمام خلقهای منطقه بد شواری میتوان پیش بینی کرد . امتناع دولت " لیبرال " از مذاکره با ساندینیست ها ، شرکت نظامیان در تحقق نقشه های جنایتکارانه پنتاگون و سیا ، استفاده از شبه نظامیان برای ربودن و قتل رهبران خلق و انقلابیون را با جیزدیگری غیر از فشار فزاینده امپریالیسم نمیتوان توضیح داد . اثری از کمی برجای میماند . ما فقط غم و اندوه نزدیکان آنها را می بینیم و از دفن پنهانی اجساد با خبر میشویم .

قتل سیعانه . در اس از رفقای ما ، ربودن لیدران مردم و سندیکاها مانند ر. ویندل و گ. مورالس در تگوسیگالپاکتا حال از سرنوشتشان اطلاعی در دست نیست ، فقط برخی از ایمن واقعیات است . فهرست اسامی قربانیان نیروهای انقلابی - دموکراتیک و ضد امپریالیستی در هند وراس مرتباً افزایش مییابد و این خود گواهی بر وجود نقشه بدون سرکرده و سرپرست ساختن توده ها و ممانعت از ابراز هرگونه مخالفتی با تدارکات شوم جنگی است .

ارتجاع هند وراس با تهیه نقشه های میلیتاریستی و قصد سرکوب انقلاب نیکاراگوئه و جنبش آزاد پیخش خلقی در سایر جمهوریهای منطقه با اسلحه کشور ما را به وضع فاجعه آمیزی کشانده است . بطوریکه در یکی از اسناد حزب کمونیست هند وراس تأکید میشد " . . . با جنگ بویژه نباید زمانی بازی کرد که اقتصاد د و مرز ورشکستگی است و رشد تولید زیر صفر است ، هنگامیکه بهای کالاها بشدت افزایش مییابد و بیکاری جمعی یک سوم از اهالی را که قادر به فعالیت اقتصادی هستند فرا گرفته است .

تورمی که مارپیچی بالا میرود ، درآمد ناچیز کنونی زحمتکشان را به هیچ مبدل میکند و وام خارجی چند میلیونی راحتی با کوششهای نسلهای آینده هم نمیتوان پرداخت . اقتصاد بحران زده و رانده با وامهای اسارت آور ، نه با " کله کذائی " و نه با بخششهایی که با آنها کاخ سفید به بهای شرمساری هند وراسی ها شرکت گردانندگان کشور در سایش تجاوزکارانه علیه خلقهای برادری را خریداری میکند که در راه حق خود مختاری و تعیین سرنوشت و گزینش شایسته و مستقل سرنوشت خویش مبارزه میکنند نمیتوان از غرق شدن نجات داد " (۱) .

اگر امپریالیسم امریکا و خدمتگذاران آن از صف لیبرال - بورژوازی هند و روس به گرداب تجا و زعلیه نیکاراگوئه ویانپروهای انقلابی سالوادور جبهه، آنها خطای سیاسی جدی مرتکب میشوند و " ویتنام تازه ای " در امریکای مرکزی پیدا خواهند کرد ، زیرا هرآنکه باد بکارد ، در و کند طوفان .

باید در سطحی بود که لحظه حاضر طلب میکند

اینکه يك چهارم قرن است که انقلاب پیروزمند کوبا صحنه تازه ای در تاریخ نیمکره غربی گشوده است . این انقلاب " تقدیر جغرافیائی " را بگورسپرد و امکان ساختن جامعه نوو عادلانه را حتی در نزدیکی بلا فصل ایالات متحده امریکا و در شرایط محاصره بدون وقفه ، " جنگ روانی " و تحریکات سیاسی و خرابکاری با موفقیت با ثبات میرساند .

بیست سال پیش پس از کوبا انقلاب ساند بنیستی ضربه سنگین دیگری بر سیستم سلطه امپریالیستی در کشورهای امریکای لاتین وارد آورد و سر مشق الهام بخشی برای گسترش جنبش آزاد بیخس در سالوادور ، تشدید پیکار مردم کواتمالا و افزایش فعالیت نیروهای میهن پرست در کستاریکا و هند و روس گردید . این پیروسی ها در امریکای مرکزی به واقعیت روزمره مبدل شدند و اگر چه با اشکال گوناگونی جریان می یابند ، همه نتیجه تأثیر قانومند یهای عامی میباشند که مارکسیسم لنینیسم کشف کرده است . آنها چنانکه گفتیم نه زائیده مداخله فرضی وواهی شوروی ، کوسا یانیکاراگوئه ، بلکه پی آمد تعمیق شدید بحران ساختارهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی میباشند . این بحران در هند و روس تا آنجا دامنه پیدا کرده که درگیری شدید سیاسی در داخل کشور میتواند در آیند نه چندان دوری آغاز گردد . بی ثباتی یکی از خصائص تغییرناپذیر زندگی اجتماعی گردیده است . خطر کودتای ارتجاعی ، طی سالیان درازی ، همواره زمانی پدید میآید که امکانات در مکرسی بورژوازی به آخر میرسد . توده های مردم که به تجربه خود یقین حاصل کرده اند و سایل مسالمت آمیز در پیکار سیاسی به آنها امکان نمیدهد به حل مسائل اساسی دست یابند ، همانطور که در نیکاراگوئه در گذشته اتفاق افتاد و اکنون در سالوادور و روسی میدهد ، دست به اسلحه میبرند . تجربه کوبا ، نیکاراگوئه ، سالوادور و روسایر کشورها نشان میدهد که مبارزه انقلابی (از جمله مبارزه مسلحانه ، که همیشه ارتجاع آنها را آغاز میکند) دوره آموزشی دشوار است . بنا بگفته و ای . لنین " در وه کامل آن بطور اجتناب ناپذیر پیروزی ضد انقلاب و سید اگری مرتجعین خشمگین راهم در بر میگردد . . . ولی فقط خشک مغزان در مان ناپذیر و مومیائی های بی مغز میتوانند برای وارد شدن خلقها به این مدرسه رنج آورشک بریزند . . . " (۱) .

دادن قربانی بهناپودی جنبش انقلابی نمی انجامد و ناگامی های برخی از واحدها — پیشروی پیروزمندان جنبش را متوقف نمی سازند . سرنوشت تاریخی آموزش مارکسیستی — لنینیستی با سرنوشت سایر تئوری ها و نظریات و مقدم بر همه با سرنوشت نظریات ضد کمونیستی همین تفاوت را دارد که بدون وقفه تحقق می یابد . در تناوب موفقیت نیروهای ترقی ما شاهد جلوه پیشرفت جهانی بمنزله گرایش مسلط هستیم که مضمون اساسی دوران ما را تعیین میکند .

در شمنان طبقاتی واید تولوژیک ماتام اینها را خوب می فهمند . به همین سبب تعرض تازه ارتجاع و موج جدید آنتی کمونیسم ما را متعجب نمی کند ، بلکه به ما ادگی برای مقابله شایسته با خرابکارهای اید تولوژیک و نیات تجاوزکارانه دشمن در جریان هرگونه تفسیر و تحولی در پیشرفت رویدادها فرامی خواند .

در روزهای انقلابی کاملاً روشن است . پروسما آزادی ملی در امریکای مرکزی را که بطور هیئی در حالت پیشرفت است دیگر کسی نمیتواند متوقف سازد . البته ، خطر مدخله مستقیم امریالیستی در نیکاراگوئه و سالوادور موجود است . نباید آنرا دست کم گرفت و پراین نکته در اسناد حزبی حزب کمونیست نیکاراگوئه تأکید شده است . برای احتراز از خطر ، باید نیروهای دموکراسی و ترقی امریکای مرکزی ، منطقه امریکای لاتین و تمام جهان را در یک جبهه متحد ساخت ، در سایه ارتجاع را بطور مدوم افشا کرد و با خلقهای نیکاراگوئه ، سالوادور و روسایر خلقهای رزنده بطور مؤثر همبستگی نشان داد .

این خلقها در مبارزه خود تنها نیستند . کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی ، جنبش کمونیستی و کارگری در کشورهای سرمایه داری و از جمله در ایالات متحد و امریکا ، نیروهای دموکراسی ملی و تمام جامعه بشری مترقی با آنها هستند . انقلابیون هند و روس ، میهن پرستان و انترناسیونالیست هائی که برجسبی های " خائنین بوطن " و " ستون پنجم " را که خدمتگذاران انحصارهای ترانس ناسیونال و الیگارشی می خواهند با آنها بچسباند قاطعانه رد میکنند هم با آنها هستند .

دفاع از نیکاراگوئه و جنبش انقلابی در سالوادور و بهترین وسیله دفاع از منافع مردم هند و روس است نجات حق حاکمیت کشور که با حضور نظامی ایالات متحد و امریکا نقض گردیده و مبارزه علیه سرپه نیست شدن ها و قتل های سیاسی " اسرارآمیز " است . طرفداری از نیکاراگوئه و انقلابیون سالوادور و رضامن استواری برای این است که در آخرین تحلیل مردم هند و روس و بهترین دختران و پسران آن به آزادی و استقلال کامل ، دموکراسی و ترقی اجتماعی دست یابند . اکنون نیکاراگوئه و نیروهای انقلابی سالوادور در راه آیند و ما هم بیکار نمیکنند و درگیر بیکار مظلومی هستیم که ما هم بخاطر آزادی ملی و اجتماعی خود در آن شرکت میکنیم .

بنظر میرسد که جبهات اساسی سیاست " تازه " ایالات متحده در امریکای لاتین که آنژی کومنیسم جنگ طلب، تروریسم دولتی و میلیتاریسم فاشیستی است در شرایط سیاسی هند وراس متمرکز شده است. امپریالیسم امریکا قصد دارد از تبلیغ نظریات ضد انقلابی و عملیات مخفیانه به مدخله مسلحانه آشکار بپردازد.

این واقعیت کومنیست های هند وراس را موظف میکند برای دست یافتن به تفاهم متقابل بیشتری میان نیروهای خلقی و موکراتیک و انقلابی بکوشند و به پیشرفت پروسه متحد سازنده که وحدت عمل روزافزون نیروهای موکراتیک و انقلابی تجسم آنست باری رسانند. اینک حزب کومنیست هند وراس و سایر زمانهای مترقی به این نکته هرچه بیشتر معتقد میگردد که خروج از وضعی که به پیش آمده از طریق دیالوگ با دولت غیر ممکن است.

مرحله تازه جنبش انقلابی در هند وراس نیازمند بکاربردن خلاق تاکتیک با نروش و سیاست ماهرانه اتحاد هلوتفا هم مقابل عمیق با محافل اجتماعی و احزابی است که با مدخله امریکا مخالفت میکنند و خواستار احیای آزاد پهای موکراتیک و صلح در روی زمین هستند. ما لازم میدانیم در سطح خواست لحظه کنونی باشیم و از لحاظ سازمانی و سیاسی برای تحقق برنامه های استراتژیک خود آماده میشویم.

* * *

کومنیست های هند وراس بمنزله وارثان امر ف. مورا سان (۱) و سایر موکراتهای انقلابی قرن گذشته و م. کالیکس هرزه راوخ. پ. و این رایب بنیانگذاران جنبش کومنیستی در هند وراس به جنگ علیه گواتمالا که کمپانی های موزود رسال ۱۹۳۲ میخواستند به خلق ما تحمیل کنند " نه! " گفتند و به ضد انقلاب گواتمالا بد سرکردگی ک. کاستیلو آریاس در سال ۱۹۵۴ " نه! " گفتند و به جنگی هم که سوموسا در سال ۱۹۵۷ میخواست هند وراس را بکشانند گفتند " نه! " و همراه با کومنیست های سالوادور و مقصرین واقعی درگیری مسلحانه میان دو کشور در سال ۱۹۶۹ را افشا کردند.

اینک ما اعضای حزب و هم میمنان خود را فرا میخوانیم که بار دیگر جنگ را رد کنند، به مدخلهای که به کمک آن تلاش میکنند از هر روزی مبارزان قهرمان جبهه آزادی ملی بنام فارابوند و مارتی و جبهه انقلابی - موکراتیک در سالوادور و رچلوگیری کنند " نه! " بگویند، به درود سته سوموسا که برای خانواد های نیکار اوته غم ورنج فراهم میآورند " نه! " بگویند و با مقاومت شدید مانع کشانیدن

۱ - فرانسیسکو مورا سان. شخصیت کشوری و لشکری قرن گذشته است. در سال های ۱۸۳۹-۱۸۴۰ پرزیدنت فدراسیون ایالات متحد امریکای مرکزی بود. چند اصلاحات مترقی را تحقق بخشید.

هند وراس به جنگ جنون آمیز علیه مردم قهرمان ساند پیشوند .

کمیست های هند وراس که گرد کمیته مرکزی حزب کمیست هند وراس متحد گردیده اند از خط مشی ماه فوریه پیروی میکنند و هرگونه کوششی را برای ایجاد تفرقه در صفوف حزب بمنزله نسیسه دشمنان رد میکنند (۱) .

ما اشکال تازه ای برای گسترش دامنه جنبش توده ای میجوئیم و میبایم وخواستار وحدت با سایر نیروهای دموکراتیک و انقلابی میباشیم . ما طرفدار اتحاد با کلیسا ، با احزاب سیاسی اپوزیسیون و با محافظی در نیروهای مسلح هستیم که خواستار دموکراسی واقعی ، استقلال و ترقی هند وراس و خواستار کشوری بدون زندانیان سیاسی ، بدون ربودن انسانها ، بدون ارتشهای خارجی که حق ما را در سرزمین ما نقض میکنند ، هستیم . ما طرفدار تمام نیروهای هستیم که از احترام به حق تعیین سرنوشت و ایجاد شرایطی پشتیبانی میکنند که مردم ما بتوانند از احساس شرم بخاطر وضع وابسته کنونی خود رهایی یابند و با سرپلندی به چشم خلقهای دیگر بنگرند .

ما اعتقاد راسخ داریم که وحدت و اتحاد مشترک تمام نیروهای سیاسی و اجتماعی که قصد دارند از فاشیستی و میلیتاریزه شدن کشور جلوگیری کنند پیروزی را تضمین میکند . ما نه فقط بدین باوریم ، بلکه میدانیم این پیروزی ، حتی اگر لازم شود در فاصله زمانی میان کشت و درو متحمل تلفات سنگینی هم بشویم ، بدست خواهد آمد .

۱ - کمیست های هند وراس خط مشی فوریه برنامه عملی را میماند که پلنوم کمیته مرکزی حزب کمیست هند وراس در فوریه سال ۱۹۸۰ مطرح ساخت و بر اساس امکان بدست گرفتن حاکمیت از طریق مبارزه توده ای مسلحانه تهیه و تدوین شده است .

دروغ پردازی در باره «تجاوز کاری» کمونیسم

آندره آس فانتیس

معاون دبیرکل حزب مترقی خلق
زحمتکش قبرس (آکل)

طراحان استراتژی وایدولوگ های محافظ مر تجع امپریالیسم کازمشی تشدید وخامت بین المللی پیروی میکنند بر ضرورت درپیش گرفتن مشی "خشن تری" نسبت به احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی ، نیروهای چپ وشرکت کنندگان در جنبش های ضد جنگ هر چه بیشتر تأکید میورزند محلل چنین "خشونت" باند از مکافی مفهوم است .

ازیکسو ، ناتوانی آشکار هر چه بیشتر برای پاسخگویی به فراخوان کمونیست هابمنظور رحل و فصل مسائل اجتماعی - سیاسی بنیادی ، از سوی دیگر قصد پیروزی در ریکا ربا سوسیالیسم موجود (به هر قیمت که شده) محافظ ارتجاعی حاکم کشورهای سرمایه داری را بر میانگیرد که بان پیروی بیشتری به طبل تبلیغات شدید در اطراف "خطر کمونیستی" بگویند . در عین حال وقتی کمونیست ها از تعرض علیه سرمایه داری سخن میگویند ، صحبت بر سر مسابقه اقتصادی مسالمت آمیز و سیستیم اجتماعی و ضرورت تبلیغ فعالانه اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم وتشکل پیگیر آگاهی طبقاتی کارگران در مبارزه آنها در راه حقوق خودشان است .

در کنگره پانزدهم آکل (ماه مه سال ۱۹۸۲) بر این نکته تأکید شد که : " ما باید به کار خود در جنبه ایدئولوژیک که میباید دامنه آنرا توسعه داد ، اهمیت بیشتری بد هیم " . در شرایط مشخص بین المللی و داخلی که بوجود آمده هنگامیکه امپریالیسم و ارتجاع راستگرای افراطی حمله ایدئولوژیک خود علیه سوسیالیسم ، اتحاد شوروی و درون کشور علیه حزب ما را تشدید میکنند ، کار ایدئولوژیک اهمیت کاملاً ویژه ای کسب میکند . ما با کار خود در این عرصه باید به آیدئوگی ایدئولوژیک هر چه بیشتر تمام حزب کمک کنیم . باید دلاورانه از آرمان های والای سوسیالیسم و کمونیسم دفاع کرد . . . " (۱) .

کمیونست ها امکان هرگونه سازش میان ایدئولوژی های سوسیالیستی و بورژوازی را رد میکنند. آنها با اعتقاد کامل بهما هیت ضد انسانی و ارتجاعی سیستم نظریات بورژوازی آشکارا علیه آن مبارزه میکنند. مارکسیسم بمنزله یک ایدئولوژی بانده پشه هائی که بورژوازی تبلیغ میکند آشتی ناپذیر است و با آنها در یکجائی گنجد. در ضمن نقطه نظراصولی مارکسیست ها عبارت از این است که آشکارا مبارزه ایدئولوژیک نباید به عرصه مناسبات بین المللی کشانده شود. مبارزه ایدئولوژیک بهیچوجه مستلزم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها نیست. سیاست همزیستی مسالمت آمیز منضم — موم مارکسیستی — لنینیستی آن عبارت از این است که هر یک از دو سیستم بانمونه و سرمشق خود و نه بسا اصلحه، نشان بدهد که کدامیک از آنها بهتر است. کمیونست ها مقدم بر هر چیز بانمونه های شریف خدمت به مردم برتری اند پشه های خود را به اثبات میرسانند و ملاقات خود را با خود جلب میکنند. ولی آنتی کمیونسم در عرصه ایدئولوژی هم بهمان وساطتی که در عرصه اقتصاد و سیاست بکار میگردد، مانند خرابکاری، فشارهای تجارکارانه و دروغ آشکار، متوسل میشود. بنوبه خود امپریالیسم هم شگرد های " جنگ روانی " و مبارزه ایدئولوژیک را به عرصه مناسبات میان کشورها میکشاند.

و ای. لنین با درو اند پشی هشتاد و هشتاد که تبلیغات بورژوازی با میدی اعتبار ساختن سوسیالیسم در نظرتوبه های زحمتکش و موجه جلوه دادن تدارکات جنگی خود همواره دستاویزی پیدا میکنند که در باره با اصطلاح " میلیتاریسم سرخ " سروصدا راه بیندازد. لنین در باره دولفین این قبیل افسانهها میگفت: " . . . اینها شیادانی هستند که وانمود میکنند گویا آنها به این سخن ابلهانه باور دارند و با استفاده از مهارت خود، همانند وکیل مدافع، در سرهم بندی کردن دلائل جعلی و گردوغ خاک پاشیدن به چشم توده ها آنها طاقی را چپ و راست اشاعه میدهند " (۱) .

اظهارات ایدئولوژیک های بورژوازی مبنی بر " توسعه طلبی "، " صدورانقلاب " وحتی " خطر برای صلح " که گویا از اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی ناشی میگردد پایه و اساس افسانه مربوط به " تجارکاری " کمیونسم را تشکیل میدهد. تجربه مبارزه کمیونست ها با تمام مظاهر ایدئولوژی سرمایه نشان میدهد: باز شناختن اقدامات تبلیغاتی، از یکسو و سیاست واقعی محافظان ارتجاعی از سوی دیگر و تشخیص هر دو نهائی که اعلام میشود و نیات واقعی که با وقت و وسواس مخفی نگه داشته میشوند حائزا اهمیت است. از نمونه های بارز یکی هم این است که در مستوقتی که در نظر است " شکار غنا ضرنا مطلوب " را آغاز کنند، مبلغین امپریالیسم پیش از هر وقت دیگری در باره " نقض حقوق بشر " در کشورهای سوسیالیستی سروصدا راهی اندازند. هنگامیکه به رژیم های طرفدارفاشیسم و تروریست مطلوب سرمایه انحصاری " چراغ سبز " نشان میدهند، کمیونست ها و فعالین جنبش آزاد بیخشن طس راه تروریسم متهم میکنند. زمانی هم که خود را برای تحریکات نظامی توتی یاد و

تازه ای از مسابقه تسلیحاتی آماده میسازند و پیشه "خطر سرخ" را بپایان میآورند. آنچه نمونه و گواهی از دوران "جنگ سرد" است، از دیدگاه درک ماهیت آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم، و اشکال معاصر آنها و افشای ریاکاری و کذب نظریه "توسعه طلبی کمونیستی" بویژه آموزش و پرورش است. عملاً، بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم نظریه "تجاوزکاری" کمونیسم بوسیله ماشین تبلیغاتی کشورهای امپریالیستی، بویژه بریتانیا و ایالات متحده آمریکا، با تمام قدرت ممکن آن مورد بهره برداری قرار گرفت. ارتجاعی ترین محافل این کشورها از زبان و چرچیل که در مارس سال ۱۹۴۶ در دانشگاه فولتن سخنان جنگ افروزانه ای ایراد کرد، نقشه لشکرکشی علیه کمونیسم به بهانه "دفاع از تمدن غرب" را اعلام کردند.

در آن دوران طراحان استراتژی مشی خارجی کشورهای امپریالیستی، نظیر برادران دالس مشهور، به پیچیدگی فقط به "موقوف ساختن" کمونیسم قانع نبودند. آنها هدف فحاشی راه کمپینی آمد های در دروازی داشت دنبال میکردند و مانند "آزادی اروپای خاوری" و "عقب راندن کمونیسم" نقشه دالس که در نخستین سال حاکمیت دستگاه اداری اینها و مطرح شد برانگیختن حداکثر اغتشاش بی نظمی و "مقاومت مردم" در تمام کشورهای "بلوک شوروی" را پیش بینی میکرد. علاوه بر پشتیبانی مستقیم از گروههای ضد انقلابی "پیروی از استراتژی سیاسی هدفمند و جدی بطمسور خستگی ناپذیر در تمام جریسه ها و با تمام وسایل اعم از نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک، مخفیانه و آشکار" هم پیش بینی میشد.

این نقشه که به حمایت ایدئولوژیک افسانه مربوط به "تجاوزکاری" کمونیسم متکی بود، تهدید مداوم به "جنگ سواستی و همه گیر" علیه اتحاد شوروی ("حفظ توازن در آستانه جنگ") بمنظور اعمال فشار نظامی و شانناژ سیاسی را در نظر میگرفت. جامعه کشورهای سوسیالیستی، طبق این نقشه باید از هم می پاشید. در سندهای دیگری از همان دوران گفته میشد که "جنگ جهانی" با منافع ایالات متحده مطابقت میکند، زیرا امکان میدهد پس از تسویه حساب با اتحاد شوروی نوعی "ارگان حاکم جهانی" ایجاد کرد و بحسبارت دیگر رهرونی جهانی ایالات متحده آمریکا را برقرار ساخت. بطوریکه میدانیم، مقدم نبود که این نقشه ها بجز اجرا در آیند. با وجود این روح زبان بخش "دکترین عقب راندن" که در هواپیماهای امریکائی تجسم یافته بود، اندکی بعد بر فراز سرزمین های کره، ویتنام، لاوس، کامبوج و سایر کشورهای مستقل پیروازد آمد.

مدارک و اسنادی که از زبان گاتی های بیرون کشیده شده و مضمونشان با اطلاع مردم رسید، اینک امکان میدهند آنچه را که ماشین ایدئولوژیک امپریالیسم امریکالی از من بیند در زمین بیانیسه های معمول در باره خطر "هجوم کمونیسم زخاور" مخفی کند با همان سیمای ناهنجارش در نظر

تبی
مجسم کنیم . آنها ماهیت ایدئولوژی کنونی ایالات متحده امریکاراهم کاهزنوابین قالب کهنه تبلیغاتی
راعلم کرده است روشن میکنند . بابیاد آوری تاریخ اکنون هم در آنها همان انگیزه هاوهدفهای
سیاسی واقعی را باید دید که با دعسآوری " صلحدستانه " بشدت مغایر است .

این دلیل جعلی که کاهش تشنج موجب برتری نیروی مسود سوسیالیسم میگردد بمنزله برهانی
برای بازگرداندن روح " جنگ سرد " از دوران گذشته مصرانه مورد استفاده قرار میگیرد . بطور مثال
ره بارتسل ، لیدر سابق اتحاد دموکرات مسیحی آلمان غربی ، در ارزشیابی نتایج کاهش تشنج
درست از همین مواضع برخوردار میگردد . او در کتاب خود بنام " روی بند سیمی " مصرانه این اندیشه
را دنیال میکند که گویا کاهش تشنج بین المللی فقط بمسود اتحاد شوروی و کمونیست ها است . بارتسل
میگفت ، تعمیق کاهش تشنج در زمینه افزایش نفوذ احزاب کمونیست در یک سلسله از کشورهای غربی
غرب را با خطر " از دست دادن آزادی در قبال صلح نوع شوروی " (۱) تهدید میکند . طرآن
استراتژی امپریالیست هارا خارج از وضعی راکه پیش آمده از نود رتشدید رویارویی با جهان سوسیالیسم
و آغاز " جنگ صلیبی " تازه علیه آن می بینند .

شیوه زندگی کنونی ایدئولوگ های بورژوازی آشکارا خصائص دوران " جنگ سرد " را بخود
میگیرد که عبارتند از : تحریف آشکار و قاطعانه هدفها و نیات کشورهای سوسیالیستی ، تحریف اصول
سیاست خارجی آنها ، جعل حقایق و تفسیرها و گونه واقعیات تاریخی ، تلاش برای وانمود کردن
هیالات واهی بشکل " گزارش های ویژه " علمی مانند شبهه به حقیقت یا " ارزشیابی های کارشناسان "
و مانند اینها . همچنین بمقیاس گسترده " پیش بینی های " تحریک آمیز " درباره اقداماتی که تصور
میروند انجام گیرد : مانند " احتمال " تصرف منابع نفت در منطقه خلیج فارس از طرف " اتحاد
شوروی " .

پ . نیتسه مشاور کل کاخ سفید در مسائل کنترل تسلیحات ، کاملاً با روح چنین شیوه

زندگی درباره " پشتیبانی اصولی " تروریسم از طرف اتحاد شوروی ، درباره " کمک قطعی " بسویه
" برنگاد سرخ " در ایتالیا ، درباره " تحریکات محتمل " از طرف " عمال بلوک شوروی " به گروگان گیری
اتباع امریکایی در ایران و مانند اینها پرحرفی میکند . از مجموعه این سخنان پوچ ویی معنی است که
مشی استراتژیک ایالات متحده امریکادر سالهای ۸۰ بدین مضمون نتیجه گیری میشود :
" . . . تغییر موضع دولت امریکادر جهت احیای اجباری قدرت خود ، از جمله نیروی نظامی ، بمنزله
پشتیبان ضروری سیاست خارجی سازنده " (۲) .

1 - Rainer Batzel, Auf dem Drahtseil, Bonn 1978, S. 218.

2 - Paul Nitze, Strategy in the Decade of the 80s. "Foreign Affairs", 1980, vol. 59, Nr. 1, pp. 91, 95.

هدف این قبیل شگرد ها فقط یکی است و آن اینکه مسئولیت تشدید و خامت اوضاع همین —
 المللی را بعهده اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی اندازند. در ضمن "تجاوزکاری کمونیستی"
 را از همه چیز بمعنی کامل این کلمه نتیجه میگیرند: از ایدئولوژی مارکسیستی که گویا سعی در اشاعه خود
 با اعمال زور دارد، از معضلات و دشواریهایی که کشورهای سوسیالیستی با آنها روبرو هستند و راه دیگری
 غیر از توسعه طلبی گویا برای آنها باقی نمیگذارند و مانند اینها. آنچه در پس پردهٔ دود پرگوشی در
 باره "تجاوزکاری" کمونیسم نهفته است، عبارت از علاقه جنون آمیز به متزلزل ساختن اعتماد به
 سوسیالیسم موجود، ترساندن افراد بی اطلاع، کاهش از جان به اندیشه‌های سوسیالیستی برای
 توده‌های مردم، تیره انجام تبلیغات گسترده ضد کمونیستی و نهایت جلوگیری از گسترش جنبش
 انقلابی در جهان و کاستن از حدت مبارزه طبقاتی در کشورهای سرمایه است.

معنی و مفهوم اقدامات سیاسی واقعی محافظ حاکمه کشورهای سرمایه داری روشن تر
 از هر جای دیگر در "نمونه‌های" سیاست پرچمدارانان یعنی ایالات متحده امریکا آشکار میگردد.
 دستگاه اداری واشنگتن با ابراز شعنی آشکار از طرف محافظ ضد شوروی و ضد کمونیست امریکاییسم
 امریکا — ناتوی که کین و تفکر کورشان کرده است، اعلام میدارد که هدف ایالات متحده امریکا در هر صه
 سیاست نظامی "ناپود ساختن سوسیالیسم بمنزله سیستم اجتماعی — سیاسی" است.

سنای ایالات متحده امریکا، چنانکه میدانیم، بودجه نظامی سال ۱۹۸۶ را به میزان
 ۳۰۳ میلیارد دلار یعنی خیلی بیشتر از بودجه سال جاری بتصویب رساند. هزینه لازم برای
 تحقق نقشه‌های "جنگ ستارگان" تقریباً سه برابر خواهد شد. مجموعه این اقدامات شك و تردید
 دربارهٔ علاقه جدی واشنگتن به محدود ساختن تسلیحات را افزایش میدهد. در همین حال این نیز
 از نوع عوارض همان حالت است که استدلال برای اثبات لزوم آن بودجه با تبلیغات پرداخت شده و
 بی بند و بار نمیشود. درباره "تجاوزکاری بالقوه" اتحاد شوروی، درباره نقض مکرر "قطع مسی"
 تعهداتی که در ارتباط با خلع سلاح بعهده گرفته و مانند اینها همراه است. دستگاه اداری امریکا
 هم که هدفش کشاندن مسابقت تسلیحاتی به فضای کیهانی است، به این قبیل باصطلاح دلالت
 اتکا میکند. این نقشه‌های خطرناک مرگبار اشباع فضای کیهانی با انواع تازه تسلیحات به مردم
 بمنزله "راهپایی که به صلح و امنیت منتهی میگردد" عرضه میشود. مطلب را اینطور وانمود میکنند
 که گویا سیستم ضد موشکی بمقیاس گسترده امکان میدهد فشار را از تسلیحات اتمی تهاجمی به وساطت
 دفاعی منتقل کرد و که گویا ایالات متحده امریکا برای دست یافتن به برتری نظامی و سیاسی "تلاش
 نمیکند" بلکه "راه بر طرف ساختن خطر جهک هسته‌ای را پیشنهاد" میکند (۱).

اما در ارتباط با اظهاراتی که درباره تالیات " صلح و ستانه " طرفداران " جنگ ستارگان " میشود باید گفت ، در اینجا ، پرده ای را که حقایق را در پیش خود پنهان ساخته ، خود ژنرال هائی که در حقه با زیمهای تبلیغاتی مهارت زیادی ندارند بالا میزنند . او اولد ریچ معاون وزارت نیروی هوایی نظامی امریکا ، جنبدی پیش هدیهای استراتژیک و سیاسی نقشه امریکائسی میلیتاریزه کردن فضای کیهانی را بطرز کاملاً روشنی تشریح و توصیف نمود . او گفت ، قهرت تصور زیادی برای درک این نکته لازم نیست که طقی که فضای کیهانی را در کنترل خود داشته باشد میتواند سرا سر جهان را زیر کنترل خود بگیرد . در یک بخشنامه نظامی که مضمونش چند یبیبش انتشار یافت گفته میشود که فضای کیهانی " پتانسیل و امکانات نامحدودی برای عملیات نظامی و محلی کهنرویی هوایی نظامی در آنجا میتواند تمام عملیات و وظائف خود را انجام دهد (ویا از آنها پشتیبانی کند) تأمین مینماید " . روزنامه " واشنگتن پست " ضمن تفسیری بر این سند پنتاگون (۱۵ ژانویه سال ۱۹۸۵) اعلام میکند که ایالات متحده امریکا سیاستی را تعقیب میکند که " تأمین برتری در فضای کیهانی " در آن پیش بینی شده است . بدین ترتیب استفاده از ظرف کاربهای ایدئولوژیک درباره " دفاع " و مصالح " تأمین صلح " یا آنچه که واقعاً مضمون سیاست رهبری امریکارا تشکیک میدهد (یعنی شش رویارویی خطرناک با جهان سوسیالیسم) ، تضاد آشکاری پیدا میکند . مسئله ای که به وظائف ، اشکال و هیوه های مبارزه طبقاتی مربوط میشود مدتها پیش از طرف کونیست ها حل و فصل روشن و اصولی خود رایافته است . هدف آنها ساختن جامعه سوسیالیستی و پس از آن کمونیستی است . ولی سوسیالیسم ، بطوریکه ک . مارکس و ف . انگلس نوشتند در اتمام نظام کهن ، نظام سرمایه داری میرسد . کهنه ، تحت تأثیر تضاد های درونی خود ش خراب میشود . موضع فلسفی ، اجتماعی و سیاسی مارکسیست ها مبتنی بر این است که در صورت تضاد های درونی سرچشمه پیشرفت هر سیستم اجتماعی است و این پیشرفت با شکل مختلفی که وابسته به شرایط مشخص است ولی همیشه تحت تأثیر قوانین عینی و دربر تو آنها انجام میگردد . پروسه عینی را از خارج به پیش راندن ، تحمیل نظام اجتماعی که بیگانه با خلق ویا کشوری است بدانها (با هرگونه وسیله " قدرتمندانه " سیاسی یا نظامی که باشد) استراتژی است که وجه مشترکی با مارکسیسم ندارد .

در زمینه تاریخ استراتژی و واشنگتن قابل قبول ترین راه ، راهی بنظر میرسد که اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی پیشنهاد میکنند و آن این است که نیروهائی که رود روی یکدیگر ایستاده اند درباره قطع فوری مسابقه تسلیحاتی در روی زمین و راه اندادن آن به فضای کیهانی به توافق برسند و کاهش را در یکال تسلیحات هسته ای را با در نظر گرفتن هدفهای آنها کامل

آنها آغاز نمایند . عامل مهم امید وار کنند برای نیروهای صلحد و ست مشی پیگیری اتحاد شوروی در نهایت تحقق کاهش واقعی و چشمگیر تسلیحات گرد آوری شده است ، نه ایجاد سیستم های تازه اسلحه . اتحاد شوروی یکبار دیگر حسن نیت خود را نشان داده بطوریکه چنانچه تا نوامبر سال جاری استقرار موشک های با برد متوسط را متوقف ساخت و از اتخاذ تدابیر دیگری در پاسخ به اقدامات تسلیحاتی غرب در اروپا صرف نظر کرد . همچنین پیشنهاد شد که اتحاد شوروی و ایالات متحد آمریکا در تمام دوره مذاکرات مربوط به خلع سلاح در ژنو ایجاد و آزمایش تسلیحات ضربتی ویژه فضای کیهانی و استقرار آنها را (از جمله کارهای علمی پژوهشی را) متوقف سازند و تسلیحات تهاجمی استراتژیک را در سطح کنونی نگهدارند . بدین ترتیب شرایط یک دیالوگ شرافتمندانه بوسیله اتحاد شوروی فرمول بندی شده است : اگر ایالات متحد آمریکا واقعا در کاهش رادیکال تسلیحات نیتش است منطقی بود که از طرف آمریکا استقرار موشک های با برد متوسط در اروپا متوقف گردد . بدین معنی که اول مسابقه تسلیحاتی متوقف شود تا بعد بتوان کاهش آنها را آغاز کرد . به پیشنهاد تازه اتحاد شوروی ، بمنزله پیشنهاد هایی سازنده و واقعا صلحد و ستانه ، از طرف بسیاری از شخصیت های برجسته سیاسی و اجتماعی ارزش بسیار داده شده است . اما واکنش واشنگتن نسبت به این ابتکار ها چگونه است ؟ تدابیری که رهبری شوروی پیشنهاد کرده است و میتواند مستند جو مساعد تر اعتدالی در مذاکرات ژنو بوجود آورند از طرف آمریکا با عدم پذیرش شتابزده ای روبرو شده است .

و راجع ایده تولوگ های امپریالیسم در باره " خطر از رون " از طرف جنبش کمونیستی و کارگری و نیروهای آزادی ملی هم از اجزا " متشکله نظریه " تجاوزکاری " کمونیسم است . امپریالیسم علیه آنها به جنگی مرکب از دست زده است ، چون آنها را دشمنان خطرناک داخلی خود بشمارد و آورد و لا غیر . عامل عمده ای که در ضمن برای ترساندن مورد استفاده قرار میگیرد اتهام بدتروریسم است که گویا نیروهای آزادی اجتماعی و ملی بدان متوسل میشوند .

با نظری به پشت این " پرده " ایده تولوگیک درک این نکته دشوار نیست که سخن مقدم بهره جینر سرنگرانی محافل حاکمه ایالات متحد آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی از دامن مبارزه در راه صلح ، دموکراسی و ترقی اجتماعی و از اعتلای جنبش انقلابی و موفقیت های انقلابی های آزاد پیغمش ملی است . همه کسینجر ضمن اندیشه و تأمل درباره تغییرات قابل توجه اجتماعی - سیاسی که طی سالهای اخیر در کشورهای در حال رشد رویداده میگفت برای فریبجیزی وحشتناک تر از بختک " افریقای سیاه سرخ " نیست . او در مصاحبه ای با مجله انگلیسی " اکونومیست " بدون رودرواسی اعلام میداشت که باید ر نظر گرفتن وضعی که در جهان پدید آمده ایالات متحد آمریکا " ناگزیر از بازگشت به نقش پلیس است " (۱) . کشفیات وزیر امور خارجه سابق ایالات متحد را

سیاست عملی دستگاه اداری کئونی ریگان تأیید میکند .

اعلام نواحی وسیعی از جهان بمنزله " مناطق منافع حیاتی ایالات متحده امریکا ، نقشه‌های گسترش فعالیت ناتودر منطقه آتلانتیک جنوبی ، ایجاد گروه بندیهای نظامی - سیاسی تازه ، تشکیل نیروهای ضربتی ویژه در حوضه دریای کارائیب وتوسعه حضور نظامی مستقیم در خاور نزدیک همه این مجموعه تدابیر گواهِ برخط مشی ایالات متحده در جهت ایجاد مانع در راه دگرگونی‌های بنیادی اجتماعی و د امپریالیستی در کشورهای در حال رشد است . واشنگتن به بهانه دفاع از " منافع ملی " نامعلومی به اعمال زور وخشونت و مداخله نظامی ، سرهم بندی کردن دسته‌های اشوارضد انقلابی که تحت حمایت امریکالیه دولت‌های قانونی کشورهای خود عمل میکنند دستمیزند . واشنگتن ارتجاع داخلی را بمنظور بی ثبات ساختن وضع سیاسی در این کشورها تشویق و ترفیب میکند بطور مستقیم یا غیر مستقیم سلطه خود را به آنها تحمیل مینماید . فراخوان به گسترش مداخله مستقیم در امور خلق‌های قاره امریکای لاتین هر چه بیشتر بلگوش میرسد .

مقاصد تجاوزکارانه دستگاه اداری ایالات متحده در سخنان ج . شولتز در سانفرانسیسکو از جمله در اظهارات آشکارا و در بارنیات امپریالیسم امریکا در مورد نیکاراگوئه کاملاً صریح بیان شده است . اگر تا همین اواخر تجزیه و غلبه آن با کوشش بمنظور " عانعت " از واگذاری واهی اسلحه به پارتیزان‌های سالوادور توجیه میشد ، حالا دیگر این وسائل استتار بمنزله چیزی اضافی بدور انداخته شده اند . در واقع بنیکاراگوئه اولتیماتوم داده است : یا امتناع از سیاست داخلی وخارجی مستقل یا مداخله نظامی مستقیم امریکا برای سرنگون ساختن دولت قانونی . طراحان استراتژی امریکا ضمن ادامه جنگ اعلان نشده علیه نیکاراگوئه ، بطور خستگی ناپذیری از خطر " نفوذ کمونیسم " در نیمکره غربی وتهدیل امریکای مرکزی به پایگاهی برای " عملیات خرابکارانه " سخن میگویند . در عین حال اظهار میشود که پشتیبانی از دارودسته " کونتراس " از لحاظ اخلاقی جایز است و با امنیت ملی ایالات متحده امریکا ارتباط نزدیکی دارد (۱) .

آنتی کمونیسم معاصر موقعیت‌های جنبش آزاد بیختر ملی وافزایش تعداد کشورهای قسری را هم که دارای سنگگیری سوسیالیستی میباشند ، بطور مستقیم یا غیر مستقیم با " توسعه طلبی " کمونیستی مربوط میکند . افسانه " تجاوزکاری " اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی و د کترین " خطر رونی کمونیسم " بشدت بهم پیچیده و درهم شده ویکدیگر را تکمیل میکنند . این پدیده که نوعی " همزیستی " ایدئولوژیک است ، رسالت دارد احزاب کمونیست را در برابر محافل گسترده اجتماعی بی اعتبار سازد . گسترش وتکامل روابط انترناسیونالیستی بوسیله احزاب برادر

واقعیتی ضد ملی اعلام میشود . ولی هدف واقعی که در ضمن کاملاً استوار میشود عبارت از این است که با هر جمع و تفرقی که شده هم آهنگی عمل کمونیست ها و تمام نیروهای مترقی در مبارزه مشترکشان در راه صلح و ترقی اجتماعی را دشوار سازند . از این شگرد بطور گسترده برای تحریف خلصت مناسبات میان جنبش های کمونیستی وطنی - دموکراتیک هم استفاده میشود .

ماهیت نظریه " خطر داخلی برای جهان آزاد " و یا گرایش به " عملیات خرابکارانه " که گویا ویژه جنبش های کمونیستی و کارگری و آزاد بیخشم ملی است بروشنی در مناسبات کشورهای امپریالیستی با قبرس بیچشم میخورد . ضد کمونیست ها با تصور کردن حزب ما بمنزله " دشمن داخلی " که طبق دستورات " از خارج " عمل میکند ، به حزب ما تهمت و افترا می بندند .

جمهوری ما نمیتوانست از ابره فعالیت آنتی کمونیسم برکنار بماند . امپریالیسم هیچوقت نسبت به قبرس بی تفاوت نبوده و نمیتواند باشد . منافع اقتصادی غارتگرانه سرمایه بین المللی در منطقه ای که همسایه ما است و از لحاظ منابع نفت غنی است در ترکیب با آنچه کشورهای سرمایه داری منافع استراتژیک " حیاتی " خود بشمار می آورند ، امپریالیسم را مبارزه شدید علیه نیروهای مترقی و دموکراتیک جزیره و بطور عمده علیه حزب ما برمی انگیزد . امپریالیسم بین المللی میکوشد آنچنان را محل هایی برای مسائل درونی به قبرس تحمیل کند که بسود منافع انحصارها باشد و امکان بدهند جزیره تابع نفوذ سیاسی و نظامی آنها گردد .

طراحان استراتژی ناتونسیت به قبرس از روزی سیاست ضد کمونیستی در رپیش گرفته اند که جزیره (اگرچه نه بطور کامل) مستقل اعلام گردید . سیستم " استخدام " عمال ضد کمونیست از طریق سیا و سازمانهای نظیر آن ، از قبیل پ . گئورگاد زیس وزیر کشوره از مدتها پیش آماده و مشغول بکار شده است . او در رأس جریان تبلیغاتی گسترده ضد کمونیستی در جزیره بود و پرداخت مزد عمال خود را هم سیا به او واگذار کرد . برای این مقصود هم ، طبق اخبار موثق ماهانه ۶ هزار دلار اختصاص داده شد . آنچه برای ضد کمونیست در آتشه ای مانند پ . گئورگاد زیس تهیه بود مباحثه مطبوعاتی بود که او با مجله نیمه رسمی " آگون " در سال ۱۹۶۳ بعمل آورد و ضمن آن شدت به آکل حمله کرد و اظهار داشت که " میان یونانیان قبرس برای کمونیست ها جایی وجود ندارد " ، و تمام ملی گرایان " صاحب عقل سلیم " را به " هشیاری " فراخواند تا با جنبش کمونیستی و کارگری و از جمله آکل مقابله کنند .

سیاست ضد کمونیستی و ضد آکل امپریالیسم ، بویژه امپریالیسم امریکای غربت اساسی تیره روزی مردم قبرس است . بطور مثال ، انتشار " راهنمای " ویژه ارتش امریکاد در باره قبرس که وسیله آموزشی برای نظامیان در صورت پیاده کردن نیرو در قبرس است گواهنشهای سیطره جویانه ایالات متحد

امریکا نسبت به کشورها و خلق ما است .

حمله مسلحانه وحشیانه ارتش ترکیه به قبرس و ادامه اشغال ۳۷ درصد از اراضی جزیره
تحقق واقعی نقشه‌های امپریالیستی و خیانتی نفرت انگیز علیه جمهوری ما بود .

امپریالیسم امریکائی - ناتوی ، پس از این حمله مسلحانه هم به سیاست پیشین خود
علیه مردم قبرس ادامه می‌دهد . همانطور که چند ی پیش پنجمین پلنوم کمیته مرکزی و کمیته تفتیش مرکزی
حزب ما خاطر نشان ساختند ، " به تحریک ، رهبری و تحریر امپریالیست ها تلاشهای شدیدی به
عمل می‌آید و منظور ایجاد جبهه ضد کمونیستی و ضد آکل توطئه چینی میشود . . . " (۱) .

مانع اساسی بر سر راه تحقق نقشه‌های امپریالیستی در جزیره ما در واقع حزب مترقی خلق
زحمتکش قبرس است . بهمین سبب است که امپریالیسم در تلاش برای بستن قبرس به عراد و خویش
مطیع خود ساختن آن از لحاظ سیاسی ، تبدیل آن به " ناوهوا پیمان بر غرق نشدنی " و پایگاه علیه
رژیم‌های مترقی و جنبش آزاد ییخش در منطقه ، در سالهای اخیر تبلیغات ضد آکل خود را تشدید
کرد و می‌کوشد حزب ما را خفه کند و جنبش کمونیستی را بدنام سازد .

برغم تمام دشواریها ، آکل علیه استراتژی امپریالیسم بسرپرستی محافل حاکمه ایالات متحد
امریکا که هدف آن تابع منافع سرمایه انحصاری ساختن اقتصاد و سیاست کشورهای در حال رشد
است مبارزه میکند . ما همواره متوجه این هستیم که آنتی کمونیسم و آنتی سوویتیسیم سلاح های اصلی
است که ایدئولوژی های مترجع بورژوازی بوسیله آنها بطور مداوم علیه ما رگسیسم - لنینیسم و کشورهای
سوسیالیسم موجود و تکیه گاه صلح یعنی اتحاد شوروی مبارزه میکنند . حزب ما در تزارهای خود
همواره ضرورت مقابله با تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی و افشای دروغهای راکه اشاعه می‌دهد
خاطر نشان می‌سازد و بطور خستگی ناپذیر تاکید میکند که تبلیغ جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی
حفظ پاکیزگی ایدئولوژی ما و دفاع دلیرانه از آن در برابر هرگونه حمله و تحریف از راست و از " چپ "
حائز اهمیت است .

کمونیست ها که در نخستین صفوف مبارزان در راه صلح ، دموکراسی و ترقی اجتماعی گام
بر می‌دارند ، اینک از پشتیبانی هر چه گسترده تر توده های مردم برخوردار می‌گردند و با سر مشق قرار
گرفتن برای آنها ، آنان را با آرمانهای جاویدان مارکسیسم - لنینیسم جلب میکنند ، و این سهیم
عظیمی در امر آینده تمام جامعه بشری است .

اجلاسیه مشورتی دیران کمیته های مرکزی احزاب برادر کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی

در روزهای ۲۰ و ۲۱ مه سال ۱۹۸۵، طبق قرار کنفرانس اقتصادی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی در سطح عالی درباره تشدید کار جمعی احزاب برادر در عرصه تکامل همکاری و تبادل تجربه ساختمان اقتصادی، اجلاسیه مشورتی دیران کمیته های مرکزی احزاب کمونیست و کارگری عضو شورای تعاون اقتصادی ویژه مسائل اقتصادی در مسکو برگزار شد. در آن نمایندگان حزب کمونیست بلغارستان، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، حزب کمونیست ویتنام، حزب سوسیالیست متحد آلمان، حزب کمونیست کوبا، حزب انقلابی خلق مغولستان، حزب متحد کارگری لهستان، حزب کمونیست رومانی، حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست چکسلواکی شرکت جستند.

در این اجلاسیه مشورتی درباره کار احزاب در عرصه تحقق توافق هائی که در کنفرانس اقتصادی حاصل شده بود تبادل تجربه بعمل آمد. قید گردید که در تمام کشورهای برادر در ورنا های ترقی همه جانبه هر چه بیشتر و تکامل جامعه سوسیالیستی تا سال ۱۹۹۰ و حتی تا آخر قرن بیستم معین میشود. این کار بر پایه قرارهای کنگره های احزاب کمونیست و کارگری عضو شورای تعاون اقتصادی و یاد رنظر گرفتن جهات عمده استراتژی در راز مدت و پیشرفت اقتصادی و تعمیق همکاری متقابل که در کنفرانس مسکو مورد توافق قرار گرفت انجام میشود. شرکت کنندگان در اجلاسیه با توافق آراء اینطور اظهار عقیده کردند که تحقق پیگیر قرارهای کنفرانس اقتصادی عامل مهمی در پیشرفت هر چه بیشتر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و تحکیم وحدت و یکپارچگی آنهاست.

در مسائلی که برای طرفین جالب بود مذاکرات هم آهنگی سیاست اقتصادی تحقق مییابد. برنامه های دو جانبه همکاری اقتصادی و علمی - تکنیکی برای دوران تا سال ۲۰۰۰ تهیه و تصویب میشود. هم آهنگی برنامه های اقتصادی ملی ویژه پنج سال آینده در شرف اتمام است و موافقت نامه های عظیم چند جانبه بمنظور کوپراتیون نمودن تولید و بهره برداری مشترک از منابع طبیعی در دست تهیه است. توافق در زمینه همکاری در عرصه ماشین سازی، تولید انرژی و در رشته های مواد سوخت

و مواد خام از جمله آنهاست . همکاری اقتصادی و علمی و تکنیکی بمعنیه همگان نقش روزافزونی در افزایش تولید اجتماعی کسب میکند .

شرکت کنندگان در اجلاسیه مشورتی درباره دایره گسترده ای از مسائل مربوط به امر رهبری در افزایش شریخی اقتصاد سوسیالیستی از طرف حزب تبادل نظر کردند . در نتیجه تدابیری که ارگان های حزبی و دولتی اتخاذ میکنند بازدهی کار افزایش میابد ، هزینه تولید کاهش پیدا میکند و رکاهش حجم نیرو و مواد لازم در تولید اجتماعی هم موفقیت های معینی بدست آمد ماست . در همین حال بر ضرورت کوشش بیشترید بین منظور گرامر پیشرفت و افزایش دامنه اقتصاد های ملی ترقی محسوسی بدست آید تاکید شده است . فوریت و ابرام سیاسی این وظیفه از ضرورت تصریح در پیشرفت اجتماعی - اقتصادی کشورها براد روابط بین المللی کنونی ناشی میشود .

در نتیجه سیاست رویاروشی که محافل تجار و کارامریالیسم دنبال میکنند ، و خامت اوضاع بین المللی کاهش نییابد . آنها در تلاش بمنظور برهم زدن توازن نظامی که بدست آمده مسابقه تسلیحاتی را تشدید میکنند و میکوشند آنها بعرصه فضای کیهانی بکشاند و در ضمن کشورهای سوسیالیسم را از لحاظ اقتصادی تضعیف نمایند . محافل حاکمه ایالات متحده امریکا میکوشند از روابط اقتصادی بین المللی هم با دامنه اقداماتی مانند محدود ساختن بازرگانی ، اعتبارات و تکنولوژی و اعمال فشار مستقیم ، تحریم و " مجازات " ، در جهت هدفهای سیاسی خویش بهره برداری کنند . این سیاست تجار و کارانه امریالیسم در عرصه اقتصاد ی علیه کشورهای هم مورد استفاده قرار میگیرد که در راه آزادی ملی خود مبارزه میکنند (مانند نیکاراگوئه که علیه آن محاصره اقتصادی را بکار بستند) .

کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی که با ورپیگرازمشی حفظ و تحکیم صلح ، احیای پروسه کاهش تنش و گسترش دامنه همکاری اقتصادی با حقوق برابر و سود متقابل با تمام کشورهای ذینفع پیروی میکنند در عین تحکیم وحدت و همکاری خود در آینده هم تمام " ابریل " را برای دفاع از منافع حیاتی خویش و استحکام هر چه بیشتر استقلال تکنیکی - اقتصادی اتخاذ خواهند کرد . در ضمن آنها با قاطعیت کامل در آینده نیز برای پایان بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی ، جلوگیری از کشاندن آن به فضای کیهانی و خلع سلاح (در درجه اول سلاح هسته ای) اقدام نموده و در راه امنیت و همکاری بین المللی مبارزه خواهند کرد .

با در نظر گرفتن اینکه حلقه اصلی استراتژی اقتصادی کنونی کشورهای براد عبارت از تصریح در ترقی علمی - تکنیکی است ، شرکت کنندگان در اجلاسیه به اهمیت تهیه و تدوین کنکسیون برنامه جامع ترقی علمی - تکنیکی تا سال . . . ۲ توجه ویژه ای مبذول داشتند . کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی هر آنچه را که لازم است برای رسیدن به مراحل پیشرفته ترقی علمی - تکنیکی

در اختیار دارند. آنها برای تعمیم هرچه سریع تر و سرمایه‌بخش تر دست آورد های علوم و تولید بطور همه‌جانبه خواهند کوشید. بدین منظور کارها هنگ درجه‌های که اولویت دارند، مانند تعمیم الکترونیک، اتوماتیزاسیون کامل و جامع، تولید انرژی اتمی، تهیه مواد جدید و تکنولوژی و بیوتکنولوژی آغاز گردیده است. مشی که اتخاذ میشود در جهت وین موافقت نامه های جامعی در این جهات برای همکاری است که بر تقسیم کار بین المللی سوسیالیستی مبتنی باشد و تمام دوره از پژوهش و بررسی تا تولید و بهره برداری را در برگیرد.

شرکت کنندگان در اجلاس به نظر موافق خود را در باره تسریع در تهیه برنامه‌ها میبرد و شده و تهیه و تنظیم موافقت نامه های مشخص برای انجام آن و در باره بذل توجه بیشتر و کنترل از طرف کمیته های مرکزی احزاب برادر در جریان این اقدامات ابراز داشتند.

همه بر این عقیده بودند که برای نوسازی سریع و مداوم تولیدی که در جریان است باید برای پیشرفت ماشین سازی و تعمیم کسب تخصص و همکاری در این رشته و برای تولید ماشین و آلات و ابزار با کیفیت عالی و در سطح تکنیک جهانی و بویژه کار و نیروی بیشتری مصرف شود. کمیته شورای تعاون اقتصادی و بویژه همکاری در رشته ماشین سازی که چندی پیش بوجود آورده شده در ارتباط با این موضوع موظف است نقش بزرگی ایفاء کند.

شرکت کنندگان در اجلاس به در باره اشکال و شیوه های تأثیر از طریق حزب در استفاده معقول از تمام انواع منابع مادی، بالا بردن میزان بهره گیری از ذخایر و سرمایه گذاری و تکمیل ساختار اقتصاد ملی تبادل نظر بعمل آوردند. در تمام کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی مجموعه تدابیری به منظور تشدید صرفه جویی در سوخت، انرژی و مواد خام و همچنین افزایش بازدهی کار بمنزله شرط لازم برای افزایش تولید اتخاذ میشود. بدین مناسبت در باره ضرورت تشدید کسار کلکتیو در تمام جهات افزایش سرمایه‌بخشی اقتصادی بحث و مذاکره بعمل آمد.

نمایندگان احزاب برادر یگرا اعلام میکنند که کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی ادامه کمه به جمهوری سوسیالیستی ویتنام، جمهوری کوبا و جمهوری خلق مغولستان بر پایه عادلانه موجود را برای افزایش سرمایه‌بخشی اقتصادی ملی آنها، با توجه به وظائف صنعتی کردن سوسیالیستی که این کشورها در برابر خود دارند و کمه به اشتراک گسترده تر و سرمایه‌بخش تر آنها در تقسیم کار بین المللی سوسیالیستی، وظیفه بین المللی (انترناسیونال) خود بشمار می‌آورند. همکاری در این رشته ها میباید پروسه برابر سازی در سطح پیشرفت اقتصادی جمهوری سوسیالیستی ویتنام، جمهوری کوبا و جمهوری خلق مغولستان با سطح کشورهای اروپائی عضو شورای تعاون اقتصادی را تسریع کند.

تشکیل دیدار منظم در بهران کمیته های مرکزی احزاب برادر برای بررسی مسائل اقتصادی در آینده هدفمند ارزشیابی شد.

اجلاس به در محیط همکاری رفیقانه با کار بری و تفاهت قابل بر گزار گردید.

انتخابات و وضع سیاسی در هندوستان

نارایاناکالیاناکریشنان

عضو کمیته اجرائیه مرکزی و دبیر شورای
ملی حزب کمونیست هندوستان

انتخابات همگانی و سراسری که در پایان سال گذشته در هندوستان برگزار شد، پیروزی
عظیمی برای حزب کنگره ملی هندوستان که حزب حاکم است به همراه داشت. این حزب بیش از
۴۹ درصد مجموع آراء و تقریباً ۸۰ درصد کرسی‌های در مجلس عوام (لوک سابها) را بدست آورد.
از ۵۰۸ کرسی که به نمایندگان منتخب تعلق دارد، کنگره ملی هندوستان ۱۰۴ کرسی را بدست
آورد (۱) .

هم بهاراتیا جاناتا حزب ارتجاعی مذهبی - سکتاریستی و هم سایر احزاب بورژوازی -
اپوزیسیون بسختی شکست خوردند. اما ارتداد نمایندگان نیروهای چپ و از جمله حزب
کمونیست هندوستان و حزب کمونیست (مارکسیست) هندوستان هم در لوک سابها کاسته شد.
این سؤال پیش می‌آید که علت این موفقیت بی‌مابقیه حزب کنگره ملی هندوستان چیست ؟
قتل جنایتکارانه ایندیرا گاندی نخست وزیر تغییرشده و ناگهانی اوضاع را بدنبال داشت.
سراسری و سیاسی در کشور تغییر کرد. اما، خود قتل هم در پی رویداد های بسیار جدی و فاجعه آمیز
در ایالت پنجاب بوقوع پیوست. طی چندین ماه در آنجا درود مته های تروریست بنیادگرایان
سیک و افراطیون بهیندلان و الهه حاکم بودند و به جنایتی پس از جنایت دیگر دست میزدند.
تمام اینها همزمان با افزایش فعالیت تجزیه طلبانه باصطلاح " دولت خالیستان " که در ایالات
متحد آمریکا و انگلستان استقرار یافته صورت می‌گرفت. نمایندگان آن با استفاده از وسائل ارتباط

۱ - در مجلس عوام در پیرومرفته ۴۴ کرسی وجود دارد. ولی بحالت وضع نابسامان ایالات پنجاب
و آسام در آنجا هم مانند یک سلسله از حوزه‌های انتخاباتی دیگر، انتخاب انجام نشد. بدین ترتیب
در مجموع از تعداد کرسی‌هایی که برای اشغال آنها مبارزه انتخاباتی جریان داشت کاسته شد.

جمعی امپریالیستی در برنامه ای که از بی بی سی پخش میشد آشکارا مرد مرابه اعمال زور فرامیخواندند - اطلاعات موثقی که در دست است بر این گواهی میدهد که با اطلاع و توافق دیکتاتوری نظامی پاکستان تروریست های پنجابی در اراضی این کشور تعلیمات میدیدند . در توطئه برای بی ثبات کردن اوضاع در هند، سیاه هم میفکند . گسترده ای دست داشت . دولت هند وستان در وضعی که پدید آمده بود ناگزیر شد در پنجاب برای انجام عملیات موسوم به " عملیات ستاره آبی " از ارتش کمک بگیرد . ارتش تجزیه طلبان - تروریست را در سرسرایالت سرکوب کرد و از جمله کسانی را که در معبد زرین آهریتسار پنهان شده بودند تارومار ساخت . در جریان این عملیات یک انبار بزرگ اسلحه ، از ملاحهای مدرن و از جمله ساخت خارجه کشف شد . درست پس از این عملیات نظامی بود که رهبران خالیستان آشکارا طرفداران خود را به انجام سوء قصد علیه اعضا و رئیس دولت هند وستان فراخواندند ، در ضمن شخصیت های میانه رو حزب آکالی دال سیک ها حتی اندیشه در وری جستن از افراطیون را هم بخود راه نمیدادند و مفکر محکوم ساختن خشونت بی معنی هم که تروریست ها بدان دست میزدند نبودند .

قتل ایندیرا گاندی نقطه اوج رویداد هائی بود که شرح دادیم . این اقدام چشم و گوش تود هارا گشود و آنها را متوجه خطری کرد که وحدت و امنیت هند وستان را تهدید میکرد . نقشه های امپریالیستی برای بی ثبات کردن هند وستان ، زد و بند امپریالیسم با ارتجاع داخلی و محافل تجزیه طلب با خط و ط کمالاً مشخص و آشکاری نمود و روشن تر از آن بود که مورد توجه مردم هند وستان واقع نشود . این واقعیت هم خود شاهد گویائی است که تقریباً در هفته پیش از انتخاب همگانی مضمون گزارشی که در ایالات متحده امریکا انتشار یافت فاش گردید و در آن گزارش بطور همه جانبه وضعی ترسیم شده بود که میتواند در صورت برکناری ناگهانی ایندیرا گاندی از صحنه سیاسی در هند وستان بوجود آید . مطبوعات چپ گرامعنی و مفهوم این گزارش را فاش و برملا کردند . نقش امپریالیسم و سیاه شریک جرم در قتل نخست وزیر میباشند در پس این فاکت و فاکت های دیگر بروشنی دیده میشود .

علاوه بر این باید تأکید کرد که رویداد هائی که در بالا شرح آنها گذشت در زمینه افزایش کمک نظامی گسترده ایالات متحده امریکا به ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان ، کوشش های تازه بمنظور محاصره هند وستان از جانب امپریالیسم امریکا از راه مهلت آریزه کردن اقیانوس هند و پشتیبانی آشکار از رژیم های ارتجاعی و نظامی دشمن با هند وستان و در هم سایگی کشورها صورت میگرفت . همه این شرایط احساس برکناری کمالاً درک شده ای را در مردم در برابر خطرات روز افزون داخلی و خارجی که جمهوری را تهدید میکردند برانگیخت .

طبیعی است ، در وضعی که پیش آمده بود مسئله عمده برای مردم هند وستان تحکیم وحدت ، تمامیت ارضی و امنیت میهن بود . همانطور که انتظار میرفت این مسئله به عامل سیاسی مرکزی بهنگام انتخابات همگانی و سراسری برای پارلمان مبدل شد . در ارتباط با این موضوع هم این سؤال مطرح شد که برای دفاع از وحدت ، تمامیت ارضی و امنیت هند وستان در شرایط کنونی بکدام حزب میتوان تکیه کرد ؟ بعلمت فقدان آلترناتیو (راه دیگر) مؤثر ملی چپ در موکراتیک مردم چنین نیروئی را در کنگره ملی هند وستان سراغ گرفتند . بدین ترتیب افکار عمومی در کشور بسود آن تغییر کرد . فعالیت جدی ، شدید و گسترده رهبری کنگره ملی هند وستان و نخست وزیر را جیوگانندی که میکوشیدند نشان دهند فقط حزب آنها میتواند وحدت و امنیت هند وستان را تأمین کند تأثیر فراوانی در اندیشه و آراء انتخابات کنندگان داشت . در گزارش شورای ملی حزب کمونیست هند وستان در باره نتایج انتخابات گفته شده است : " . . . علاقه به وحدت و امنیت کشور در تغییر عقیده همگان ، ننگام انتخابات ماه دسامبر رلوک سابهات تأثیر زیادی داشت . " موج همدردی " هم مقدم بر همه در میان زنان رای دهنده بوجود آمد " . در واقع هم ، قشرهای انبوهی از مردم از قسطل چنایتکارانه نخست وزیر عمیقاً منزع شده بودند .

نیروهای اپوزیسیون بورژوازی طبق معمول نتوانستند به علل نگرانی عمیق مردم پی ببرند . عمدترین آنها مانند بهاراتیا جاناتا ، دالیت مازدور کیسان و حزب جاناتا که نتوانستند صورت واحدی از نمایندگان ارائه دهند و یا کار پایه سیاسی موزونی بمنزله آلترناتیو عرضه کنند علیه یکدیگر مبارزه میکردند و به خطری که از جانب امپریالیسم کشور را تهدید میکرد پی اعتنائی میکردند ، آنها نسبت به اضطراب و نگرانی مردم بی تفاوت بودند . برخی از عناصر طرفدار امپریالیست ها در احزاب راستگرا حتی در سخنرانی های انتخاباتی خود گستاخانه اعلام داشتند که برای وحدت و امنیت کشور هیچ خطری وجود ندارد و آنچه در این مورد گفته میشود فقط مکر و حیله ایست که حزب کنگره ملی هند وستان اختراع کرده است . بدیهی است نمیشد انتظار داشت که مردم به این قبیل شخصیت ها اعتماد خواهند کرد و وظیفه تشکیل دولت را به آنها واگذار میکنند . بهمین سبب فراخوان آنها به ایجاد کابینه ائتلافی در مرکز نمیتوانست از پشتیبانی توده ها برخوردار گردد . از قرار معلوم حتی پس از شکست در انتخابات هم ، بسیاری از احزاب اپوزیسیون بورژوازی نتوانستند ماهیت این لحظه کلیدی مبارزات انتخاباتی را درک کنند و علت پیروزی بزرگ حزب حاکم را بطور عمد در استفاده از شیوه های غیردموکراتیک از سوی آن میدانستند .

در این نهایت تردیدی داشت که حزب کنگره ملی هند وستان در جریان مبارزات انتخاباتی فعالانه از وسائل ارتباط جمعی و دستگاه دولتی بسود خود استفاده میکرد و در ایالاتی مانند

بیمار و اتار - پراد ش از زد و بند های گوناگون بطور گسترده و از " قدرت پول " بهره برداری میشد . کمونیست ها و اپوزیسیون دموکراتیک باید بطور جدی در این مسئله غور و تأمل کنند که برای از بین بردن چنین خطری بمنظور تحقق پروسه دموکراتیک انتخاباتی چه باید کرد . حزب کمونیست هند وستان یکبار دیگر خواستار انجام اصلاحات بنیادی در سیستم انتخابات و مقرر ساختن معیارها برای تناسب تعداد نمایندگان گردید . زیرا سیستم انتخاباتی موجود که تقلیدی از سیستم انتخاباتی بریتانیا است در واقع نابرابری را تثبیت میکند . به این واقعیت میتوان حداقل از اینجا پی برد که حزب کنگره ملی هند وستان که در انتخابات اخیر رخدود ۹۴ درصد آراء را بدست آورد در مجلس عوام ۸۰ درصد کرسی ها را بخود اختصاص داده است . در عین حال این رانیز نمیتوان انکار کرد که پیروزی حزب حاکم رانیتوان فقط با حیل و ونیرنگ های ماقبل انتخاباتی که يك مسئله فرعی است تشریح نمود .

درباره مبارزات انتخاباتی حزب ما و حزب کمونیست (مارکسیستی) هند وستان باید گفت در جریان آن توجه ویژه به خطری معطوف شده بود که توطئه امپریالیستی بی ثبات ساختن ، برای وحدت ، تمامیت ارضی و امنیت میهن در بردارد . ما به نقض تخریبی امپریالیست های ایالات متحده امریکا و آسیا در رویداد های پنجاب ، آسام و شمال و شمال شرقی هند وستان و همچنین به پیدایش وضعی اشاره میکردیم که به قتل ایندیرا گاندی منجر گردید . این نیز حقیقتی است که در نتیجه تبلیغات گسترده و فراوانی که مواضع نیروهای چپ را تحریف میکردند صدای ما همیشه بگوش توده ها نمی رسید . این راه باید در نظر داشت که نیروهای چپ نامزد های انتخاباتی خود را بمقیاس کشور فقط برای ۱۳۵ کرسی نمایندگی معرفی کردند و بهمین سبب برای مردم آلترناتیو چپ دموکراتیک مؤثری موجود نبود . در چنین شرایطی بود که تغییر افکار عمومی بمسود حزب کنگره ملی هند وستان در نتایج انتخابات در نقاطی هم تأثیر کرد که بطور سنتی در آنها نفوذ کمونیست ها بیشتر است .

پیروزی چشمگیر حزب کنگره ملی هند وستان برای بسیاری از شخصیت های سیاسی کشور ، هم برای آنها نیکه به حزب حاکم تعلق دارند و هم کسانی که در اپوزیسیون میباشند غیر مترقبه بود . در آستانه انتخابات یکی از وزرای دولت ایندیرا گاندی شک و تردید خود را درباره اینکه حزب بتواند اکثریت آراء را بدست آورد اشکارا بیان داشت . برای این اظهار نظر دلیل و برهان کافی وجود داشت . طی دو سال ، تا اواسط سال گذشته ، گرایش هایی تکامل می یافت که نشان دهنده کاهش زمینه سیاسی حزب کنگره ملی بود . در جریان انتخابات برای مجمع قانونگذاری تعدادی از ایالات (سالهای ۸۳-۱۹۸۲) این حزب قادر نبود اکثریت را بدست آورد و در آن ایالات دولت هائی تشکیل شد که از حزب کنگره نبود و حزب کنگره ملی بهمین شکل در چند انتخابات میان دوره ای هم

باشکست مواجه شد . تلاش برای برکنار ساختن این دولتها یکمک استاندارانی که از مرکز فرستاده میشدند بنویه خود نقض خشونت آمیز موازین دموکراتیک پارلمانی بود و با اعتراضات گسترده ای روبرو میشد . بطور مثال در پی عزل ن.ت. و امارا قووزیر اول ایالت آند هرا - پرادش ، در آن ایالت و در نقاط دیگر جنبش توده ای علیه این اقدام بپاگردد و مرکز را مجبور کرد او را بمقام خود بازگردانده طی دو سال گذشته مبارزات پراگنده و یکپارچه طبقه کارگر بموقع پیوست و در برخی از آنها کنگره ملی سندیکا های هند وستان هم که رهبری آن با کنگره ملی هند وستان است شرکت جست .

از جمله آنها اعتصاب سراسری کارگران بنادر ، اعتصاب کارگران نیروگاه های برق در بسیاری از ایالات ، اعتراضات کارگران معادن نغال سنگ بمعی و غیره رامیتوان نام برد . مبارزه زحمتکشان گسواه نومیدی معین از سیاست محافظ حاکمه حتی بین کارگرانی بود که بر رهبری کنگره ملی سندیکا های هند وستان فعالیت میکردند . به نارضایتی در روستاها هم بین دهقانان و هم پرولتاریای کشاورزی و مستعدان روستاها افزوده میشد . اگر چه طی چند سال اخیر محصولات کشاورزی خوب و فراوان بود ، روستائیان از یائین بودن بهای فرآورده های کشاورزی در رنج بودند . تورم بشکل لجام گسیخته ای افزایش می یافت و بیکاری تشدید میشد و سطح زندگی تنزل میکرد . در واقع همین عوامل هم در مجموع علت کاهش تدریجی نفوذ و اعتبار کنگره ملی هند وستان بودند .

با توجه به زمینه اجتماعی - اقتصادی انتخابات مجلس عوام که نزدیک میشد این امکان را کاملاً نفی نمیکردند که حزب حاکم موفق به بدست آوردن اکثریت مطلق نگردد . حزب بهاراتا جاناتا و سایر نیروهای بورژوازی دست اندر کار سرهم بندی کردن آلیانس گسترده ای از احزاب اپوزیسیون غیر کمونیستی و غیر کنگره بودند که آلترناتیوی در مقابل حزب کنگره ملی باشد . ولی حزب کمونیست هند وستان با روشنی کامل اعلام میداشت که مسائل اساسی را که در برابر هند وستان قرار دارند نمیتوان از راه تعویض دولت حزب کنگره یا کابینه ای با اشتراک ترکیب تازه ای از احزاب بورژوازی حل کرد که در یک سلسله از مسائل میتواند حتی از مشی ارتجاعی و عقبمانده تری پیروی کند . ما با اعتقاد به اینکه در شرایط موجود آلترناتیو چپ دموکراتیک ضرورت مبرمی مبدل شده به موضعگیری خود وفادار بودیم . حزب کمونیست هند وستان اساس های مشی سیاسی را اعلام کرد که در سیاست آلترناتیو میتواند آنها را رهنمود خود قرار دهد . حزب پیکار جددی را علیه اندیشه باصطلاح وحدت سراسری و همه گیر اپوزیسیون آغاز کرد و علیه احزاب و عناصر ارتجاعی و طرفدارا مپریالیسم مبارزه میکرد .

حزب ما و حزب کمونیست (مارکسیستی) هند وستان در چندین بار احزاب اپوزیسیون که در کشور آنها " جلسات اپوزیسیون " می نامند شرکت کردند . طی دو سال اخیر چهار جلسه در شهرهای دهلی ، وینچایا و اداسریناها روکلکته تشکیل گردید . بسیاری از احزاب اپوزیسیون

بورژوازی با استفاده از این دیدارها، میکوشند بلوک مشترک اپوزیسیون تشکیل دهند. ولی مابطور پیگیر مخالف این هستند که این قبیل مجامع برای چنین اهدافی مورد استفاده قرار گیرند. ما میکوشیم حزب بهاراتیا جاناتای طرفدار امریالیست‌ها را منفر سازیم و در این قبیل اجلاسها راه‌های دموکراتیک برخی از مسائل گرهی را که هندوستان با آنها روبرو است ارائه دهیم. حزب ما در این زمینه‌ها با حزب کمونیستی (مارکسیستی) هندوستان همکاری میکند. در این مورد موفقیت‌محصنی بدست آمد که حزب بهاراتیا جاناتا به این قبیل مجامع راه داده نشود و برای حل و فصل یک سلسله از مسائل به راه حل مشترکی رسیدیم که از آنجمله است مسئله پنجاب و روابط دولت مرکزی با ایالات.

کمونیست‌ها با این قبیل اقدامات میکوشیدند با آن بخشی از اهالی ارتباط برقرار کنند که هنوز بد نبال احزاب اپوزیسیون است تا حرکات آنها به مسیر دموکراتیک افکنند و تلاشهای اپوزیسیون بورژوازی را بمنظور سرهم بندی کردن و وحدت همه گیر نیروهای اپوزیسیون بمنزله آلترناتیو حزب کنگره ملی هندوستان عقیم سازند. در آستانه انتخابات چنین کوششهایی از جانب وزیر اول ایالات آندھرا- پرادش بعمل آمد. حزب کمونیست هندوستان و حزب کمونیستی (مارکسیستی) هندوستان آشکارا با این فکرمخالفت کردند و آنها مجبور شدند آنها را کنار بگذارند. تاکتیک ما در انتخابات راهم رهنمودهای دقیقی که حزب تهیه کرده بود معین میکردند. شورای ملی حزب کمونیست هندوستان بر این عقیده بود که اگرچه دولت حزب کنگره باید تعویض گردد تا بدین ترتیب راه را برای حل مسائل حاد کشور بگشاید، نمونه‌گذاری آلترناتیو بورژوازی سالهای ۱۹۷۷ بدین امر منجر نخواهد شد. بر طبق همین هم حزب در دوران انتخابات با سایر شعاردولت آلترناتیو در مرکز را بمنزله شعاری تحقق ناپذیر رد کرد.

حزب کمونیست هندوستان، در شرایطی که پدید آمده بود، مساعی خود را در راه بدست آوردن کرسی‌های هرچه بیشتری برای خود (و همچنین برای دیگر محافل چپ و دموکراتیک) در پارلمان متمرکز ساخت. حزب بمنظور کاستن از تعداد نمایندگان حزب کنگره ملی هندوستان در پارلمان در این حال این هدف را نیز تعقیب میکرد که برای شکست دادن حزب بهاراتیا جاناتا و ارتجاع راستگرا هم فعالیت کند. در چهارچوب چنین برخوردی شورای ملی تصمیم گرفت که حزب کمونیست هندوستان به هیچ جبهه‌ای که به شکلی از اشکال بتواند استقلال سیاسی آنرا محدود سازد نخواهد پیوست و از آن پشتیبانی نخواهد کرد.

ما فقط موفق شدیم در بنگال غربی، تریپورا و کرالا اتحادهای معینی پیش از انتخابات برقرار سازیم. یک سلسله توافقی‌هایی هم بر سر نامزدی‌های انتخاباتی در ایالات آندھرا- پرادش،

تامیلاند، کارائاکا و ماها را شاترا وجود داشت. ولی، در مورد ایالاتی که بیزان هندی سخن میگویند باید گفت در آنجا حزب در واقع يك تنه و بدون اتکا به اتحاد های انتخاباتی مبارزه میکرد. در فعالیت های انتخاباتی، ما توجه خود را به افشای امپریالیسم و ارتجاع داخلی و انتقاد از جهات ارتجاعی سیاست محافل حاکمه معطوف داشتیم و ضرورت تقویت گروه چپ در موکراتیسک در لوك ساپهارا مورد تأیید قرار دادیم. ولی ضمن ارزیابی مبارزات انتخاباتی شورای ملی به راه و رسم انتقاد از خود یاد آور شد که در آن "نواقصی وجود داشت، چون ما همیشه سرعت عمل نداشتیم، از جمله برای در وی گرفتن از ارتجاعی ترین نظریات و اقداماتی که در برخی از موارد از طرف بعضی از احزاب اپوزیسیون چشم میخورد و لازم بود که بهنگام ضرورت بشدت آنها را مورد انتقاد قرار دهیم". اگر حزب کنگره ملی هند و ستان بمقیاس سراسر کشور پیروزی عظیمی بدست آورد، در این جریان استثنا هائی هم وجود داشت که تجربه آنند هرا - پرادش، جامو، کشمیر و سیکیم بر آن گواهی میدهد. اگر چه اهالی این ایالات هم نگران امنیت و وحدت کشور بودند، انزجار و نارضایتی شدید آنها از اقدامات ضد دموکراتیک دولت مرکزی که در ولت های محلی را برکنار کرده بود بسیار محسوس بود. نتیجه انتخابات در آن ایالات خلاف سایر نقاط کشور بود و به شکست حزب کنگره ملی هند و ستان انجامید.

يك نتیجه مثبت انتخابات این است که نیروهای ارتجاعی و قهرقراضی در آن باشکست سختی رو بردند. ولی هم اکنون هم نباید زمینمتهود ه ای سازمان های ارتجاعی مانند بهار اتیا جاناتا - پرادش را از نظر برداشت، زیرا این حزب ۷ درصد آراء را بدست آورد و تقریباً در ۱۰۰ ناحیه انتخاباتی که نامزد های خود را معرفی کرده بود در ردیف دوم قرار داشت. ولی امید آنها به سرهم بندی کردن بلوك آلترناتیو با سمتگیری بر راست باشکست مواجه شد.

به نیروهای چپ هم در انتخابات زیانهای معینی وارد شد. تعداد نمایندگان حزب کمونیست در مجلس عوام از ۱۳ نماینده به ۶ نفر تقلیل یافت و حزب کمونیست (مارکسیستی) هند و ستان هم بجای ۳۶ نماینده به ۲۲ نماینده قناعت کرد. این درست است که در مقامیسه با سال ۱۹۸۰ تعداد مطلق آرائی که به حزب کمونیست هند و ستان و حزب کمونیست (مارکسیستی) هند و ستان داده شد افزایش یافت؛ در انتخابات اخیر پیش از ۲ میلیون نفر از انتخاب کنندگان آراء خود را به این دو حزب دادند. اما، اگر افزایش کلی تعداد رأی دهندگان و نتایج چشمگیر رأی گیری بسمود حزب کنگره ملی هند و ستان را در نظر بگیریم، این فاکت نمیتواند اینقدر رها مهم جلوه کند. با احتمال قوی، عدم موفقیتی که در مناطق سنتی و تکیه گاههای انتخاباتی چپ ها پدید آمده (ایالت بنگال غربی و کراالا) نیازمند اندیشه و تامل جدی است. در بنگال غربی فقط نواحی

انتخاباتی روستایی توانستند در برابر موج نیرومند حزب کنگره ملی مقاومت کنند . در یک سلسله از بخش های انتخاباتی کلکته و در مناطقی که طبقه کارگر شهری زندگی میکند جبهه چپ بنگال غربی در برابر کنگره ملی شکست خورد . جبهه دموکراتیک چپ کرا لا فقط توانست ۳ کرسی از ۲۰ کرسی نمایندگی را تصاحب کند . هم حزب ما و هم حزب کمونیست (مارکسیستی) هند وستان این نتایج و عوامل ذهنی و عینی را که موجب عدم موفقیت نیروهای چپ گردید بشمیه انتقاد از خود مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند و در رس های لازم را از آن میگیرند .

پیروزی عظیم حزب کنگره ملی هند وستان شعار آلترناتیو چپ دموکراتیک را خارج نمیکند . زیرا عللی که باعث پیدایش آن شدند هنوز وجود دارند . از جمله این علل مقدم بر هر چیزی باید بحران راه رشد سرمایه داری وین آمد های ناشی از آنرا در نظر گرفت . فقط آلترناتیو چپ دموکراتیک میتواند راه خروج از بحران را ببرد نشان دهد . حزب ما بهمین سبب تحکیم وحدت تمام نیروهای چپ و مقدم بر همه وحدت عمل حزب کمونیست هند وستان و حزب کمونیست (مارکسیستی) هند وستان را ضرور میداند . برغم وجود ناکامی و دشواریهای گاه در مناسبات میان د حزب پدید میآید (آنها حتی بهنگام انتخابات هم بروز کردند) ، هر سه نزدیک در زمینه اقدامات مشترک و در حزب چند سال است ، اگرچه نه بصورت ، ولی با ثبات و پیگیری به پیش میروند . بعقیده ما این پیروسی یکپارچگی هر دو حزب و نیروهای چپ بطور کلی را باید درآینده نیز گسترش داد تا ما بتوانیم بطور ضرر بخشی در رویداد های سیاسی مؤثر واقع شده ، از منافع حیاتی مردم دفاع کنیم و وحدت و امنیست کشور را در برابر توطئه های امپریالیسم و گروه بندیهای تفرقه افکنانه داخلی تأمین نمائیم .

این سؤال پیش میآید که نظر حزب ما نسبت به دولت نخست وزیر را جیو گاندی چیست ؟

ما واقف بر این هستیم که این دولت با پشتیبانی وزیر مردم روی کار آمده است . مردم به این دولت امید فراوان بسته اند ، تصور میکنند محافل حاکمه گامیهای در جهت کاهش رنج و غمناک مردم بر میدارند و سطح زندگی آنها را بالا میبرند . مسائل بزرگ و خادی در انتظار یافتن راه حل خود هستند و پنجاب و آسام و روابط متقابل مرکز و ایالات و مانند اینها . حالا ، پس از انتخابات دولت هم ارج و اعتبار و هم امکان برای پرداختن به این مسائل را ندارد . بهمان نسبت که دولت به این مسائل توجه کند گامیهای که بر میدارد مورد پشتیبانی حزب کمونیست هند وستان خواهد بود . بنوبه خود ما هم پیشنهاد استیضاح و سازنده ویژه خود را ارائه نمود و مردم را برای تحقق آنها بسیج میکنیم .

اظهارات را جیو گاندی که ضمن آن تأکید میشد دولت مصمم است بطور استوار از سیاست خارجی صلح ، عدم تمسک و دوستی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی پیروی کند و در راه

جلوگیری از جنگ هسته ای مبارزه نماید صورت استقبال مردم قرار گرفت . بعقیده حزب ما ، مسائل مهم حیاتی مانند وحدت و تمامیت ارضی میهن ، مقابله با خطر تجاوز از خارج و اشتراك در مبارزه در راه حفظ صلح در سراسر جهان مورد توجه تمام نیروهای میهن پرست ، ضد امپریالیست و دموکراتیک کشور ، از جمله آنهاست است که در حزب کنگره ملی شرکت دارند . بدین سبب ما در راه دست یافتن به توافق در باره این مسائل میان تمام این نیروها کوشش خواهیم کرد . هراتکار سیاسی و هر عمل مثبت دولت در عرصه ای چنین مهم و حیاتی مورد یاری و پشتیبانی ما قرار خواهد گرفت . حزب کمونیست هند وستان برای تشدید فعالیت خود و ها نیز تلاش خواهد کرد تا این قبیل گامهای مثبت برداشته شود و مردم در تحقق آنها شرکت کنند .

بهمین ترتیب ما میخواهیم بهنگام ضرورت مداخله مردم بمنظور مقابله با بی ثباتی ، تسامح و تسلل و عقب نشینی در برابر مسائلی که در بالا یاد آور شدیم به توده ها ارتکاب کنیم . حزب در اینجا برای همکاری دایره گسترده ای از محافل سیاسی و اجتماعی و از جمله نیروهای عظیم درون خود حزب کنگره ملی هم امکاناتی را فراهم می بیند ، ما در جستجوی تمام امکانات برای برقراری چنین همکاری خواهیم بود .

ولی ، نفی و انکار این واقعیت در شورا است که عضلات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی که زائیده راه رشد سرمایه داری در هند وستان است به حدت خود باقی است و از قرار معلوم در آینده شدت بیشتری خواهند یافت . حزب کمونیست هند وستان با توجه به زمینه کلی این وضع نقش اهری میمون چپ را ایفا خواهد کرد ، به مخالفت با هرگونه سیاست ضد خلقی و ضد دموکراتیک دولت که بسود نیروهای آرمند بورژوازی باشد ادامه خواهد داد و وسیع توده ها را برای جلب پشتیبانی آنها در مبارزه در مقابل ترنات و ضد انحصاری و دموکراتیک در نهال خواهد کرد .

نتایج انتخابات بار دیگر نشان داد که تقویت استقلال حزب ما ، تشدید فعالیت سیاسی آن و کار در میان توده ها تا چه اندازه ضرور است . ما بمنظور افزایش فعالیت سیاسی توده ها توجه ویژه ای به تحکیم زمینه موجود حزب کمونیست هند وستان از لحاظ سیاسی وایدئولوژیک میندول میداریم . همچنین میکوشیم نواحی تازه ای را با اقطار دیگری از اهالی زیر پوشش فعالیت خود در آوریم تا آنها در رسمای حزب کمونیست هند وستان در مقایسه با گروه بندیهای گوناگون بورژوازی آلترناتیو واقعی رابیا بند . حزب کمونیست با پیروی از این مشی مصمم است کار در میان توده های مردم را بسا شدت بیشتری افزایش دهد ، مبارزه در راه تسهیل شرایط زندگی توده ها را رهبری کند و در بالا بردن آگاهی طبقاتی آنها توفیق حاصل نماید . حزب کمونیست هند وستان تبلیغ و تثبیت نظریات خود در باره تمام مسائل زندگی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی و تعرض ایدئولوژیک و سیاسی علیه مواضع

واقدمات احزاب و محافل ارتجاعی ، سکتاریستی و طرفدارانه پهلویسم و افوق العاده مهم بشمار میآورد . حزب توده خود را روی گسترش و تحکیم سازمان های توده ای و جلب طبقه کارگر و دهقانان زنان و جوانان به ایدئولوژی خود متمرکز خواهد کرد .

حزب برای دادن سمت درست به مجموعه فعالیت های ما برنامه آئین نامه ای مانند مشخص اجتماعی - اقتصادی بدست خواهد داد که حل کننده مسائل مهم حیاتی های است کسسه بحران راه رشد سرمایه داری بوجود آورده است . ما در امتیاز و تدوین چنین برنامه مشخصی همکاری با حزب کمونیست (مارکسیستی) هندوستان و سایر احزاب چپ را هم در نظر میگیریم . حزب کمونیست با اتکا به آن برای دست یافتن به وحدت نیروهای چپ فعالیت خواهد کرد ، زیرا چنین وحدتی بمنزله هسته متحد کننده برای تمام نیروهای دموکراتیک خواهد بود . در گزارش شورای ملی در باره نتایج انتخابات گفته میشود فقط ایجاد اختلاف چپ نیرومند و یکپارچه ای کسسه سمت دهند جنبش توده ای سراسر کشور است میتواند راه را برای پیدایش آئین نامه ای دموکراتیک چپ بگشاید . این جنبش توده ای سراسری کشور خواستهای اقتصادی - اجتماعی و همچنین خواستهای سیاسی مانند دفاع از نهادهای دموکراتیک ، وحدت ملی و امنیت در برنامه خود دارد .

بقیه از صفحه ۱۲

ولی مردم تهران میهن ما که رژیم دهنفورشاه را سرنگون ساختند با قاطعیت هر چه بیشتری علیه رژیم کونی بپای خیزند . ما تردیدی نداریم آن روز فرا خواهد رسید که در خیابان و حیاط آنهاک برادر مردم ایران بخاطر جنایات عظیمی که مرتکب گردیده اند پاسخ بدهند . آنروز در نیمت که بر قسم دسایس دشمنان در سرزمین ایران آزادی و عدالت اجتماعی و صلح برقرار گردد . حزب توده ایران هم اکنون در دشوارترین شرایط برای تحقق این آرمان ها مبارزه میکند .

موج ترور را متوقف سازید!

در آفکارا محاکمه گروه دیگری از میهن پرستان ترکیه که رژیم دیکتاتوری ارتجاعی ترتیب داده بود پایان رسید. بیش از ۲۲ نفر از متهمین به مدتهای گوناگون زندان محکوم شدند (۱۷۰ نفر از آنها به ۵ تا ۱۰ سال و ۳۰ نفرشان به بالاتر از ۱۰ سال زندان) - همه آنها را به گناه عضویت در حزب کمونیست ترکیه محاکمه و زندانی کرده اند.

از هنگام شروع نظامی سال ۱۹۸۰ تا بحال بیش از ۱۵۰۰ بار حزب کمونیست ترکیه را به "محاکمه خوانده اند". در جریان این دادرسی ها بیش از ۵۰۰ حکم محکومیت صادر شده است. متهمین در جریان دادرسی دلیرانه از امر خلق، مبارزه در راه کار، صلح و آزادی دفاع کردند و خواستار استقلال کشور از امپریالیسم امریکا شدند. در جریان عملیات پراگنده برای دستگیری کمونیست ها بیش از ده هزار نفر "مظنونین به کمونیسم" بازداشت گردیدند. بسیاری از آنها را سیمان شکنجه کردند. در نتیجه این شکنجه ها رفیق دنیوز عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه و ته داد دیگری از کادرهای رهبری حزب بهلاکت رسیدند.

نه فقط کمونیست ها بلکه همه دموکراتها، طرفداران صلح و فعالین سندیکاها مورد تضييق و پیگرد قرار میگیرند. حتی نمایندگان رسمی دولت اعتراف میکنند که اکنون در کشور رحد و وسی هزار تن زندانی سیاسی وجود دارد. تاکنون ۲۹ نفر را اعدام کرده اند و ۱۰۸ نفر در انتظار اجرای حکم اعدام هستند. در جریان محاکمات اداره دادرسی خواستار صدور هزار حکم اعدام دیگر شد. پنجاه و دو تن از رهبران سندیکا که غیرقانونی اعلام شده از جمله آنها هستند. گسترش دامنه محاکمات خود سرانه علیه نمایندگان نیروهای دموکراتیک در ترکیه بمعنی تشدید ترور از طرف رژیم دیکتاتوری است که سیاست اقتصادی فاجعه آمیز و موشی آن در جهت تبعیت نظامی-سیاسی از امپریالیسم امریکا با مقاومت مردم روپرو میشود.

احکام صادره علیه بیش از ۲۲۰۰ میهن پرست ترکیه موج گسترده اعتراض بین المللی را برانگیخت. احزاب سیاسی گوناگون، شخصیت های اجتماعی برجسته بسیاری از کشورهای اروپا و دولت ترکیه خواسته اند به تضييق و فشار پایان دهد و تمام زندانیان سیاسی را آزاد کند. جنبش همبستگی بانیهروهای میهن پرست و دموکراتیک با زتابی از پشتیبانی گسترده از امرعا دلانه آنهاست.

علی ایلری

نماینده حزب کمونیست ترکیه در شورای هیئت تحریریه مجله

"مسائل صلح و سوسیالیسم"

به ترور در اندونزی پایان دهید!

در ماهه سال جاری، در آستانه شصت و پنجمین سالروز ایجاد حزب کمونیست اندونزی، رژیم ارتجاعی نظامی کشور حکم اعدام رفیق گرامی ماحمد منیر عضو بروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اندونزی، صد رشورای ملی سازمان مرکزی اتحادیه‌های کارگری اندونزی و مصاون صد رند راسیون سندیکا‌های جهانی را که بیش از ۱۷ سال در زندان بسربرد بمرحله اجرا درآورد. اطلاع داده میشود که اینک اعدام رستمسو، جوکو، اونتونگ، گاتوت، سوتاراو، روسلان وویچایا - ساسترا، شخصیت‌های برجسته حزب کمونیست اندونزی را تدارک می‌بینند.

بطوریکه میدانیم تقریباً بیست سال پیش ارتجاع با پشتیبانی ژنرال‌های راستگرای اندونزی و مسرپرستی سوهارتو پس از دست زدن بترور توده‌ای خونباری علیه کمونیست‌ها و دموکرات‌ها حاکمیت دولتی را از دست پرزیدنت سوکارنومپهن پرست و شخصیت برجسته دموکرات و ضد امپریالیست بیرون آورد. صد هاهزار نفر از افرادی که دارای نظریات مترقی بودند و هزاران تن از کمونیست‌ها روانه اردوگاه‌های کار اجباری و زندان‌ها شدند. رژیم نظامی حاکم زیر فشار افکار عمومی و اقدامات گوناگون و گسترده همبستگی بین المللی با میهن پرستان اندونزی (که در تمام این سالها ادامه داشت) با شرط و شروط بسیاری در سال ۱۹۷۹ به "آزادی" گروه بزرگی از زندانیان سیاسی رضایت داد. اما رهبران حزب کمونیست اندونزی، کادرهای حزبی و سایر سازمانهای مترقی تا امروز در زندان رنج می‌برند. تقاضای بخشودگی برای بخش بزرگی از آنها از طرف سوهارتو رد شد.

جریان داد و رس قلابی و اعدام م. منیر این کمونیست میهن پرست، برغم مطالبه آزادی او از طرف مردم اندونزی و جهانیان، صد ورحم اعدام سایر رفقای ما برای چندمین بار چشم‌سره ضد انسانی رژیم نظامی را برملا ساخت. آنتی کمونیسم و آنتی دموکراتیسم کور و نمایندگان مردم زحمتکش را بخاک و خون می‌افکند و به منافع ملی ما زبان وارد میکند. این رژیم بسود سرمایه انحصاری است که خلق ما را غارت میکند و بسود امپریالیسم بویژه امپریالیسم امریکا است که در تلاش کشانیدن هرچه بیشتر اندونزی به شبکه نقشه‌های میلیتاریستی خود در آسیای جنوب شرقی است. بنظر ما، از هنگام برقراری حاکمیت نظامیان راستگرا، مشی ارتجاعی همواره جزئی از استراتژی ضد کمونیستی

جهانی بود و است که در تحقق آن ایالات متحده امریکا در رده نخستین قرار دارد . این سیاست با خواستهای مردم ما و تمام خلقهایی که در راه استقلال ملی واقعی مبارزه میکنند و از امر صلح ، دموکراسی و ترقی اجتماعی دفاع میکنند مغایر است .

ما اطمینان داریم : همبستگی بین المللی بمایاری میرساند که در اندونزی در مبارزه در راه آزادی تمام کمونیست ها و دموکراتها توفیق حاصل کنیم و آنرا از سیاهچالهای ارتجاع رها سازیم . حزب ما و مردم زحمتکش به همراه سایر نیروهای میهن پرست به انجام دگرگونیهای بنیادی با توجه به منافع توده های انبوه مردم و آینده روشن میهن دست خواهند یافت .

افکار عمومی مترقی قاطعانه خواستار پایان بخشیدن به ترور راندونزی است ، آنتنسی

کمونیسم رژیم سوهارتو و شیوه های ضد دموکراتیک خائنانه آن باید از طرف همگان محکوم و بر ملا گردد .

س . سودیمان

عضور رهبری حزب کمونیست اندونزی

کنترل استفاده از انرژی هسته ای امکان پذیر است

هانس بلیکس

رئیس کل آژانس بین المللی
انرژی اتمی

دردوران کنونی کنترل این امرکه بهره برداری از انرژی هسته ای پراه استفاده
نظامی سوق داده نشود از لحاظ سیاسی دردستور روز قرار میگیرد . آژانس
بین المللی انرژی اتمی نقش مهمی در انجام چنین وظیفه ای ایفا میکند . همین
آژانس است که بمسائل مربوط به اجرای قرارداد های جلوگیری از اشاعه سلاح
هسته ای (۱) رسیدگی میکند . این قرارداد ها از بهترین اسناد حقوقی
بین المللی هستند که تاکنون از طرف ۱۲۶ کشور با امضاء رسیده است . این
آژانس با کشورهای شرکت کننده در قرارداد توافق نامه ای رامنضمند میسازد که
مضمون آن کنترل اجرای تمهد اتمی است که آن کشورها بعهده گرفته اند .
گفته شودی کهینا بخواهش گروهی از خوانندگان با هانس بلیکس رئیس کل
آژانس بین المللی انرژی اتمی صورت گرفته و در زیر چاپ میرسد به مسائل مربوط
به بهره برداری مسالمت آمیز از انرژی هسته ای و جلوگیری از اشاعه سلاح هسته ای
اختصاص داده شده است .

هانس بلیکس دکتر و فلسفه و حقوق ، مولف چند کتاب درباره مسائل مناسبات بین المللی ، وزیر سابق
امور خارجه سوئیس و سرپرست آژانس بین المللی انرژی اتمی از سال ۱۹۸۱ می باشد .

زیر نویس در صفحه پچسد

— نقش آژانس در حفظ صلح و گسترش و پیشرفت همکاری کشورهای کد است ؟

— وظائف اساسی آژانس عبارت از کمک به استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای و یاری رساندن به کوشش‌هایی است که در جهت جلوگیری از اشاعه بیشتر سلاح هسته ای بعمل می‌آید . فعالیت آژانس در هر دو عرصه بطور عمده دارای خصلت تکمیلی است . بطور مثال صحبت بر سر این است که بی‌خطر بودن کار موسسات تولید دستگاه‌های اتمی و مدفون کردن فضولات راد یواکتیو ، استفاده از تکنولوژی هسته ای در کشاورزی و مانند اینها تأمین گردد . از آنجا که هدف‌هایی که بد آنها اشاره شد با وظائف بزرگتری ارتباط دارند (مانند تأمین جامعه بشری با انرژی و افزایش ذخایر مواد غذایی) کمک به پیشرفت صنعتی و یاری رساندن به کوشش‌هایی که برای کنترل تسلیحات بعمل می‌آید) همه فعالیت‌های ماتوجه فراوان مردم را جلب میکند .

هر دو وظیفه اساسی آژانس متقابلاً به یکدیگر مربوط هستند . اگر در جلوگیری از اشاعه سلاح هسته ای هم در جهت عمودی و هم افقی (۱) توفیق حاصل گردد شک و تردید‌هایی که هنوز در مورد هدف مفیدی استفاده همه‌جانبه از اتم برای هدف‌های مسالمت آمیز وجود دارد کاهش می‌یابد . در ضمن تحقق هر چه کاملتر امکانات عظیمی که اتم در عرصه انرژی و حرارت ، در کشاورزی و صنعت و خدمات پزشکی در اختیار ما قرار می‌دهد به ایجاد شرایطی که برای حفظ صلح مساعد است کمک می‌کند .

زیر نویس صفحه پیش

قرارداد مربوط به عدم اشاعه سلاح هسته ای — قرارداد بین المللی است که از طرف کمیته ویژه خلع سلاح سازمان ملل متحد تهیه و تدوین گردید . هدف آن محدود ساختن دایره کشورهای است که سلاح هسته ای در اختیار دارند تا بدین ترتیب از امکان پیدایش درگیری مسلحانه با استفاده از چینی سلاحی بکاهد . این قرارداد از اول ژوئیه سال ۱۹۶۸ در شهرهای مسکو و واشنگتن و لندن برای امضاء کردن در دسترس کشورهای قرار گرفت . از نهم مارس سال ۱۹۷۰ رسمیت و اعتبار قانونی پیدا کرد .

هیئت تحسیر پریه

۱ — مقصود از سمت عمودی ، ذخیره انواع گوناگون سلاح هسته ای در یک کشور است . سمت افقی اشاعه آن در سایر کشورهایی است که تاکنون فاقد آن هستند .

بنسب به خواهش شرکت کنندگان در قرارداد جلوگیری از اشاعه سلاح هسته ای و " قرارداد تلاتولکو " (۱) امریکای لاتین آژانس این موضوع را نیز کنترل میکند که آیا برتانه های اتی ایسن کشورها فقط برای رسیدن به هدفهای صلح آمیز مورد استفاده قرار میگیرد یا خیر . چنین کنترلی در منطقه و در سراسر جهان این اطمینان را بوجود میآورد که سلاح هسته ای در کشورهای دیگر اشاعه نمییابد . بدین ترتیب آژانس بین المللی انرژی اتی به حفظ صلح کمک میکند .

آژانس مرکز اساسی همکاری کشورهای در امر استفاده از انرژی هسته ایست . دیدارها و کنفرانسهای متعددی که آنها ترتیب میدهند ، سمینارها ، سمپوزیوم ها ، پروشورهای آنها همه برای کمک به تبادل تجربه بقیاس وسیع است .

— همانطور که شما گفتید یکی از مهمترین وظائف آژانس بین المللی انرژی اتی نظارت بر اجرای قرارداد عدم اشاعه سلاح هسته ای بوسیله کشورهای است که آنها را بتصویب رسانده اند . ما ایلم اعتقاد داریم ، شاد بباره تمرینهای سیستم تضمین های آژانس در این عرصه و تدابیر و راه های افزایش این تضمین ها مطلع شویم .

— حالا پانزده سال از رسمیت یافتن قرارداد عدم اشاعه سلاح هسته ای و هیجده سال از زمان باضاً رسیدن قرارداد تلاتولکو میگذرد . هر دوی آنها به ایجاد سیستمی کمک کردند که توانست بمیزان معینی از اشاعه بیشتر سلاح هسته ای جلوگیری کند . عرصه عملکرد سیستم تضمین های آژانس بین المللی انرژی اتی بمیزان چشمگیری گسترش یافته است و میتوان گفت شرکت کنندگان بعد امیری که ما انتخاب میکنیم با اعتماد و اطمینان برخورد میکنند .

ولی بانزدیک شدن سومین کنفرانس بررسی قدرت عمل و شمر بخشی قرارداد عدم اشاعه سلاح هسته ای (۶) نمیتوان نگرانی معینی را که کشورهای فاقد سلاح هسته ای احساس میکنند از نظر ورود است . تصمیم بمپیوستن به قرارداد ، بدون تردید پاسخگوی مصالح امنیتی خود آنها نیز بود .

۱ — " قرارداد تلاتولکو " ، قرارداد قدغن ساختن سلاح هسته ای در امریکای لاتین است (سال ۱۹۶۷) . این قرارداد نخستین کوشش برای تثبیت وضع و حالت منطقه بدون سلاح هسته ای در بخش وسیع مسکونی روی زمین به شکل حقوقی — بین المللی است . امضای آن در وزارت امور خارجه مکزیک که در ناحیه تلاتولکو شهر مکزیک واقع است انجام میگردد . در حال حاضر قرارداد را ۲۵ کشور امریکای لاتین امضا کرده اند که برای ۲۳ کشور از میان آنها شکل قانونی پیدا کرده است (بتصویب پارلمان هارسینده است) . هیئت تحریریه .

۲ — باید در ماههای اوت — سپتامبر سال جاری تشکیل گردد . هیئت تحریریه .

در همین حال با پیوستن به قرارداد آنها امید وار بودند که بمیند اکرآت مربوط به اتخاذ تدابیر مؤثر برای پایان دادن به سابقه تسلیحاتی و خلع سلاح هسته ای کمک خواهد شد و بدین ترتیب بتحکیم امنیت خود آنها و امنیت همگانی یاری خواهد رساند. ولی وضع حقیقی امریاس و نوپیدی جدی عده ای را برمیآنگیزد. امید داریم در سال جاری و حداقل پیشرفت نسبتاً محسوس در عرصه خلع سلاح هسته ای آغاز گردد و مصاعبی بیشتری برای تأمین مستمری هرچه بیشتر به استفاده از تکنولوژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز و از جمله گسترش کمک به کشورهای در حال رشد میزول گردد.

در اسناد اساسی که برای گفرانس آینده تهیه میشود دبیرخانه آژانس بین المللی انرژی اتمی تجربه آژانس را در مورد بهره برداری از سیستم تضمین هاتشریح میکند و تصویر کلی همکاری بین المللی در عرصه هسته ای و از جمله کمکهای تکنیکی در رشتههای کشاورزی و صنایع و خدمات پزشکی را بدست میدهد.

باحتیاد و شفا اهمیت اصولی موافقت نامه میان آژانس بین المللی انرژی اتمی و اتحاد شوروی در باره قرارداد ان از مؤسسات هسته ای شوروی که از آنها برای مقاصد غیر نظامی بهره برداری میشود تحت کنترل آژانس بین المللی چیست ؟

سپا نژاد سال ۱۹۸۴ با پیکار اتحاد شوروی ماند اکرآت انجام دادیم که هدف آن انعقاد موافقت نامه و پروژهای بود که در آن پیش بینی شده باشد اتحاد شوروی داوطلبانه یک سلسله از مؤسسات ود دستگاههای را که برای امور صلح آمیز از آنها استفاده میشود تحت نظارت و کنترل آژانس قرار دهد. ۲۱ فوریه سال ۱۹۸۵ این موافقت نامه در وین با امضاء رسید.

کنترل فعالیت های هسته ای کشورهای که دارای سلاح هسته ای هستند، پدید و تازه و سه عقید و من فوق العاده مهمی است و اگرچه دایره چنین کنترل هایی فقط بمؤسسات اتمی غیر نظامی جداگانه ای محدود میگردد. ما همیشه از انعقاد موافقت نامه در باره تضمین ها با این قبیل کشورهای استقبال میکنیم. آنها دایره تجارت ماد زرمینه بکارگرفتن سیستم تضمین ها را گسترش میدهند و نمونههای هرچه بیشتری برای تحقق تدابیر کنترل در کشورهای بوجود میآورند که دارای این قبیل سلاحها هستند.

میدانیم که از تهیه و تدوین بسیاری از موافقت نامه های مهم در باره محدود ساختن تسلیحات و خلع سلاح (در عرصه سلاح هسته ای و غیره) و جلوگیری از میل تازیه شدن فضای کیهانی به بهانه عدم امکان برقراری " کنترل واقعی " ممانعت بعمل میآید. با توجه به تجربه ایجاد و عملکرد ساختار واحد کنترلی نظیر سیستم تضمین های آژانس بین المللی انرژی اتمی شما در این باره چمیتوانید بگوئید ؟

— کنترل مانع اصلی برای تحقق بسیاری از پیشنهاد های مربوط به خلع سلاح است . سیستم تضمین های آژانس بین المللی انرژی اتمی نشان میدهد که دشواریهای موجود در این راه را میتوان برطرف ساخت . بازرسی منظم و گاهی حتی دائمی مؤسسات در محل از طرف سازمان بین المللی تقریباً در سراسر جهان با استقبال روبرو شده است .

بعقید من بهنگام بررسی این مسئله که آیا سیستم تضمین های آژانس بین المللی انرژی اتمی میتواند برای کنترل کاهش تسلیحات هسته ای یا خلع سلاح مورد استفاده قرار گیرد باید نکات زیرین را در نظر گرفت :

— سیستم تضمین ها فعلاً فقط در مورد مؤسساتی بکار گرفته میشود که از آنها برای مقاصد مسالمت آمیز بهره برداری میکنند .

— این سیستم فقط مؤسساتی را در برمیگیرد که کشوری که آنها را تحت کنترل آژانس قرار میدهد معین میکند . احتمال نمیرود که کشورهای مستقل برخوردار از حق حاکمیت بتوانند به بازرسان (۱) اجازه بدهند که در سراسر کشور رجستجوی مؤسساتی که برای کنترل تضمین نشده اند آزادانه حرکت کنند .

ضمن مذاکراتی که در گذشته درباره خلع سلاح انجام میشود بارها مسئله امکان کاهش تولید فضولات تجزیه و آزمایشگاهی اتم مورد بحث قرار گرفت . دستگاههایی که برای تولید این قبیل فضولات در کشورهای دارند به سلاح هسته ای وجود دارد با کارخانه های ویژه مخفی کردن اتم و یا ایجاد تغییر و تحول در سوخت هسته ای که برای هدفهای مسالمت آمیز مورد استفاده قرار میگیرد (نظیر کارخانه های کسه مدتی است تحت کنترل آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار داده شده اند) فرق زیادی ندارند .

کوتاه سخن ، عملاً انواع بسیار زیادی از کنترل این قبیل دستگاهها مورد آزمایش قرار گرفته است . بنابراین این امکان تکنیکی برای تأمین کنترل محدود ساختن و یا قطع کامل تولید اسلحه و مهمات هسته ای وجود دارد . البته ، این امر نیازمند ایجاد سیستم تضمین هایی با اختیارات بسیار زیاد تری از اختیارات کنونی ما است .

با وجود این میتوان چنین نتیجه گیری کرد : اگر کشورهای دارند به سلاح هسته ای واقفند رجستجوی راهبائی برای برقراری کنترل پیاده کردن بخشهای مختلف چنین سلاحی برآیند ، در این صورت کاملاً منطقی خواهد بود که از شیوه های کنترل نقل و انتقال مواد تجزیه شده در دستگاهها که تاکنون از آزمون بدرآمده استفاده شود . آژانس مواد هم بعد آبیاید یا برای هدفهای مسالمت آمیز بهره برداری گردد و باید رجای معینی نذخیره شوند .

۱ — طبق سیستم تضمین هایی که برای به موافقت نامه عدم اشاعه سلاح هسته ای وجود آورده شده است کنترل این امر که کارخانه های هسته ای برای هدفهای نظامی مورد بهره برداری قرار نگیرد ، اساساً یکبارگی با سازمان بین المللی آژانس بین المللی انرژی اتمی ، یعنی متخصصینی که برای بازرسی دارای اختیارات تام هستند تأمین میگردد . هیئت تحریریه

خبرهای کوتاه

آرژانتین

جشنواره ارگانهای مطبوعاتی حزب کمونیست آرژانتین یعنی روزنامه های " که پاسا " و " آکی ای آئورا " درموتشوس آیرس با موفقیت فراوان برگزار شد . شرکت کنندگان در جشنواره باعکس ها و اشیائی که تاریخ و وضع کمونی مطبوعات کمونیستی و کارکمیته های منطقه ای و شهری حزب کمونیست آرژانتین را نمایان میساختند آشنا شدند . در محوطه برگزاری جشن نمایشگاه عکسهای مربوط به چهلمین سال سرکوب نازیسم هم دایرگردیده بود .

برزیل

کنگره ملی لایحه قانونی رابتصویب رساند که حاکی از ازالغای موضوعیت فعالیت سازمانهای سیاسی واز جمله حزب کمونیست برزیل است . این اقدام نتیجه مبارزه دراز مدت کمونیست ها و تمام نیروهای دموکراتیک کشور در راه برسمیت شناختن حزب کمونیست برزیل بود که عملاً طی تمام مدت شصت و سه سال موجودیت خود غیرقانونی بود و فقط دوران کوتاهی فعالیت علنی داشت .

ایتالیا

در ایتالیا انتخابات اداری برای گزینش ارگانهای خودگردان استانها و شهرستانها و شهرداری ها برگزار شد . حزب کمونیست ایتالیا در شرایط تبلیغات لحام گسیخته گسترده ای که احزاب ائتلاف راست علیه آن برآه انداخته بودند در این انتخابات ۳۰٫۲ درصد آرا را انتخاب کنندگان را بدست آورد .

کانادا

در تورونتو بابتکار مجله " کمونیست و پو پوان " ارگان تفویک حزب کمونیست کانادا اکفوانسی در مورد مسافل کاهش تسلیحات و خلع سلاح تشکیل گردید . رهبران حزب کمونیست کانادا اونماینندگان مجامع صلحد وست کشور در آن کفرانس شرکت جستند .

نروژ

دفتر مرکزی حزب کمونیست نروژ اعلامیه ای انتشار داد که طی آن دولت را به پیروی از نمونه
وسر مشق زلاند نوفر خوانده است . توضیح آنکه زلاند نویسنده رکشور را بر روی کشتی های امریکائی ناقل
سلاح هسته ای بسته است .

سودان

پس از سرنگونی رژیم نمیری حزب کمونیست سودان که ۱۴ سال بطور غیر علنی فعالیت میکرد
امکان یافت به فعالیت علنی بازگردد . نمایندگان آن در دیدارهایی که با شورای نظامی ، سایر
احزاب و سازمانهای سندیکائی ، برای بررسی مسائل مربوط به تشکیل دولت موقت دوران گذار ترتیب
داد همیشه شرکت جستند (دولت موقت در آوریل سال ۱۹۸۵ تشکیل شد) . در ماه مه حزب برای
نخستین بار میتینگ داده ای تشکیل داد که م . نوگود دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان در
آن سخنرانی کرد .

ژاپن

در جشنواره روزنامه " آکاهاتا " ارگان اصلی مطبوعاتی حزب کمونیست ژاپن که در سائکائی
حومه شهر آساکا تشکیل یافت ۲۴۰ هزار نفر شرکت کردند . میتینگی که با اشتراک رهبران حزب
کمونیست ژاپن برگزار گردید رویداد عمده فستیوال بود . آنان مردم ژاپن را فرا میخواندند که با قاطعیت
بیشتری برای مبارزه در راه قدغن ساختن کامل سلاح هسته ای و پیشگیری از جنگ هسته ای بسیا
خیرتند .

وقت تشکیل کنگره هامین شد

در پیلنوم های کمیته های مرکزی تعدادی از احزاب کمونیست و کارگری که اخیراً تشکیل یافت
زمان تشکیل کنگره های نوبتی احزاب معین شد . یازدهمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان ۲۱-۱۷
آوریل سال ۱۹۸۶ هفدهمین کنگره حزب کمونیست چکسلواکی ۲۴ مارس سال ۱۹۸۶ نوزدهمین
کنگره حزب خلق انقلابی مغولستان ۲۸ مه سال ۱۹۸۶ بیستیمین کنگره حزب کمونیست اسرائیل
در دسامبر سال ۱۹۸۵ .

دیدارهای احزاب برادر

۱۵ در روزهای سی و یکم مه و اول ژوئن سال جاری ۶ بنابعد عوت حزب کمونیست آلمان ۵ دیدار با نژده حزب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه داری اروپا در شهر وین ایتالیا آلمان غربی انجام گرفت ۵ این دیدار به بررسی وضع زنان کشورهای اروپای غربی و جلب آنها به مبارزات اجتماعی اختصاص داده شده بود ۵

۱۶ در آغاز ماه ژوئن سال جاری اجلاسیه نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشورهای عربی تشکیل گردید ۵ در این اجلاسیه مسائل مهم وضع بین المللی وضع جهان عربی مورد بحث و مذاکره قرار گرفت ۵ در اعلامیه مشترکی که به تصویب رسید نتایج عمده این بحث و مذاکره و ارزشهای آن درج شده است ۵

۱۷ با ابتکار حزب کمونیست فرانسه روزهای دوازدهم و سیزدهم ژوئن سال جاری دیدار ۱۸ حزب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه داری اروپا در پاریس انجام شد ۵ در این دیدار وظائف کمونیست ها در زمینه تمهید بحران اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری و در درجه اول تشدید بیکاری مورد بحث و بررسی قرار گرفت ۵

۱۸ در روزهای دوازدهم تا چهاردهم ژوئن در هاوانا پایتخت کوبا دیدار نمایندگان احزاب کمونیست کشورهای امریکای لاتین و حوضه کارائیب انجام گرفت ۵ شرکت کنندگان در دیدار درباره بحران شدید اقتصادی که کشورهای منطقه با آن دست بگریبان هستند تبادل نظر کردند ۵ آنها نگرانی عمیق خود را از وضع فوق العاده خطرناکی که در اطراف نیکاراگوئه پدید آمده و از حالت قابل انفجار در صالوادور ابراز داشتند و با مهارت و صبر در شیلی در راه احیای آزادی و دموکراسی اظهار همبستگی کردند ۵

مکزیک

دو دهه هزرتن از اهالی مکزیک در جشنواره حزب سوسیالیست متحد مکزیک که در پایتخت کشور برگزار گردید اشتراک ورزیدند ۵ در این جشنواره ۵ دیدارها ۵ گفت و شنودها ۵ " میزگردهای " متعددی ترتیب داده شد که مسائل و معضلات مهم دوران ماصرد آنها مورد بحث و مذاکره قرار گرفت ۵ جشنواره با میتینگ توده ای همبستگی با خلق رزمند نیکاراگوئه پایان رسید ۵

جمهوری دموکراتیک آلمان

صدها هزارتن از ساکنان و میهمانان پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان در جشن سنتسی ارگان کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان روزنامه " نویس د وپچلاند " شرکت کردند .
 در چهارچوب این جشن دیدارها و گفت و شنود هائی میان شرکت کنندگان در جشن و نمایندگان چهل ارگان مطبوعاتی احزاب کمونیست و کارگری برادره از جمله مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " که در جشن حضور داشتند بعمل آمد .

یونان

در انتخابات پارلمانی که سوم ژوئن در یونان انجام شد ، حزب کمونیست یونان ۶۱٫۶۱ درصد آراء را بدست آورد و بطور کلی موقعیت خود را حفظ کرد .

هندوستان

در جسرین دیدار اخیر کمیان رهبران حزب کمونیست هندوستان و حزب کمونیست (مارکسیست) هندوستان بعمل آمد ، در باره تمدید فعالیت کمیته مرکزی هم آهنگی هر دو سازمان که سه سال پیش بمنظور تحکیم وحدت نیروهای چپ کشور بوجود آورده شد ، توافق حاصل گردید .

ترکیه

کمونیست ها و سایر نیروهای چپ ترکیه از تظاهرات عظیمی که نهم ژوئن در استانبول علیجا لارفتن قیمت ها ، بیکاری و اخراج کارگران و کارمندان از کاروبرای کسب حقوق دموکراتیک ترتیب داده شده بود فعالانمشتیبانی کردند . این تظاهرات را حزب سوسیال دموکرات ترکیه که یکی از سه حزب علنی اپوزیسیون بورژوازی کشور است سازمان داده بود . در این تظاهرات ۴۰ هزار نفر شرکت کردند . این تظاهرات بزرگترین نمایش نیروی زحمتکشان ترکیه پس از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ بود .

هیئت تحریریه و شورای تحریریه مجله
« مسائل صلح و سوسیالیسم » از نمایندگان احزاب
کمونیست و کارگری کشورهای زیر ترکیب میشود :
اتحاد شوروی ، اتریش ، اردن ، آرژانتین ، اسپانیا ،
اسرائیل ، جمهوری افریقای جنوبی ، الجزیره ،
السالوادور ، جمهوری دموکراتیک آلمان ، جمهوری
فدرال آلمان ، اندونزی ، اوروگوئه ، ایالات متحده
امریکا ، ایتالیا ، ایران ، ایرلند ، برزیل ، بریتانیا ،
بازویک ، بلغارستان ، بلوی ، پاراگوئه ، پاناما ، پرتغال ،
پرو ، ترکیه ، چکسلواکی ، دانمارک ، جمهوری
دومینیکان ، رومانی ، ژاپن ، سنگال ، سوئد ، سوئیس ،
سودان ، سوریه ، شیلی ، عراق ، فرانسه ، فنلاند ، فیلیپین ،
قبرس ، کانادا ، کلمبیا ، کوبا ، گواتمالا ، لبنان ، لوکر امبورک ،
لهستان ، مجارستان ، مغولستان ، مکزیکو ، ونزوئلا ،
هندوراس ، هندوستان ، یونان .

مجله «مسائل بین‌المللی» که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست، انتخاب و ترجمه می‌شود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره‌های ۷ و ۸ (ژوئیه - اوت) سال ۱۹۸۵ مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» به چاپ رسیده است.

PROBLEMS OF PEACE AND SOCIALISM

Theoretical and information journal of Communist
and Workers' Parties throughout the world

No 7 , 8 1985



انتشارات حزب توده ایران